



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د عدلیې وزارت

سرمېچنې

د سوداګریزو قراردادونو او د مالونو د خرڅلاو قانون
قانون قرارداد های تجارتي و فروش اموال

تاریخ نشر: (۲۸) میزان سال ۱۳۹۳ هـ . ش
نمبر مسلسل: (۱۱۵۰)

د خپرېدو نېټه: د ۱۳۹۳ هـ . ش کال د تلې د میاشتې (۲۸)
پرله پسې نمبر: (۱۱۵۰)

در این شماره :

- ۱- قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال از صفحه (۱-۱۴۸).
- ۲- مجموعه صفحات این شماره بشمول ابجد، متن و پشتی دارای (۱۶۳) صفحه.

د امتیاز خاوند: د عدلیې وزارت
مسئول چلوونکی: قانونمل محمدرحیم "دقیق"
۰۷۰۰۵۸۷۴۵۷
د دفتر تېلفون: ۰۷۵۲۰۵۲۷۰۹
مرستیال: نور علم ۰۷۰۰۱۴۷۱۷۸
مهتم: محمد جان ۰۷۸۳۳۰۶۹۸۲
وب سایت: www.moj.gov.af

قیمت این شماره: (۶۰) افغانی
تیراژ چاپ: (۳۰۰۰) جلد
مطبعه: بهیر
آدرس: وزارت عدلیه، ریاست نشرات و ارتباط عامه، چهارراهی پشتونستان، کابل

<p>فرمان</p> <p>رئيس جمهوري اسلامي افغانستان</p> <p>در مورد توشيح</p> <p>قانون</p> <p>قرارداد های تجارتي و فروش اموال</p> <p>شماره: (۶۳)</p> <p>تاريخ: ۱۳۹۳/۵/۱۱</p> <p>ماده اول:</p> <p>به تاسی از حکم فقره (۱۶) ماده (۶۴) قانون اساسی افغانستان، قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال را که براساس فيصله شماره (۱۲۷) مؤرخ ۱۳۹۳/۳/۳۱ هیئت مختلط مجلسین شورای ملی به داخل (۱۸) فصل و (۱۴۳) ماده تصویب گردیده است، توشیح می دارم.</p> <p>ماده دوم:</p> <p>این فرمان و فيصله هیئت مختلط مجلسین شورای ملی از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ گردد.</p> <p>حامد کرزی</p> <p>رئيس جمهوري اسلامي افغانستان</p>	<p>د سوداگری- او دمالونو د پلورلو د</p> <p>قراردادونو قانون د توشیح</p> <p>په هکله، د افغانستان داسلامي</p> <p>جمهوريت د رئيس</p> <p>فرمان</p> <p>گڼه: (۶۳)</p> <p>نېټه: ۱۳۹۳/۵/۱۱</p> <p>لومړۍ ماده:</p> <p>د افغانستان د اساسي قانون د (۶۴) مادې د (۱۶) فقرې د حکم له مخې، د سوداگری- او د مالونو د پلورلو د قراردادونو قانون چې د ملي شوري د مجلسينو د گډه هیئت د ۱۳۹۳/۳/۳۱ نېټې (۱۲۷) گڼې پرېکړې پر بنسټ، په (۱۸) فصلونو او (۱۴۳) مادوکې تصویب شوی دی، توشیح کوم.</p> <p>دوه یمه ماده:</p> <p>دغه فرمان او د ملي شوري د گډه هیئت پرېکړه دې، په رسمي جریده کې د خپرېدو له نېټې څخه نافذ شي.</p> <p>حامد کرزی</p> <p>دافغانستان داسلامي جمهوريت رئيس</p>
---	--

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت

ملي شوري

پرله پسي كڼه: (۱۲۷)

د فيصلې نېټه: ۱۳۹۳/۳/۳۱

د سوداگريزو قراردادونو او د مالونو

د خرڅلاو د قانون

فيصله

د افغانستان د اساسي قانون د سلمې مادې

له درج شوي حكم سره سم، د ملي

شوري د دواړو جرگو له درې، درې غړو

څخه جوړ شوی د مجلسينو ګډه هیئت د

سوداگريزو قراردادونو او د مالونو د

خرڅلاو قانون، له یو شمېر تعدیلونو او

ايزاد سره په (۱۸) فصلونو او (۱۴۳)

مادو کې د ۱۳۹۳/۳/۳۱ نېټې په

غونډه کې فيصله کړې.

د ګډه هیئت رئیس

رفيع الله حيدري

د ګډه هیئت مرستيال

نصرالله صادقي زاده نيلي

دولت جمهوري اسلامي افغانستان

شورای ملی

شماره مسلسل: (۱۲۷)

تاریخ فيصله: ۱۳۹۳/۳/۳۱

فيصله

قانون قراردادهای تجارتي و فروش

اموال

به تاسی از حكم ماده صدم قانون

اساسی افغانستان، هیئت مختلط

مجلسین شورای ملی به ترکیب سه، سه

نفر از اعضای هر جرگه قانون

قراردادهای تجارتي و فروش

اموال را با یک سلسله تعدیلات و ايزاد

در (۱۸) فصل و (۱۴۳) ماده در

جلسه مؤرخ ۱۳۹۳/۳/۳۱ فيصله

نمود.

رئيس هیئت مختلط

رفيع الله حيدري

معاون هیئت مختلط

نصرالله صادقي زاده نيلي

فهرست مندرجات قانون قراردادهای

تجارتی و فروش اموال

فصل اول

احکام عمومی

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>	<u>ماده</u>
۱.....	مبني.....	ماده اول:
۱.....	اهداف.....	ماده دوم:
۲.....	اصطلاحات.....	ماده سوم:
۶.....	ساحه تطبيق.....	ماده چهارم:
۷.....	انعقاد قرارداد.....	ماده پنجم:
۸.....	حسن نيت در قرارداد.....	ماده ششم:
۸.....	مشروعيت قرارداد.....	ماده هفتم:
۹.....	ايفاي تعهد و تطبيق.....	ماده هشتم:
۹.....	اهليت انعقاد قرارداد.....	ماده نهم:

فصل دوم

عناصر اساسی قرارداد

۱۰.....	عناصر اساسی و شرایط قرارداد.....	ماده دهم:
۱۲.....	پیشنهاد (ایجاب).....	ماده یازدهم:
۱۳.....	قبول.....	ماده دوازدهم:
۱۳.....	موضوع و هدف.....	ماده سیزدهم:
۱۴.....	سبب.....	ماده چهاردهم:

رسمی جریده

مسلول نمبر (۱۱۵۰)

۱۳۹۳/۷/۲۸

۱۴..... انعتاد قرارداد بر مبنای پیشنهاد و قبول	ماده پانزدهم:
۱۶..... قابلیت اجرای پیشنهاد، انصراف و رد	ماده شانزدهم:
۱۷..... اثرات انصراف و رد	ماده هفدهم:
۱۷..... ساقط شدن پیشنهاد	ماده هجدهم:
۱۸..... قبولی به موقع	ماده نوزدهم:
۱۹..... انصراف از قبول	ماده بیستم:
۲۰..... قبولی توام با تغییرات	ماده بیست و یکم:
۲۱..... مجلس خیار (اختیار)	ماده بیست و دوم:
۲۲..... اصول خاص برای تحریر اسناد	ماده بیست و سوم:

فصل سوم

اعتبار و اثر قراردادها

۲۴..... حالات قرارداد	ماده بیست و چهارم:
۲۴..... قرارداد صحیح	ماده بیست و پنجم:
۲۴..... قرارداد قابل فسخ	ماده بیست و ششم:
۲۶..... قرارداد باطل	ماده بیست و هفتم:
۲۷..... اجبار	ماده بیست و هشتم:
۲۸..... تقلب یا فریب	ماده بیست و نهم:
۳۰..... غبن فاحش	ماده سی ام:
۳۰..... شرایط معیاری	ماده سی و یکم:
۳۱..... آثار عقد قرارداد اشخاص ناقص الاهلیت	ماده سی و دوم:
۳۲..... آثار عقد قرارداد توسط وکیل فاقد صلاحیت	ماده سی و سوم:

رسمی جریده

مسلسل نمبر (۱۱۵۰)

۱۳۹۳/۷/۲۸

۳۳.....	اثر اشتباه در قرارداد	ماده سی و چهارم:
۳۴.....	قابلیت تفکیک شرایط	ماده سی و پنجم:
۳۵.....	قرارداد با شرایط غیر عادلانه	ماده سی و هشتم:

فصل چهارم

مراحل رسمی، شرایط و حقوق

۳۶.....	تکمیل مراحل رسمی	ماده سی و هفتم:
۳۶.....	شرایط مقدم و مؤخر	ماده سی و هشتم:
۳۷.....	حق خیار و فسخ	ماده سی و نهم:
۳۸.....	حق رد یا تأیید	ماده چهل:
۴۰.....	فسخ قرارداد	ماده چهل و یکم:
۴۰.....	آثار بطلان یا فسخ	ماده چهل و دوم:
۴۱.....	استقلال در حل منازعه	ماده چهل و سوم:

فصل پنجم

اجرای قراردادها

۴۲.....	ایفای تعهد با حسن نیت	ماده چهل و چهارم:
۴۲.....	ایفای همزمان مکلفیت های متقابل	ماده چهل و پنجم:
۴۳.....	ایفای پیهم تعهد	ماده چهل و هشتم:
۴۴.....	تعلیق در ایفای تعهد	ماده چهل و هفتم:
۴۵.....	حق رد بی موقع تعهد	ماده چهل و هشتم:
۴۶.....	حق رد ایفای قسمی تعهد	ماده چهل و نهم:
۴۶.....	حق تعویض	ماده پنجاهم:

رسمی جریده

مسلول نمبر (۱۱۵۰)

۱۳۹۳/۷/۲۸

عدم امتناع از ایفای تعهد به دلیل.....	ماده پنجاه و یکم:
تغییر نام طرفین.....۴۸	
حقوق اشخاص ثالث ذینفع.....۴۸	ماده پنجاه و دوم:
تعهدات شخص ثالث.....۴۹	ماده پنجاه و سوم:
وارثین.....۵۰	ماده پنجاه و چهارم:
شرایط استثنایی.....۵۰	ماده پنجاه و پنجم:

فصل ششم

اصول تفسیر قرارداد

هدف تفسیر.....۵۱	ماده پنجاه و ششم:
اصول کلی تفسیر.....۵۱	ماده پنجاه و هفتم:
بیان مبهم.....۵۳	ماده پنجاه و هشتم:
شرایط نامعین.....۵۴	ماده پنجاه و نهم:
رفع خلاء.....۵۴	ماده شصت:
قراردادها به زبان های مختلف.....۵۶	ماده شصت و یکم:

فصل هفتم

تعدیل و انتقال قانونی قراردادها

تعدیل.....۵۷	ماده شصت و دوم:
انتقال حقوق.....۵۸	ماده شصت و سوم:
مکلفیت اطلاع دهی هنگام انتقال حقوق.....۵۸	ماده شصت و چهارم:
حق دفاع متعهد.....۵۹	ماده شصت و پنجم:
انتقال و واگذاری تعهد.....۵۹	ماده شصت و ششم:

ماده شصت و هفتم: دسترسی به دفاعیه..... ۵۹

ماده شصت و هشتم: اثر اتحاد یا انقسام طرفین قرارداد..... ۵۹

فصل هشتم

میعاد قرارداد، انفصال و فسخ قبل از وقت

ماده شصت و نهم: میعاد قرارداد..... ۶۱

ماده هفتادم: حالات فسخ قرارداد..... ۶۱

ماده هفتاد و یکم: اختتام تعهدات و آثار آن..... ۶۳

ماده هفتاد و دوم: فسخ به اساس شرایط قرارداد..... ۶۳

ماده هفتاد و سوم: شرایط ضمنی حق فسخ..... ۶۴

ماده هفتاد و چهارم: سقوط حق فسخ..... ۶۵

فصل نهم

نقض قراردادها

ماده هفتاد و پنجم: اصول کلی..... ۶۵

ماده هفتاد و ششم: جبران خسارات..... ۶۶

ماده هفتاد و هفتم: خسارات ناشی از عدم پرداخت قیمت..... ۶۷

ماده هفتاد و هشتم: اجرای عین تعهد..... ۶۷

ماده هفتاد و نهم: محاسبه خسارات..... ۶۸

ماده هشتادم: تخفیف در خسارات..... ۶۹

ماده هشتاد و یکم: خسارات تعیین شده در قرارداد..... ۷۰

ماده هشتاد و دوم: خسارات ناشی از تأخیر در اجرای تعهد..... ۷۱

ماده هشتاد و سوم: وجه امانت..... ۷۲

رسمي جريده

مسلسل نمبر (۱۱۵۰)

۱۳۹۳/۷/۲۸

۷۳.....	نقض ناشی از عمل شخص ثالث	ماده هشتاد و چهارم:
۷۳....	انتخاب جبران خسارات در قانون یا قرارداد	ماده هشتاد و پنجم:
فصل دهم		
احکام خاص		
۷۴	قابلیت تطبیق احکام عمومی	ماده هشتاد و هشتم:
۷۴.....	حل منازعه	ماده هشتاد و نهم:
۷۵.....	صلاحیت و مکلفیت های محاکم تجارتي	ماده هشتاد و دهم:
۷۶.....	میعاد مرور زمان	ماده هشتاد و یازدهم:
فصل یازدهم		
قرارداد فروش		
۷۶.....	شرایط اضافی	ماده نودم:
۷۷.....	مکلفیت های فروشنده	ماده نود و یکم:
۷۷.....	زمان تحویلدهی	ماده نود و دوم:
۷۸.....	مکان تحویلدهی	ماده نود و سوم:
۷۹.....	طرز تحویلدهی	ماده نود و چهارم:
۸۰.....	مکلفیت خریدار	ماده نود و پنجم:
۸۰.....	زمان و مکان پرداخت	ماده نود و ششم:
۸۱.....	معامله بارترا (مبادله جنس با جنس)	ماده نود و هفتم:
فصل دوازدهم		
تضمینات و حقوق قرارداد		
۸۲.....	حق معاینه (خيار رویت)	ماده نود و هشتم:

رسمي جريده

مسلسل نمبر (۱۱۵۰)

۱۳۹۳/۷/۲۸

۸۳.....عواقب عدم معاینه.....	ماده نود ونهم:
۸۵.....حق انتخاب (خيار تعيين).....	ماده صدم:
۸۷.....حق رد به علت (عیب).....	ماده یکصدویکم:
۸۹.....ضمانت های ضمنی.....	ماده یکصدودوم:
۹۲.....انصراف ضمانت های ضمنی.....	ماده یکصدوسوم:
۹۴.....ضمانت های صریح.....	ماده یکصدوچهارم:
۹۵.....فروش مطابق نمونه.....	ماده یکصدوپنجم:
فصل سیزدهم	
انتقال مالکیت اموال	
۹۶.....انتقال مالکیت.....	ماده یکصدوششم:
۹۶.....مالکیت ثمرات یا عایدات حاصله.....	ماده یکصدوهفتم:
۹۷.....متعلقات و اشیای فرعی.....	ماده یکصدوهشتم:
۹۷.....ساحه فروش زمین و ملحقات آن.....	ماده یکصدونهم:
۹۸.....فروش حاصلات.....	ماده یکصدودهم:
۹۸.....وزن.....	ماده یکصدویازدهم:
فصل چهاردهم	
خطر خسارات اموال	
۹۹.....خطر خسارات بدون نقض قرارداد.....	ماده یکصدودوازدهم:
۱۰۰.....تأثیر نقض قرارداد برخطر وارد شدن خساره.....	ماده یکصدوسیزدهم:
۱۰۲.....انتقال خطر با وصف عدم تحویلدهی اسناد.....	ماده یکصدوچهاردهم:
۱۰۲.....حق جبران با وجود قبول خطر.....	ماده یکصدوپانزدهم:

فصل پانزدهم

ایفای تعهد نقض و جبران خساره

- ماده یکصد و شانزدهم: جبران خساره فروشنده حین آگاهی.....
- ۱۰۳..... به افلاس خریدار.....
- ماده یکصد و هفدهم: جبران خسارات کلی فروشنده..... ۱۰۴.....
- ماده یکصد و هجدهم: فروش مجدد توسط فروشنده..... ۱۰۵.....
- ماده یکصد و نوزدهم: خسارات فروشنده از لحاظ عدم قبول یا رد..... ۱۰۸.....
- ماده یکصد و بیستم: اقدام فروشنده برای قیمت..... ۱۰۹.....
- ماده یکصد و بیست و یکم: خسارات فرعی فروشنده..... ۱۱۱.....
- ماده یکصد و بیست و دوم: جبران کلی خسارات خریدار..... ۱۱۲.....
- ماده یکصد و بیست و سوم: تدارک اموال عوضی از طرف خریدار..... ۱۱۴.....
- ماده یکصد و بیست و چهارم: خسارات خریدار از ناحیه عدم تحویلدهی..... ۱۱۵.....
- ماده یکصد و بیست و پنجم: خسارات خریدار از ناحیه نقض در.....
- ۱۱۶..... خصوص اموال قبول شده.....
- ماده یکصد و بیست و هشتم: خسارات فرعی و تبعی (غیر مستقیم) خریدار..... ۱۱۷.....
- ماده یکصد و بیست و هفتم: ایفای عین تعهد یا جبران خسارت اموال..... ۱۱۸.....

فصل شانزدهم

انواع قراردادهای فروش

- ماده یکصد و بیست و هشتم: قرارداد فروش و تحویلدهی..... ۱۱۹.....
- ماده یکصد و بیست و نهم: خرید به اقساط و تصاحب مجدد..... ۱۲۰.....
- ماده یکصد و سی ام: فروش تجارتي..... ۱۲۵.....

رسمي جريده

مسلسل نمبر (۱۱۵۰)

۱۳۹۳/۷/۲۸

- | | | |
|----------|------------------------------------|-----------------------|
| ۱۲۶..... | فروش آزمایشی | ماده یکصد و سی و یکم: |
| ۱۲۷..... | فروشات با حمل و نقل رایگان (FCA) | ماده یکصد و سی و دوم: |
| ۱۳۳..... | فروشات با حمل و نقل بیمه شده (CIP) | ماده یکصد و سی و سوم: |

فصل هفدهم

قراردادهای تذاخیر و نگهداری اموال در گدام

- | | | |
|----------|----------------------------|-------------------------|
| ۱۴۱..... | مرعی الاجراء بودن قرارداد | ماده یکصد و سی و چهارم: |
| ۱۴۱..... | تذاخیر مواد خطرناک در گدام | ماده یکصد و سی و پنجم: |
| ۱۴۲..... | وجایب و مکلفیت های گدامدار | ماده یکصد و سی و ششم: |
| ۱۴۴..... | رسید گدام | ماده یکصد و سی و هفتم: |
| ۱۴۵..... | مدت تذاخیر اموال در گدام | ماده یکصد و سی و هشتم: |
| ۱۴۶..... | مسئولیت های گدامدار | ماده یکصد و سی و نهم: |

فصل هجدهم

احکام نهایی

- | | | |
|----------|------------------------------|--------------------------|
| ۱۴۷..... | قابلیت اعمال | ماده یکصد و چهل و یکم: |
| ۱۴۷..... | امور مربوط به سایر قراردادها | ماده یکصد و چهل و دویم: |
| ۱۴۸..... | وضع مقررات | ماده یکصد و چهل و سوم: |
| ۱۴۸..... | تاریخ انفاذ | ماده یکصد و چهل و چهارم: |

قانون	د سوداگريزو قراردادونو او د
قراردادهای تجارتي و فروش	مالونو د خرشلاو
اموال	قانون
فصل اول	لومړی فصل
احكام عمومي	عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د يوولسمې مادې له په پام کې نيولو سره وضع شوی دی.

موخې

دوه يمه ماده:

ددې قانون موخې عبارت دي له:

- ۱ - د اقتصادي او سوداگريزو قراردادونو د چارو تنظيمول.
- ۲ - د قرارداد د اړخونو د حقوقو او قانوني کتو تأمينول.
- ۳ - په اقتصادي او سوداگريزو معاملو کې ډاډ ترلاسه کول.

مبني

ماده اول:

این قانون با رعایت حکم ماده یازدهم قانون اساسی افغانستان وضع گردیده است .

اهداف

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

- ۱ - تنظیم امور قراردادهای اقتصادی و تجارتي.
- ۲ - تأمین حقوق و منافع قانونی طرفین قرارداد.
- ۳ - حصول اطمینان در معاملات اقتصادی و تجارتي.

اصطلاحگاني

درېيمه ماده:

راتلونکې اصطلاحگاني پدې قانون کې لاندې مفاهيم افاده کوي:

۱ - قرارداد: هغه عقد دی چې د حقيقي يا حکمي اشخاصو ترمنځ ددې قانون د حکمونو په حدودو کې د حق د ايجادولو، تعديل، لېږدولو يا ازالې په منظور، منعقد کېږي.

۲ - صحيح قرارداد: هغه قرارداد دی چې په خپل ماهيت، ډول او اوصافو کې د خاصو او عامو قانوني شرايطو لرونکی وي او د واک لرونکي شخص په واسطه ترتيب او د ابطال له شرط څخه خلاص وي.

۳ - د فسخ وړ قرارداد: هغه قرارداد دی چې په خپل ماهيت کې قانوني خو په شکل کې غيرقانوني وي او که چېرې د نقض سببونه لرې شي، په صحيح قرارداد بدلېږي.

۴ - باطل قرارداد: هغه قرارداد دی چې په خپل ماهيت او شکل کې غيرقانوني او د قرارداد د عقد د بنسټيزو عناصرو نه

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهيم ذیل را افاده می نماید:

۱ - قرارداد: عقدي است که به منظور ايجاد، تعديل، انتقال يا ازاله حق در حدود احکام این قانون بين اشخاص حقيقي يا حکمي منعقد می گردد.

۲ - قرارداد صحيح: قرارداد است که در ماهيت، نوع و اوصاف خود دارای شرايط خاص و عام قانونی بوده و توسط شخص با صلاحيت ترتيب و عاری از شرط ابطال باشد.

۳ - قرارداد قابل فسخ: قرارداد است که در ماهيت خود قانونی ولی در شکل غيرقانونی بوده و هرگاه اسباب نقض برطرف گردد، به قرارداد صحيح مبدل می شود.

۴ - قرار داد باطل : قرار دادی است که در ماهيت و شکل خود غير قانونی و فاقد عناصر اساسی انعقاد

لرونکی وي.

قرارداد باشد.

۵- د پلورنې قرارداد: هغه عقد دی چې پرموجب يې پلورونکی د مال مالکیت د عوض په وړاندې پېرودونکي ته لېږدوي.

۵- قرارداد فروش: عقدی است که به موجب آن فروشنده مالکیت مال را در برابر عوض به خریدار انتقال می دهد.

۶- د وړيا لېږد قرارداد: هغه عقد دی چې پرموجب يې پلورونکی د معاملي وړ مال هغه حمل، نقل کونکي ته چې د پېرودونکي لخوا ټاکل او معرفي شوی دی، ور تسليم کړي. پدې صورت کې د حمل او نقل، بیمې او له هغو څخه د راپيدا شوو خطرونو لگښتونه د پېرودونکي پر غاړه دي.

۶- قرارداد انتقال رایگان: (FreeCarriarr Agreement) (F,C,A) عقدی است که به موجب آن فروشنده، مال مورد معامله را به حمل، نقل دهنده ایکه از طرف خریدار تعیین و معرفی شده است تسلیم بدهد. دراین صورت مصارف حمل و نقل، بیمه و خطرات ناشی از آن به دوش خریدار می باشد.

۷- د بیمه شوي حمل او نقل قرارداد: هغه عقد دی چې پرموجب يې پلورونکی مال د حمل او نقل مرجع ته ور تسليموي او تر ټاکلي ځای پورې د حمل او نقل او بیمې لگښتونه ورکوي او د مال مالکیت او د بیمې حق پېرودونکي ته لېږدوي.

۷- قرارداد حمل و نقل بیمه شده: Insurance (Carriage paid) C.I.P عقدی است که به موجب آن فروشنده مال را به مرجع حمل و نقل تسلیم و مصارف حمل و نقل و بیمه را الی محل معین پرداخته و مالکیت مال و حق البیمه به خریدار انتقال می نماید.

۸- د ساتنې قرارداد: هغه عقد دی چې د اجرت د اخیستلو په بدل کې په گدام کې د ساتنې په غرض د امانت اېښودونکي او گدامدار ترمنځ صورت مومي.

۸- قرارداد نگهداری: عقدی است که غرض نگهداری در گدام در بدل اخذ اجرت بین امانت گذار و گدامدار صورت می گیرد.

- ۹ - د کار قرارداد: هغه عقد دی چې پر موجب يې له اړخونو څخه يو، بل اړخ ته د ټاکلي اجرت په بدل کې د هغه تر لارښوونې لاندې د خدمت په سرته رسولو ژمن کېږي.
- ۱۰ - سوداگر: هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې سوداگريزې معاملې د شغل او پېښې په توګه شخصاً يا دخپل استازي په واسطه په دوامداره توګه سرته ورسوي.
- ۱۱ - سوداگريزه پلورنه: هغه معامله ده چې دواړه اړخه يې سوداگر وي.
- ۱۲ - بايع (پلورونکی): هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې جنس يا خدمت د نغدو پيسو، جنس يا بل خدمت په بدل کې پلوري.
- ۱۳ - مشتري (پېرودونکی): هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې مال يا خدمت د نغدو پيسو، جنس يا بل خدمت په بدل کې پېري.
- ۱۴ - سند: ليکلې پاڼه يا الکترونيکي (ټېلگرام، ټېلکس، فکس، د الکترونيکي معلوماتو تبادله او الکترونيکي پست)
- ۹ - قرارداد کار: عقدي است که به موجب آن یکی از طرفین، انجام خدمت به طرف دیگر را، تحت رهنمائی وی در بدل اجرت معین متعهد می گردد.
- ۱۰ - تاجر: شخصی حقيقي يا حکمي است که معاملات تجارتي را شخصاً يا توسط نماينده خویش به حیث شغل و پیشه به طور دوامدار انجام دهد.
- ۱۱ - فروش تجارتي: معامله ایست که هر دو طرف آن تاجر باشند.
- ۱۲ - بايع (فروشنده): شخصی حقيقي يا حکمي است که جنس يا خدمت را در بدل پول نقد، جنس يا خدمت دیگر به فروش می رساند.
- ۱۳ - مشتری (خریدار): شخصی حقيقي يا حکمي است که مال يا خدمت را در بدل پول نقد، جنس يا خدمت دیگر خریداری می نماید.
- ۱۴ - سند: ورق کتبی يا پیام های الکترونيکی (ټيلگرام، ټيلکس، فکس، تبادلۀ معلومات الکترونيکی و پست

- پيغامونه دي چې د عقد د اړخونو اراده پکې منعکسه کېږي.
- ۱۵ - متعهد: هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې د قرارداد د مندرجاتو مطابق، د يوې ژمنې په اجراء کولو مکلف شوی وي.
- ۱۶ - متعهدله: هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې د قرارداد د مندرجاتو مطابق، ديوه کار ترسره کول يا له ترسره کولو څخه ډډه کول، دهغه په گټه ژمنه شوې وي.
- ۱۷ - بارتړ: د جنس مبادله (پلورل) د جنس په بدل کې دي.
- ۱۸ - امانت اېښودونکی: هغه حقيقي يا حکمي شخص دی چې مال د ساتنې لپاره په مؤقته توگه گدامدار ته ورتسليموي.
- ۱۹ - سوداگريزه معامله: د سوداگريز او اقتصادي ماهيت لرونکو مناسباتو په شمول ټول هغه مسايل دي چې د قرارداد يا سوداگريز عرف پر بنسټ د سوداگرو او متشبثينو ترمنځ صورت مومي.
- ۲۰ - تصويبي قرارداد (د اذعان عقد):
- الکترونيکي) است که اراده طرفين عقد در آن منعکس می گردد.
- ۱۵ - متعهد: شخص حقيقي يا حکمي است که مطابق مندرجات قرارداد، به اجرای تعهدی مکلف گردیده باشد.
- ۱۶ - متعهدله: شخص حقيقي يا حکمي است که مطابق مندرجات قرارداد، انجام يا امتناع از انجام کاری، به نفع وی تعهد شده باشد.
- ۱۷ - بارتړ: مبادله (فروش) جنس در بدل جنس می باشد.
- ۱۸ - امانت گذار: شخص حقيقي يا حکمي است که مال را طور مؤقت غرض حفاظت به گدامدار تسليم می نماید.
- ۱۹ - معامله تجارتي: کلیه مسايل شامل مناسبات دارای ماهيت تجارتي و اقتصادي است که به اساس قرارداد يا عرف تجارتي میان تجار و متشبثين صورت می گیرد.
- ۲۰ - قرارداد تصويبي (عقد اذعان):

هغه عقد دی چې د هغه پر موجب د قرارداد له اړخونو څخه د یوه په واسطه د قرارداد شرایط ټاکل کېږي او بل اړخ د هغو د منلو یا رد په هکله تصمیم نیسي.

د تطبیق ساحه

خلورمه ماده:

(۱) ددې قانون حکمونه په لاندې مواردو کې د تطبیق وړ دي، خو دا چې په قرارداد کې په بل ډول تصریح شوي وي:

۱- هغه قراردادونه چې د هېواد په دننه کې د افغانستان د اتباعو ترمنځ عقد کېږي.

۲- هغه قراردادونه چې د هېواد په دننه کې د افغانستان د اتباعو او بهرنیو اتباعو ترمنځ عقد کېږي.

۳- هغه قراردادونه چې د هېواد په دننه کې د بهرنیو اتباعو ترمنځ عقد کېږي.

۴- په غیر منقولو ملکیتونو پورې اړوند قراردادونه چې په افغانستان کې موقعیت ولري، د افغانستان د اتباعو ترمنځ عقد کېږي، خو دا چې په قوانینو کې په بل ډول اټکل شوي وي.

۵- هغه قراردادونه چې ددې قانون د حکمونو پر بنسټ عقد کېږي.

عقدیست که به موجب آن شرایط قرارداد توسط یکی از طرفین قرارداد تعیین و طرف دیگر در مورد قبول یا رد آن تصمیم اتخاذ می نماید.

ساحه تطبیق

ماده چهارم:

(۱) احکام این قانون در موارد ذیل قابل تطبیق می باشد، مگر اینکه در قرارداد طور دیگری تصریح شده باشد:

۱- قراردادهای که میان اتباع افغانستان در داخل کشور عقد می گردد.

۲- قرار داد های که میان اتباع افغانستان و اتباع خارجی در داخل کشور عقد می گردد.

۳- قراردادهای که میان اتباع خارجی در داخل کشور عقد می گردد.

۴- قراردادهای مربوط به ملکیت غیر منقول که در افغانستان موقعیت داشته باشد، میان اتباع افغانستان عقد می گردد، مگر اینکه در قوانین طوری دیگر پیش بینی شده باشد.

۵- قرار داد های که به اساس احکام این قانون عقد می گردد.

(۲) اړخونه کولی شي موافقه وکړي چې خپل قرارداد د بل هېواد د قانون يا د تطبيق وړ بين المللي ميثاق مطابق تنظيم کړي، د اختلاف د رامنځته کېدو په صورت کې، د افغانستان محکمې مکلفې دي له موافقې وړ قانون سره سم قضيه وڅېړي خو دا چې ددغه شان قرارداد عقدول د هېواد د نافذه قوانينو له مخې، منع شوي وي.

(۳) ددې قانون حکمونه په لاندې مواردو کې د تطبيق وړ نه دي:

۱ - په شخصيه احوالو پورې اړوندې موافقې.

۲ - په موقوفه مالونو پورې اړوندې موافقې چې په افغانستان کې موقعيت ولري.

۳ - غير سوداگريزې معاملې او نورې موضوعگانې چې د قانون په حکم ددې قانون د تطبيق له ساحې څخه مستثنې گرځول شوي وي.

د قرارداد عقدول

پنځمه ماده:

(۱) په قرارداد کې د اړخونو رضایت

(۲) طرفین می توانند توافق نمایند که قرارداد خویش را مطابق قانون کشور دیگریا ميثاق بين المللی قابل تطبيق تنظيم نمایند، در صورت بروز اختلاف، محاکم افغانستان مکلف اند مطابق قانون مورد توافق، قضيه را رسیدگی نمایند. مگر اینکه عقد چنین قرارداد صریحاً مطابق قوانین نافذه کشور ممنوع گردیده باشد.

(۳) احکام این قانون در موارد ذیل قابل تطبيق نمی باشد:

۱ - توافقات مربوط به احوال شخصيه.

۲ - توافقات مربوط به اموال موقوفه که در افغانستان موقعيت داشته باشد.

۳ - معاملات غیر تجارتي وسایر موضوعاتی که به حکم قانون از ساحه تطبيق این قانون مستثنی قراردادده شده باشد.

انعقاد قرارداد

ماده پنجم:

(۱) رضایت طرفین در قرارداد اصل

اصل دی.

(۲) هغه ایجاب او قبول چي د اکراه، اجبار، درغلی، تدلیس یا د ناسمې کړنې د نورو ډولونو له لارې لاسته راشي او یا د هېواد د نافذه قوانینو خلاف وي، دا اعتبار وړنه دی.

است.

(۲) ایجاب و قبولی که از طریق اکراه، اجبار، تقلب، تدلیس یا سایر اشکال رفتار نادرست حاصل گردد، و یا خلاف قوانین نافذه کشور باشد، فاقد اعتبار می باشد.

(۳) د قرارداد اړخونه ددې قانون د حکمونو مطابق، په ارادي توګه د قرارداد د عقدولو د حق لرونکي دي، هېڅ حقيقي یا حکمي شخص نشي کولی ددې حق له استعمال څخه مخنیوی وکړي، خو د قانون د حکمونو مطابق.

(۳) طرفین قرارداد مطابق احکام این قانون، حق انعقاد قرار داد را به صورت ارادی دارا بوده، هیچ شخص حقيقي یا حکمی نمی تواند از استعمال این حق جلوگیری نماید، مگر مطابق احکام قانون.

په قرارداد کې نېک نیت

شپږمه ماده:

د قرارداد د عقدولو په منظور، اړخونه مکلف دي د حقوقو د اعمال او د ژمنو د سرته رسولو د خبرو اترو په وخت کې، د نېک نیت اصل رعایت کړي.

حُسن نیت در قرارداد

ماده ششم:

به منظور عقد قرارداد، طرفین مکلف اند حین مذاکرات در اعمال حقوق و ایفای تعهدات اصل حُسن نیت را رعایت نمایند.

د قرارداد مشروعیت

اوومه ماده:

د قرارداد اړخونه مکلف دي د قرارداد د عقدولو او د هغه د مندرجاتو د تطبیق په وخت کې، ددې قانون او نورو تقنینی

مشروعیت قرارداد

ماده هفتم:

طرفین قرارداد مکلف اند حین انعقاد قرارداد و تطبیق مندرجات آن احکام این قانون و سایر

سندونو حکمونه په پام کې ونيسي.

د قانون د حکمونو د مغيرو اعمالو د اجراء په منظور، د قرارداد عقدول جواز نه لري.

دتعهد او تطبيق سرته رسول

اتممه ماده:

(۱) د قرارداد اړخونه په قرارداد کې د درج شوو ژمنو په سرته رسولو مکلف دي.

(۲) د قرارداد اړخونه نشي کولی په يو اړخيزه توگه قرارداد تعديل، فسخ يا ودروي، خو دا چې د قرارداد په متن يا قانون کې په بل ډول اټکل شوي وي.

(۳) هغه قرارداد چې د قانون د حکمونو مطابق عقد شوی، د محکمو او دولتي ادارو په وړاندې د اعتبار وړ دی.

د قرارداد د عقدولو اهليت

نهمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د (۱۸) کلنۍ سن يې بشپړ کړی وي. د قرارداد د عقدولو د اهليت لرونکی دی، خو دا چې دهغه اهليت د قانون په واسطه يا د محکمې په حکم سلب يا محدود شوی وي يا

اسناد تقينی را رعايت نمايند.

انعقاد قرارداد، به منظور اجرای اعمال مغيرو احکام قانون، جواز ندارد.

ايفای تعهد و تطبيق

ماده هشتم:

(۱) طرفين قرارداد مکلف به ايفای تعهدات مندرج قرارداد می باشند.

(۲) طرفين قرارداد نمی توانند بطور یک جانبه قرارداد را تعديل، فسخ یا متوقف نمايند، مگر اینکه در متن قرارداد یا قانون طور دیگری پیش بینی گردیده باشد.

(۳) قراردادی که مطابق احکام قانون منعقد گردیده، نزد محاکم و ادارات دولتی مدار اعتبار می باشد.

اهليت انعقاد قرارداد

ماده نهم:

(۱) شخصی که سن (۱۸) سالگی را تکمیل نموده باشد، اهليت انعقاد قرارداد را دارا می باشد. مگر اینکه اهليت او توسط قانون يا به حکم محکمه سلب يا محدود شده باشد

يا عقد قرارداد توسط شخص کمتر از سن (۱۸) سال در معاملاتی که به ضرر صغير باشد اعتبار ندارد و در معاملات محتمل نفع و ضرر موکول به اجازه ولی او می باشد.

(۲) شخص مجنون، معتوه و سفیه، اهلیت انعقاد قرارداد را ندارد.

(۳) ولی یا وصی قانونی اشخاص فاقد یا ناقص اهلیت می تواند به نمایندگی از ایشان مطابق احکام قانون قرارداد عقد نماید.

فصل دوم

عناصر اساسی قرار داد

عناصر اساسی و شرایط قرارداد

ماده دهم:

(۱) در انعقاد قرار داد عناصر ذیل الزامی بوده، هرگاه قرارداد فاقد یکی از این عناصر باشد، اعتبار ندارد:

۱ - پیشنهاد (ایجاب).

۲ - قبول .

د قرارداد عقد له (۱۸) کلنی، خخه د لړسن شخص په واسطه په هغو معاملاتو کې چې دصغير په زیان وي اعتبار نلري او دگټې او زیان په محتملو معاملاتو کې دهغه دولي په اجازې پوری موکول دی.

(۲) مجنون، معتوه او سفیه شخص د قرارداد د عقدولو اهلیت نه لري.

(۳) د اهلیت نه لرونکو یا د نیمگري اهلیت لرونکو اشخاصو ولي یا قانونی وصي کولای شي له هغو خخه په استازیتوب، د قانون د حکمونو مطابق قرارداد عقد کړي.

دوه یم فصل

د قرارداد بنسټیز عناصر

د قرارداد بنسټیز عناصر او شرایط

لسمه ماده:

(۱) د قرارداد په عقدولو کې لاندې عناصر الزامی دي، که چېرې قرارداد ددغو عناصرو د یوه نه لرونکی وي، اعتبار نلري:

۱ - وړاندیز (ایجاب).

۲ - قبول.

- ۳ - موضوع او موخه.
- ۴ - سبب.
- ۵ - وخت.
- (۲) اړخونه کولی شي ددې مادې په (۱) فقره کې پر درج شوو بنسټیزو عناصرو برسېره په لاندې شرایطو هم موافقه وکړي:
- ۱ - د اړخونو عنوان یا نوم، تخلص او د اوسېدو ځای.
- ۲ - د قرارداد اجراء په وړاندې د اړخونو ژمنه.
- ۳ - د مالونو کمیت.
- ۴ - د مالونو کیفیت.
- ۵ - بیه یا بدل.
- ۶ - موده، ځای او د اجراء ډول.
- ۷ - د قرارداد دنقض په وړاندې ژمنه.
- ۸ - د شخړې د حل لاره.
- ۹ - غیر مترقبه حالات چې د قرارداد په وخت او اجراء کې ځنډ راولي.
- (۳) د قرارداد اړخونه کولی شي د قرارداد د بنسټیزو عناصرو یا شرایطو د کلی یا قسمي بشپړتیا لپاره په نمونې قرارداد یا عرف یا په خپل کسب او
- ۳ - موضوع وهدف.
- ۴ - سبب.
- ۵ - زمان.
- (۲) طرفین می توانند علاوه بر عناصر اساسی مندرج فقره (۱) این ماده به شرایط ذیل نیز توافق نمایند:
- ۱ - عنوان یا نام، تخلص و محل سکونت طرفین .
- ۲ - تعهد طرفین در اجرای قرارداد.
- ۳ - کمیت اموال.
- ۴ - کیفیت اموال.
- ۵ - قیمت یا بدل.
- ۶ - میعاد، محل و نحوه اجراء.
- ۷ - تعهد در مقابل نقض قرارداد.
- ۸ - طریق حل منازعه.
- ۹ - حالات غیر مترقبه که در انجام قرارداد و زمان تأخیر به وجود بیاورد.
- (۳) طرفین قرارداد می توانند جهت تکمیل کلی یا قسمی عناصر اساسی یا شرایط قرارداد، به قرارداد نمونه یا عرف یا پیشه و صنعت

صنعت باندي استناد وکړي، پدې شرط چې اړوند شرايط بايد دهغو له خصوصيتونو سره په لازم حدکې مشخص کړي.

وراندیز (ايجاب)

يولسمه ماده:

(۱) ايجاب، په شفاهي يا ليکلي توگه د قرارداد د يوه اړخ د ارادې څرگندول دي بل لوري يا لوروته او د ماضي، حال يا امر په صيغه د مروجو وسايلو له لارې بيان او د لاندې ټکو لرونکی دی:

۱ - شرايط يې مشخص او ټاکلي وي.

۲ - د بل اړخ د منلو په وړاندې د ژمن پاتې کېدو په اړه د وړاندیز کوونکي د قصد بيانونکی وي.

(۲) هغه بلنه چې د ايجاب د وړاندې کولو لپاره صورت مومي، د ايجاب قانوني صيغه نلري. د وړاندیز لپاره په بلنه کې د بيولست، د مزایدې اعلان، سوداگريزه مناقصه او د سوداگريزو ونډو د وړاندې کولو خبرتيا شامل دي، د موجودو بيو په هکله اشخاصو ته خبر ورکول او د پلورنې په وړاندې د جايداد اېښودل

شان استناد کنند، مشروط بر اينکه، شرايط مربوط را با خصوصيات آن بايد به حد لازم مشخص نمايند.

پیشنهاد (ايجاب)

ماده يازدهم:

(۱) ايجاب، اظهار اراده يکی از طرفين عقد به صورت شفاهي يا تحريري به طرف يا طرف های ديگر بوده و به صيغه ماضي، حال يا امر از طريق وسايل مروجہ بيان و حاوی نکات ذيل است:

۱ - شرايط آن مشخص و معين باشد.

۲ - مابين قصد پیشنهاد کننده، مبنی بر متعهدماندن وی درمقابل قبول طرف ديگر باشد.

(۲) دعوتی که برای ارائه ايجاب صورت می گیرد. صيغه قانوني ايجاب را ندارد. دعوت برای پیشنهاد شامل لست قيم، اعلانات مزايده، مناقصه تجارتي و آگاهی عرضه سهام تجارتي می باشد. اطلاع دهی به اشخاص در مورد قيم موجودو به معرض فروش قراردادن جايداد، صرف با

فرستادن لست اجناس با قيم و تشریحات آنها، ايجاب شمرده نمی شود.

قبول

ماده دوازدهم:

قبول اظهار رضایت شفاهی یا تحریری جانب مقابل ايجاب کننده به شرایط مندرج پیشنهاد می باشد که به صیغه ماضی، حال یا امر از طریق وسایل موجه بیان می گردد. اظهار رضایت شفاهی یا کتبی به وسیله پیشنهاد گیرنده می تواند به مفهوم قبول تلقی گردد، گرچه شرایط آن تا حدودی که در ماده بیست و یکم این قانون پیشبینی گردیده، با شرایط پیشنهاد یکسان نباشد.

موضوع و هدف

ماده سیزدهم:

(۱) موضوع و هدف قرارداد ذیل بوده می تواند:

۱- اموال منقول یا غیر منقول و یا ملکیت مادی یا معنوی.

یوازی له بيو سره داجناسو دلست او دهغو د تشریحاتو په استولو سره، ايجاب نه گڼل کېږي.

قبول

دوولسمه ماده:

قبول د ايجابوونکي دمقابل لوري د شفاهي يا ليکلي رضایت څرگندول دي په وړاندیز کې له درج شوو شرایطو سره چې په ماضي، حال یا د امر په صیغه د مروجو وسایلو له لارې بیانېږي. د وړاندیز اخیستونکي په وسیله د شفاهي یا ليکلي رضایت څرگندول کېدی شي د قبول په مفهوم وگڼل شي، که څه هم چې شرایط یې تر هغو حدودو پورې چې ددې قانون په یوویشتمه ماده کې اټکل شوي دي، د وړاندیز له شرایطو سره یو شان نه وي.

موضوع او موخه

دیارلسمه ماده:

(۱) د قرارداد موضوع او موخه لاندې موارد کېدی شي:

۱- منقول یا غیر منقول مالونه او یا مادي یا معنوي ملکیت.

- ۲ - له مالونوڅخه راپيدا شوې گټې.
- ۳ - خاص کار يا خدمت.
- ۴ - بل هر هغه شی چې دقانون دحکمونو، دعامه نظم او آدابو مغاير نه وي.
- ۲ - منافع ناشی از اموال .
- ۳ - کار يا خدمت خاص.
- ۴ - هرآن چیز ديگر که مغاير احکام قانون، نظم و آداب عامه نباشد.
- (۲) د قرارداد موضوع بايد امکان منونکې، صريحه، ټاکلې يا د تعيين وړ او مجازه وي.
- (۳) هغه معاملي چې په راتلونکې کې سرته رسېږي، کېدی شي د قرارداد موضوع وي. پدې شرط چې په قرارداد کې په مشخص ډول سره بيان او له ناوړه ابهام څخه مخنيوی وشي.

سببڅوارلسمه ماده:

سبب د قرارداد اصلي مقصد وي، چې بايد موجود، معتبر او مشروع وي او د عامه نظم او آدابو مغاير نه وي.

د وړانديز او قبول پر بنسټ دقرارداد عقدولپنځلسمه ماده:

(۱) قرارداد هغه وخت عقد کېږي چې يو

سببماده چهاردهم:

سبب مقصد اصلي قرارداد می باشد که باید موجود، معتبر و مشروع بوده و مغاير نظم و آداب عامه نباشد.

انعقاد قرارداد بر مبنای پیشنهاد وقبولماده پانزدهم:

(۱) قرارداد وقتی عقد می گردد که

يکي از طرف ها، قبول به موقع را در برابر پيشنهاده موثر طرف ديگر، در اوضاع و احوالی ارائه دهد تا گواه بر آن باشد که اين پيشنهاده و قبول رضایت دو يا بیشتر از دو طرف قرارداد را طوری بيان نماید که هریک از آنها صلاحیت عمل قانونی رابه شکلی دارا باشند که اعتبار موافقت شانرا پيرامون موضوع قرارداد تعیین و مکلفیت بالای هریک از آنها در خصوص آنچه که هرکدام به انجام آن در مقابل یکدیگر متعهد اند، مرتب گردد.

(۲) قرارداد براساس مکالمه شفاهی ویا مبادله اسناد کتبی که مبین رضایت متقابل طرفین به عناصر اساسی قرارداد باشد یا براساس مناسبات گذشته طرفین معامله که اوضاع و احوال شک و تردیدی به این باقی نمی گذارد که طرفین به رضایت متقابل آنها متکی بوده باشد، صورت گرفته می تواند.

(۳) در حالاتی که اسناد تقنینی

له اړخونو څخه دبل اړخ د اغېزمن وړاندیز په وړاندې پر وخت قبول، پداسې اوضاع او احوالو کې وړاندې کړي څو پر دې شاهدوي چې وړاندیز او قبول د قرارداد ددوو يا زیاتو اړخونو رضایت پداسې توګه بیان کړي چې له هغو څخه هر یو پداسې ډول د قانوني عمل د واک لرونکی وي چې دقرارداد د موضوع په هکله د هغوی دموافقې اعتبار وټاکي او مکلفیت دهغه څه په برخه کې چې هر یو دهغه په سرته رسولو کې د یو بل په وړاندې ژمن دي، دهغو په هر یوه باندې مرتب شي.

(۲) قرارداد د شفاهي مکالمې يا ليکلو سندونو د مبادلې پر بنسټ چې د قرارداد پر بنسټيزو عناصرو باندې د اړخونو د متقابل رضایت بيانونکي وي يا د معاملې د اړخونو د تېرو مناسباتو پر بنسټ چې اوضاع او احوال پدې کې شک او تردید باقی نه پرېږدي چې اړخونه د هغو پر متقابل رضایت باندې متکي وي، صورت موندلی شي.

(۳) په هغو حالاتو کې چې نافذ تقنيني

نافذ حکم نمايد تا قراردادهاي مربوط به موضوعات خاص، به شکل کتبی عقد گردند، در این صورت هیچ موافقت نامه مربوط به چنین موضوعات قابل تطبیق نبوده، مگر اینکه طور کتبی عقد گردیده باشد.

قابلیت اجرای پیشنهاد، انصراف

ورد

ماده شانزدهم:

(۱) پیشنهاد وقتی قابل اجراء می باشد که پیشنهاد گیرنده آنرا دریافت یا از محتوای آن آگاهی یابد.

(۲) پیشنهاد وقتی مورد انصراف قرار می گیرد که پیشنهاد گیرنده، اطلاعیه انصراف را قبل از مواصلت پیشنهاد یا هنگام مواصلت آن، دریافت نماید.

(۳) پیشنهادی که طور دیگری قابل اجراء باشد، در صورتی رد شده می تواند که اطلاعیه رد قبل از مواصلت قبولی پیشنهاد گیرنده به پیشنهاد دهنده مواصلت ورزد. ولی هرگاه در پیشنهاد محدوده زمانی یا وقت معین برای قبول صریحاً ذکر یا پیشنهاد مذکور

سندونه حکم و کپی خو په خاصو موضوعاتو پورې اړوند قراردادونه، په لیکلې توگه عقد شي، پدې صورت کې په دغسې موضوعاتو پورې اړوند هېڅ موافقه لیک، د تطبیق وړ ندی، خو داچې په لیکلې توگه عقد شوی وي.

د وړاندیز د اجراء وړتیا، انصراف او

رد

شپاړسمه ماده:

(۱) وړاندیز هغه وخت د اجراء وړدی چې وړاندیز اخیستونکی هغه ترلاسه یا پې له محتوی 'خخه خبرتیا ومومي.

(۲) وړاندیز هغه وخت د انصراف وړ گرځي چې وړاندیز اخیستونکی، د انصراف خبرتیا د وړاندیز له رسېدو د مخه یابې د رسېدو پروخت، ترلاسه کړي.

(۳) هغه وړاندیز چې په بل ډول د اجراء وړ وي، په هغه صورت کې ردېدی شي چې د رد خبرتیا، وړاندیز ورکونکي ته د وړاندیز اخیستونکي د قبولی له رسېدو د مخه، ور ورسېږي، خو که چېرې په وړاندیز کې د قبول لپاره زماني محدوده یا ټاکلی وخت صریحاً یا نوموړی وړاندیز

په بل ډول سره ددې بنودونکی وي چې د یوې مودې لپاره د ردېدو وړ نه دی، په هغه صورت کې، نوموړی وړاندیز د پورتنیو یا دو شوو مودو تر پایه، د لغوې وړ ندی.

د انصراف او رد اغېزې

اولسمه ماده:

(۱) که چېرې وړاندیز ددې قانون د شپاړسمې مادې په (۲) فقره کې ددرج شوي حکم مطابق د انصراف وړ وگرځي، نوموړی وړاندیز باطل او بې اغېزې ګڼل کېږي او په هغه پورې اړوندې هر ډول قبولۍ ته ترتیب اثر نه ورکول کېږي.

(۲) که چېرې وړاندیز اخیستونکی په نېک نیت سره هغه وړاندیز چې ددې قانون د شپاړسمې مادې په (۳) فقره کې ددرج شوي حکم مطابق رد شوی نه وي، قبول کړي، پدې صورت کې داسې ګڼل کېږي چې وړاندیز اخیستونکي، وړاندیز منلی دی.

د وړاندیز ساقطېدل

اتلسمه ماده:

وړاندیز په لاندې حالاتو کې ساقطېږي:

به نحو دیگرى نشان دهنده آن باشد که برای یکمدت غیر قابل رد است، در آنصورت پیشنهاد مذکور الی ختم مدت های فوق الذکر، غیر قابل لغو می باشد.

اثرات انصراف و رد

ماده هفدهم:

(۱) هرگاه پیشنهاد مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده شانزدهم این قانون مورد انصراف قرار گیرد، پیشنهاد مذکور باطل و بی اثر پنداشته شده و به هر نوع قبولی متعلق به آن ترتیب اثر داده نمی شود.

(۲) هرگاه پیشنهاد گیرنده با حسن نیت پیشنهادی را که مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده شانزدهم این قانون رد نشده باشد، قبول نماید، در آنصورت چنان پنداشته می شود که پیشنهاد گیرنده، پیشنهاد را پذیرفته است.

ساقط شدن پیشنهاد

ماده هجدهم:

پیشنهاد در حالات ذیل ساقط می گردد:

- ۱ - وړاندیز ورکونکي ته د رد رسېدل. ۱ - مواصلت رد به پیشنهاد دهنده.
- ۲ - د وړاندیز له وړاندې کولو څخه دوړاندیز ورکونکي انصراف. ۲ - انصراف پیشنهاد دهنده از ارائه پیشنهاد.
- ۳ - ددې قانون د شپاړسمې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، د وړاندیز ورکونکي لخوا د وړاندیز ردېدل. ۳ - رد پیشنهاد از طرف پیشنهاد دهنده مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده شانزدهم این قانون.
- ۴ - د وړاندیز اخیستونکي لخوا د قبولي نه استول په هغه موده کې چې د قبول لپاره ټاکل شوې ده. ۴ - عدم ارسال قبولی از طرف پیشنهاد گیرنده، درمدتی که برای قبول تعیین گردیده است.
- ۵ - په وړاندیز کې په درج شوو شرایطو کې د وړاندیز اخیستونکي لخوا د بنسټیزو بدلونونو راوستل. ۵ - وارد کردن تغییر اساسی از طرف پیشنهاد گیرنده در شرایط مندرج پیشنهاد.

پر وخت قبولي

نولسمه ماده:

(۱) قبول هغه وخت پر موقع گڼل کېږي چې په ټاکل شوي موعده کې، وړاندیز ورکونکي ته، ورسېږي. که چېرې په وړاندیز کې، د قبول وخت مشخص نشي، منل ددې لپاره چې پر وخت وي، باید په لاندې توګه وړاندیز ورکونکي ته، ورسېږي:

۱ - په هغه صورت کې چې وړاندیز

قبولی به موقع

ماده نهم:

(۱) قبول، وقتی بموقع تلقی می گردد که در موعده تعیین شده، به پیشنهاد دهنده، مواصلت ورزد. هرگاه در پیشنهاد، مدت قبول مشخص نگردد، قبول برای اینکه به موقع باشد، باید حسب ذیل به پیشنهاد دهنده، مواصلت نماید:

۱ - در صورتی که پیشنهاد شفاهی باشد،

شفاهي وي، قبول بايد فوراً واستول شي، خو دا چي اړخونو په بل ډول موافقه کړې وي.

۲- که چېرې وړاندیز په غير شفاهي صورت وي، قبولي يې بايد وړاندیز ورکونکي ته په مناسب وخت موده کې ورسېږي.

(۲) که چېرې وړاندیز اخیستونکی، وړاندیز هغه وخت قبول کړي چې د قبولي موده يې سرته رسېدلې وي، قبولي دنوي وړاندیز په توګه ګڼل کېږي، خو داچې وړاندیز ورکونکی، وړاندیز اخیستونکی د نوموړې قبولي له اغېزمنتوب څخه سمدستي خبر کړي يا داسې اعمال سرته ورسوي يا داسې کړنې ته لاس کړي چې د قرارداد موجودیت ثابت کړي.

له قبول څخه انصراف

شلمه ماده:

له قبول څخه انصراف، يوازې په لاندې حالاتو کې صورت موندلی شي:

۱- په هغه صورت کې چې د انصراف خبرتيا د قبول دخبرتيا له رسېدو سره په

قبول بايد فوراً ارسال شود، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقت نموده باشند.

۲- هرگاه پیشنهاد بصورت غير شفاهي باشد، قبولی آن بايد در خلال مدت زمان مناسب به پیشنهاد دهنده مواصلت نماید.

(۲) هرگاه پیشنهاد گیرنده، پیشنهاد را وقتی قبول نماید که ميعاد قبولی آن به سر رسیده باشد، قبولی به منزله پیشنهاد جديد محسوب می گردد، مگر اینکه پیشنهاد دهنده، پیشنهاد گیرنده را از موثريت قبولی مذکور فوراً مطلع سازد يا اعمالی را انجام و يا به رفتاری متصل شود که موجودیت قرارداد را ثابت نماید.

انصراف از قبول

ماده بیستم:

انصراف از قبول، صرف در حالات ذیل صورت گرفته می تواند:

۱- در صورتی که اطلاعیه انصراف، همزمان با رسیدن اطلاعیه قبول یا قبل

یوه وخت یا له هغه څخه دمخه وړاندیز ورکونکي ته، ورسپړي.

۲ - ددې قانون په دوه ویشتمه یا څلوېښتمه ماده کې په درج شوو حالاتو کې.

له بدلونونو سره یوځای قبولی

یوویشتمه ماده:

(۱) د وړاندیز اخیستونکي لخوا د وړاندیز د قبول په اړه په شفاهي یا لیکلې توګه د رضایت څرګندول چې قیود او شرطونه پکې شامل وي او اساساً د وړاندیز ماهیت ته بدلون ورکړي، قبول نه ګڼل کېږي بلکه نوی وړاندیز ګڼل کېږي، په موضوع، کمیت، کیفیت، بیه، اجرت، وخت، ځای د اجرااتو په ډول، د رد په علتونو، د قرارداد د نقض په وړاندې الزامونو او دڅخړې په حل او فصل کې بدلون، د قرارداد په شرایطو کې د بنسټیزو بدلونونو له جملې څخه ګڼل کېږي.

(۲) د وړاندیز د قبول په اړه چې قیود او شرطونه پکې شامل وي او د وړاندیز له قیودو او شرطونو سره نه یو شان، خو اساساً د وړاندیز ماهیت ته بدلون ورکړي،

از آن به پیشنهاد دهنده، مواصلت نماید.

۲ - درحالات مندرج مواد بیست و دوم یا چهلم این قانون.

قبولی توام با تغییرات

ماده بیست و یکم:

(۱) اظهار رضایت شفاهی یا تحریری توسط پیشنهاد گیرنده، مبنی بر قبول پیشنهاد که شامل قیود و شروط بوده و اساساً ماهیت پیشنهاد را تغییر دهد، قبول شمرده نشده، بلکه پیشنهاد جدید محسوب می گردد. تغییر در موضوع، کمیت، کیفیت، قیمت، اجرت، وقت، محل، نحوه اجراات، علل رد، الزامات در برابر نقض قرارداد و شیوه حل و فصل منازعه، از جمله تغییرات اساسی در شرایط قرارداد محسوب می گردد.

(۲) اظهار رضایت شفاهی یا تحریری توسط پیشنهاد گیرنده، مبنی بر قبول پیشنهاد که شامل قیود و شروط بوده و با قیود و شروط پیشنهاد غیر یکسان،

ولی اساساً ماهیت پیشنهاد را تغییر ندهد، قبول پنداشته می شود، در این حالت قیود و شروط که در قبول ذکر می گردد، منحصت شرایط قرارداد مورد تعمیم قرار می گیرد، مگر اینکه پیشنهاد دهنده به این تغییرات در خلال مدت (۱۵) روز کاری، اعتراض یا اینکه پیشنهاد صریحاً دلالت به آن نماید که قبول شامل هیچ نوع تغییری در شرایط آن نمی باشد.

مجلس خیار (اختیار)

ماده بیست و دوم:

درحالاتی که طرفین قرارداد حضور فزیکي داشته یا از طریق وسایل الکترونیکی (تلفون ویا کنفرانس ویدیویی) در تماس همزمان قرارداد داشته باشند، هریک از طرفین آزادانه می تواند از پیشنهاد یا قبولی که هنگام چنین حضور عملی یا تماس همزمان صورت گرفته، انصراف یا از اجرای هر نوع قراردادی که از طریق این گونه تلاقی به عمل آمده، خود داری ورزند،

دورانديز اخیستونکی په واسطه دشفاهی یا لیکلي رضایت خرگندول قبول گنل کېږي، پدې حالت کې هغه قیود او شرطونه چې په قبول کې ذکر کېږي، د قرارداد د شرایطو په توگه د تعمیم وړ گرځي، خو داچې وړانديز ورکونکی پر دغو بدلونونو باندې د (۱۵) کاري ورځو مودې په ترڅ کې اعتراض وکړي یا داچې وړانديز صریحاً پدې دلالت وکړي چې په منلو کې دهغه د شرایطو هېڅ ډول بدلون شامل ندی.

د خیار (اختیار) غونډه

دوه ویشتمه ماده:

پداسې حالاتو کې چې د قرارداد اړخونه فزیکي حضور ولري یا د الکترونیکی وسایلو (تلفون یا ویدیویی کنفرانس) له لارې په یوه وخت کې په تماس کې وي، له اړخونو څخه هریو په آزادی سره کولی شي له هغه وړانديز یا قبولی څخه چې ددغه شان عملی حضور یا په یوه وخت تماس په ترڅ کې صورت مومي، انصراف یا د هر هغه ډول قرارداد له اجراء څخه چې ددغه ډول ملاقات له لارې عملی

مشروط بر اینکه طرفی که خواستار انصراف یا خود داری است، اراده خویش را قبل از جدا شدن طرفین از همدیگر، یا ختم مکالمه تلفونی، کنفرانس ویدیویی و یا سایر مجالس ارتباطات همزمان، صریحاً اعلام نماید.

اصول خاص برای تحریر اسناد

ماده بیست و سوم:

(۱) پیشنهاد یا قبولی که از طریق وسایل الکترونیکی (تیلگرام، تیلکس، فکس، تبادل معلومات الکترونیکی، پوسته الکترونیکی و امثال آن) فرستاده می شود تا وقتی مؤثر یا قابل اجراء بوده نمی تواند که پیام مذکور امضای فرستنده را دارا باشد، طرفی که به چنین پیام استناد می نماید، ثابت سازد که پیام مذکور برضایت طرف فرستنده ارسال شده است. شرایط لازم اعتبار یا صحت امضاء در پیام های الکترونیکی در طرز العمل مربوط، تنظیم می گردد.

(۲) نوشته ها، امضاء ها یا سایر اسنادی

کپی، دپه و کپی، پدې شرط چې هغه اړخ چې دانصراف یا دپې کولو غوښتونکی دی، د اړخونو یو له بل څخه له جلا کېدو د مخه، خپله اراده یا د تېلفونې مکالمې، ویدیوې کنفرانس یا په یوه وخت د اړیکو د نوروغونډو پای صریحاً اعلام کړي.

دسندونو دلیکلو لپاره خاص اصول

درويشتمه ماده:

(۱) هغه وړاندیز یا منل چې د الکترونیکی وسایلو (تیلگرام، تیلکس، فکس، دالکترونیکی معاملو د راکړې ورکړې، الکترونیکی پوستې او هغو ته ورته) له لارې استول کېږي ترهغه وخته پورې اغېزمن یا داچراغ وړنشي کېدی چې نوموړی پیغام د استوونکي دلاسلېک لرونکی وي، هغه اړخ چې په دغه شان پیغام استناد کوي، ثابت کړي چې نوموړی پیغام داستوونکي لوري په رضایت استول شوی دی. په الکترونیکی پیغامونو کې دلاسلېک اعتبار یا صحت، په اړونده کړنلاره کې تنظیمېږي.

(۲) لیکنې، لاسلیکونه یا نور هغه سندونه

چې د هغو پر مندرجاتو باندې د اړخونو د رضایت بیانوونکي وي، صحیح او د اعتبار وړ دي، خو دا چې هغه اړخ چې د هغو صحت تر پوښتنې لاندې راولي د تزویر، د قانون خلاف نورو اعمالو په اړه موثق سندونه او مدارک وړاندې کړي. هر لاسلیک چې د لاسلیک کوونکي د هويت له تثبیتدو وروسته ددایمي سندونو د مسئول په واسطه په افغانستان کې د ننه یا بهر تصدیق شي، د اعتبار وړ دی، خو دا چې د هغه د صحت د تصدیق د لاسته راوړلو لپاره، درغلی صورت موندلی وي. (۳) که چېرې اړخونه په لیکلې توګه د قرارداد په عقدولو لاس پورې کړي، قرارداد هغه وخت عقد کېږي چې اړخونه دهغه، په قیودو او شرطونو باندې خپل رضایت څرګند کړي. هر اړخ چې قرارداد لاسلیک کوي، داسې ګڼل کېږي چې پرمندرجاتو یې رضایت لرلی دی، خو دا چې د رضایت اهلیت ونلري. د قرارداد پرمندرجاتو د اړخونو رضایت د هغوی له تېرو مناسباتو څخه استنباطېدی شي، که څه هم چې اړوند اړخ دغه شان قرارداد

که مبین رضایت طرفین به مندرجات آن باشد، صحیح و مدار اعتبار می باشد، مگر اینکه جانبی که صحت آنها را مورد سوال قرار می دهد، اسناد و مدارک موثق مبنی بر تزویر و یا سایر اعمال خلاف قانون را ارائه نماید. هر امضایی که بعد از تثبیت هويت امضاء کننده، توسط مسئول اسناد رسمی در داخل و یا خارج از افغانستان تصدیق گردد، مدار اعتبار می باشد، مگر اینکه برای بدست آوردن تصدیق صحت آن، تقلب صورت گرفته باشد.

(۳) هرگاه طرفین طور کتبی به عقد قرارداد اقدام نمایند، قرارداد وقتی عقد می گردد که طرفین رضایت شانرا به قیود و شروط آن ابراز بدارند. هر طرفی که قرارداد را امضاء می کند، چنان پنداشته می شود که به مندرجات آن رضایت داشته است، مگر اینکه اهلیت رضایت را نداشته باشد. رضایت طرفین به مندرجات قرارداد از مناسبات گذشته آنها استنباط شده می تواند، گرچه طرف مربوط چنین قراردادی را

لاسليک کړی هم نه وي.

امضاء هم نکرده باشد.

درېم فصل

فصل سوم

د قراردادونو اعتبار او اغېزه

اعتبار و اثر قرارداد ها

د قرارداد حالات

حالات قرارداد

څلېرېشتمه ماده:

ماده بیست و چهارم:

قراردادونه د لاندې حالاتو لرونکي وي:

قرارداد ها دارای حالات ذیل می باشند:

۱ - صحیح قرارداد.

۱ - قرارداد صحیح.

۲ - د فسخ وړ قرارداد.

۲ - قرارداد قابل فسخ.

۳ - باطل قرارداد.

۳ - قرارداد باطل.

صحیح قرارداد

قرارداد صحیح

پنځه ویشتمه ماده:

ماده بیست و پنجم:

(۱) صحیح قرارداد د متعاقدینو ترمنځ

(۱) قرارداد صحیح بین متعاقدین حیثیت

دقانون حیثیت لري او اړخونه دهغه له په

قانون را داشته و طرفین مکلف به

پام کې نیولو باندې مکلف دي.

رعایت آن می باشند.

(۲) هغه قرارداد چې پر فسخ یا ابطال یې

(۲) قراردادی که اسباب دلالت کننده

دلالت کوونکي اسباب وجود ونلري،

برفسخ یا ابطال آن وجود نداشته باشد،

صحیح او د اعتبار وړ گڼل کېږي.

صحیح ومدار اعتبار پنداشته می شود.

د فسخ وړ قرارداد

قرارداد قابل فسخ

شپږویشتمه ماده:

ماده بیست و ششم:

(۱) د فسخ وړ قرارداد د قانوني اغېزې

(۱) قرارداد قابل فسخ دارای اثر قانونی

لرونکي دی خو علاقه لرونکي اشخاص

می باشد، اما اشخاص ذیعلاقه می توانند

کولی شي د قرارداد د ابطال ادعا وکړي،

ابطال قرارداد را ادعا نمایند. این نوع

ادعای ابطال به مثابه دفاع از اجرای قرارداد می باشد. ولی طرفی که از مزایای قرارداد برخوردار گردیده است، نمی تواند بعداً با ادعای اینکه قرارداد مذکور قابل ابطال می باشد، از تعهدات خویش که در قرارداد ذکر گردیده امتناع ورزد.

(۲) قرارداد قابل فسخ عبارت است از:
۱- قراردادی که در آن رضایت یکی از طرفین طبق احکام مواد بیست و هشتم و بیست و نهم این قانون بوسیله اجبار، تقلب یا فریب آشکار حاصل گردیده باشد.

۲- قراردادی که در آن یکی از طرفین مطابق حکم ماده سی و دوم این قانون دارای صلاحیت محدود باشد.

۳- قراردادی که عقد آن توسط وکیل صورت گرفته باشد که مطابق حکم ماده سی و سوم این قانون فاقد صلاحیت انجام معامله به وکالت از مؤکل باشد.

د ابطال دغه ډول ادعا د قرارداد له اجراء څخه د دفاع په توگه ده. خو هغه اړخ چې د قرارداد له گټو څخه برخمن شوی دی، نشي کولی وروسته ددې په ادعا سره چې نوموړی قرارداد د ابطال وړ دی، له خپلو ژمنو څخه چې په قرارداد کې یادې شوې دي، ډډه وکړي.

(۲) د فسخ وړ قرارداد عبارت دی له:
۱- هغه قرارداد چې پکې له اړخونو څخه د یوه رضایت ددې قانون د اته ویشتمې او نهه ویشتمې مادې مطابق د اجبار، درغلی یا څرگندې تېرايستني په وسیله ترلاسه شوی وي.

۲- هغه قرارداد چې پکې یو له اړخونو څخه ددې قانون د دوه دېرشمې مادې د حکم مطابق د محدود واک لرونکی وي.

۳- هغه قرارداد چې عقد یې د هغه وکیل په واسطه صورت موندلی وي چې ددې قانون د درې دېرشمې مادې د حکم مطابق له مؤکل څخه د وکالت دمعاملې دسرتو رسولو دواک نه لرونکی وي.

باطل قرارداد

اووه ويشتمه ماده:

(۱) باطل قرارداد د تطبيق وړ ندی، د قانوني اغېزې نه لرونکی او د رضا په وسيله د اصلاح وړتيا نلري.

هر علاقه لرونکی شخص کولی شي د قرارداد د باطل والي ادعا وکړي او محکمه مکلفه ده د هغه غوښتنلیک ته رسيدگي وکړي.

(۲) لاندې قراردادونه باطل گڼل کېږي:

۱- په مریبتوب او دانسانانو مخدره توکو، او لرغوني آثار کرمې اسلحي په قاچاق پورې اړوند قرارداد.

۲- د قمار بازی- قرارداد یا د قمار د پورونو د ورکولو قراردادونه.

۳- هغه قرارداد چې په هغه کې شاملې موضوعگانې داسلامي شرعیت د عامه نظم او آدابو مخالفې وي.

۴- هغه قرارداد چې د هېواد د نافذه تقنیني سندونو مناقض وي.

۵- هغه قرارداد چې له اړخونو څخه یو یې له (۱۸) کلونو څخه د لږ سن لرونکی

قرارداد باطل

ماده بیست وهفتم:

(۱) قرارداد باطل قابل تطبيق نبوده، فاقد اثر قانونی و قابلیت اصلاح بوسیله رضا را دارا نمی باشد.

هر شخص ذیعلاقه می تواند باطل بودن قرارداد را ادعا و محکمه مکلف است به درخواست وی رسیدگی نماید.

(۲) قرارداد های ذیل باطل شمرده می شود:

۱- قرارداد مربوط به بردگی و قاچاق انسان، مواد مخدر و قاچاق اسلحه گرم و آثار باستانی.

۲- قرارداد قماربازی و یا قرارداد های پرداخت قروض قمار.

۳- قراردادی که موضوعات شامل آنها مخالف شرع اسلام، نظم و آداب عامه باشد.

۴- قراردادی که مناقض اسناد تقنینی نافذه کشور باشد.

۵- قرارداد که یکی از طرفین آن دارای سن کمتر از (۱۸) سال بوده یا مجنون،

معتوه ويا سفیه بوده و توسط ولي، وصی یا سرپرست قانونی، نمایندگی نشده باشد. صغیر ممیز و حالات قبل از صدور حکم حجز در حدود احکام این قانون از این حکم مستثنی است.

۶- قراردادیکه موضوع آنها در هنگام عقد، اصلاً ناممکن باشد.

۷- قراردادیکه متضمن انتفاع قانونی طرفین معامله نباشد.

اجبار

ماده بیست و هشتم:

(۱) اجبار: مجبور ساختن شخص است بدون حق، غرض عقد قرارداد بوسیله اعمال خطر بالفعل یا تهدید به خطر شدید و حتمی، به جان، مال یا حیثیت وی و یا تهدید به منظور رساندن زیان به والدین، اطفال، همسر، برادر یا خواهر او، مشروط بر اینکه شخص تهدید شده حین تهدید شدن بدلائل معقول و منطقی به حالات ذیل معتقد گردیده باشد:

۱- تهدید کننده قادر به تهدید و عملی

وي یا مجنون، معتوه یا سفیه وي او د ولي، وصی یا قانونی سرپرست په واسطه ئې استازیتوب شوی نه وي. ممیز صغیر او دحجز دحکم له صادرېدو نه مخکې حالات ددې قانون دحکمونو په حدودو کې لدې حکم څخه مستثنی دي.

۶- هغه قرارداد چې موضوع يې د عقد په وخت کې، اصلاً ممکنه نه وي.

۷- هغه قرارداد چې د معاملې د اړخونو د قانوني گټې اخیستنې متضمن نه وي.

اجبار

اته ویشتمه ماده:

(۱) اجبار: له حق پرته د شخص مجبورول دي د قرارداد د عقدولو لپاره د هغه ځان، مال یا يې حیثیت ته د بالفعل خطر د اعمالولو یا د سخت او حتمي خطر د گواښ په وسیله او یا د هغه والدینو، اطفالو، مېړه یا مېرمنې، ورور یا خور ته د زیان رسولو په منظور پدې شرط چې گواښول شوی شخص د گواښني په ترڅ کې په معقولو او منطقي دلایلو سره پرلاندې حالاتو باوري شوی وي:

۱- گواښوونکی په گواښ او د هغه په

عملي کولو باندې قادر وي.

ساختن آن باشد.

۲ - که چپرې گواښل شوی شخص هغه قرارداد چې عقد ته يې اړ اېستل شوی وو، عقد کړی نه وای، گواښ يې په اړه عملي کېده.

۲- هرگاه شخص تهديد شده قراردادی را که به عقد آن وادار ساخته شده بود، عقد نمی نمود، تهديد درمورد وی عملی می گردید.

(۲) داجبار د تشکيلوونکې اوضاع او خاصو حالاتو تشبیتول (سن، کال، ضعف، ټولنيز موقف، په قضیه کې د ذیدخلو اشخاصو مقام، د اوونښتي زیان اندازې او نورو عواملو ته چې داجبار په سختوالي اغېزه اچوونکي وي) په پام سره صورت مومي.

(۲) تثبیت اوضاع وحالات خاص تشکیل دهنده اجبار (نظر به سن، سال، ضعف، موقف اجتماعی، مقام اشخاص ذیدخل درقضیه، پیمانۀ زیان وارده وعوامل دیگری که بروخامت اجبار اثرگذار باشد) صورت می گیرد.

(۳) هغه ایجاب یا قبول چې د اجبار له امله ترلاسه شوی، له اعتباره ساقط او هغه قرارداد چې پر بنسټ يې عقد شوی دی پر هغه شخص باندې چې اجبار يې زغملی دی د تطبیق وړ نه دی. خو داچې نوموړی اړخ دغه ډول قرارداد دگواښ له لږې کېدو وروسته، صراحتاً یا عرفاً تأیید کړي.

(۳) ایجاب یا قبولی که بالاثر اجبار حاصل گردیده، از اعتبار ساقط و قراردادی که بر مبنای آن عقد گردیده بالای شخص که متحمل اجبار شده است، قابل تطبیق نمی باشد. مگر اینکه طرف مذکور، چنین قرارداد را بعد از رفع تهديد، صراحتاً یا عرفاً تأیید نماید.

درغلي یا تېراپستنه

تقلب یا فریب

نهه ویشتمه ماده:

ماده بیست ونهم:

(۱) درغلي یا تېراپستنه: د دروغو

(۱) تقلب یا فریب: بکاربردن

کذب، یا اظهارات یا اعمال گمراه کننده یا فریب دهنده است که طرف مقابل به اتکای آن به عقد قرارداد راضی گردد.

(۲) سکوت عمدی در مورد ماهیت و شرایط مؤثر در عقد، با در نظر داشت حکم مندرج فقره (۳) ماده سی و یکم این قانون در صورتی تقلب پنداشته می شود که سکوت کننده قانوناً مکلف باشد، طرف دیگر را از این حقیقت مطلع سازد و همچنان ثابت گردد شخصی که به این وسیله فریب خورده، هرگاه از حقیقت و یا اوضاع و احوال آگاهی می داشت، راضی به عقد قرارداد نمی گردید.

(۳) موجودیت تقلب، رضایت طرفی را که بالآخر آن متضرر گردیده است از اعتبار ساقط نموده و قراردادی که بر مبنای این نوع رضایت منعقد گردیده باشد، بالای طرفی که به اثر تقلب متضرر گردیده است، قابل تطبیق نمی باشد، مگر اینکه طرف مذکور چنین قرارداد را بعد از افشای کامل اوضاع و احوال

کارول، گمراه کوونکی یا تپراپستونکی خرگندونې یا اعمال دي چې مقابل اړخ د هغو په اتکا سره د قرارداد په عقدولو راضي شي.

(۲) په عقد کې د ماهیت او اغېزمنو شرایطو په هکله عمدي چوپتیا ددې قانون د ديو دېرشمې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي حکم له په پام کې نیولو سره په هغه صورت کې درغلي کتل کېږي چې سکوت، کوونکی قانوناً مکلف وي بل اړخ لدې حقیقت څخه خبر کړي او همدارنگه ثابته شي هغه شخص چې پدې وسیله تېروتنلی دی، که چېرې له حقیقت یا اوضاع او احوالو څخه خبر وای، د قرارداد په عقدولو نه راضي کېده.

(۳) ددرغلي موجودیت، دهغه اړخ رضایت چې د هغې له امله زیانمن شوی دی له اعتباره ساقطوي او هغه قرارداد چې ددغه ډول رضایت پر بنسټ عقد شوی وي، پر هغه اړخ باندي چې د درغلي له امله زیانمن شوی دی، د تطبیق وړندی، خو دا چې نوموړی اړخ دغه ډول قرارداد دپړوندي اوضاع او احوالو له

مربوط، صراحتاً يا عرفاً تائيد
نمايد.

غبن فاحش

ماده سي ام:

(۱) غبن فاحش عبارت از معامله ای است که بين قيمت واقعی مال مورد معامله و قيمت فروش آن چنان تفاوت موجود باشد که شخص عادی واقف از وضع بازار مربوط، نتواند آنرا معقول پندارد.

(۲) قرارداديکه بالاثر غبن فاحش عقد گردیده باشد، به اراده طرف متضرر قابل فسخ است.

شرایط معیاری

ماده سي ویکم:

(۱) شرایط معیاری، شرایط وضوابط کتبی اند که از قبل غرض استفاده مکرر طرفین در معاملات متعدد دارای ماهیت مشابه ترتیب و معمولاً با سایر طرف ها، هنگام عقد قراردادی که دارای چنین ماهیت باشد، مورد بحث قرار نمی گیرد.

بشپري افشاء وروسته، صراحتاً يا عرفاً
تأيد کړي.

فاحش غبن

دېرشمه ماده:

(۱) فاحش غبن له هغې معاملې څخه عبارت دی چې د معاملې وړ مال د واقعي بېې او د هغه د پلورنې د بېې ترمنځ داسې توپير موجود وي چې داړوند بازار له وضع څخه خبر عادي شخص، ونکړی شي هغه معقول وگڼي.

(۲) هغه قرارداد چې د فاحش غبن له امله عقد شوی وي، د زیانمن شوي اړخ په اراده د فسخ وړ دی.

معیاري شرایط

يو دېرشمه ماده:

(۱) معیاري شرایط، هغه لیکلي شرایط او ضوابط دي چې له مخکې څخه د ورته ماهیت په لرونکو دېرشمېر معاملو کې د اړخونو د گټې اخیستنې په غرض ترتیب او معمولاً له نورو اړخونو سره د هغه قرارداد چې ددغه ډول ماهیت لرونکی وي، د عقدولو پر وخت تر بحث لاندې نه نیول کېږي.

(۲) هرگاه قرارداد بر اساس شرايط معيارى انعقاد يابد، طرف يا جانبى كه شرايط مذكور را پيشكش مى نمايد، در تجويز و تعيين حقوق و وجايب طرفين، اصل انصاف و عدالت را رعايت و تا حد لازم توجه طرف مقابل را به شرايط و ضوابط جلب مى كند كه به وسيله آن مسئوليت هاى طرف مذكور رفع يا محدود گردد، و بنا بر تقاضاى طرف مقابل چنين شرايط را توضيح نمايد.

(۳) مقابله اړخ ته د معياري شرايطو څرگندول د هغو د وړاندې كوونكي لخوا، په خپل ذات كې درغلي نه كښل كېږي او د عقد د فسخ موجب نه كېږي. خو دا چې د هغه تېراېستونكي كړنه ثابته شي.

د ناقص الاهليت اشخاصو د قرارداد

د عقد آثار

دوه دېرشمه ماده:

(۱) هغه قرارداد چې د ناقص الاهليت لرونكي شخص په واسطه د كښې او زيان په محتملوم معاملاتو كې عقد كېږي، يوازې

آثار عقد قرارداد اشخاص

ناقص الاهليت

ماده ۱۰۱ و دوهم:

(۱) قراردادی كه توسط شخص ناقص الاهليت در معاملات محتمل نفع و ضرر عقد مى گردد، صرف بعد از

د هغه د ولي يا قانوني وصي له تاييد وروسته د اعتبار وړ دی. (۲) که چېرې ولي يا قانوني وصي د قرارداد د تاييد په اړه خپل تصميم ديوې مياشتې يا په کمه موده کې چې اړخونو پرې موافقه کړې وي څرگند نه کړي، نوموړی قرارداد بې اعتباره گڼل کېږي.

(۳) هغه قرارداد چې د ناقص الاهليت شخص يا بې دولي يا قانوني وصي يا سرپرست ترمنځ عقد کېږي دمحمکې لخوا د تاييد مستلزم دی، خو دصغير يايې دولي يا قانوني وصي يا سرپرست ترمنځ موافقه په هغه صورت کې چې نوموړی صغير دمواقي عقدول قانوني سن ته له رسېدو وروسته تاييد کړي، دمحمکې لخوا تاييد نه ايجابوي.

د واک نه لرونکي وکیل په واسطه د

قرارداد د عقد آثار

دري دېرشمه ماده:

هغه قرارداد چې له مؤکل څخه په استازيتوب د واک نه لرونکي وکیل په ذريعه عقد کېږي، د مؤکل لخوا د فسخ

تاييد ولي يا وصي قانونی وی مدار اعتبار می باشد.

(۲) هر گاه ولي يا وصي قانونی تصميم خویش را مبنی بر تاييد قرارداد، در خلال یکماه ویا مدت کمتر که طرفین به آن موافقه کرده باشند، ابرازنه نماید، قرارداد مذکور فاقد اعتبار محسوب می گردد.

(۳) قراردادی که بین شخص ناقص الاهليت، ولي يا وصي يا سرپرست قانونی وی عقد می گردد، مستلزم تاييد از جانب محکمه است، اما موافقت بين صغير و ولي يا وصي يا سرپرست قانونی وی در صورتی که صغير مذکور عقد موافقت را بعد از رسیدن به سن قانونی تصدیق نماید، ايجاب تاييد از جانب محکمه را نمی نماید.

آثار عقد قرارداد توسط وکیل

فاقد صلاحیت

ماده سی وسوم:

قراردادی که به نمایندگی از مؤکل ذریعه وکیل فاقد صلاحیت عقد می گردد، از طرف مؤکل قابل فسخ

ور کټل کېږي.

شناخته می شود.

په قرارداد کې د تېروتنې اغېزه

اثر اشتباه در قرارداد

څلور دېرشمه ماده:

ماده سی و چهارم:

(۱) په محاسبه یا لیکنه کې تېروتنه پر قرارداد اغېزه نه لري او د تصحيح وړ ده.

(۱) اشتباه در محاسبه یا تحریر، بر قرارداد اثر نداشته و قابل تصحيح می باشد.

(۲) که چېرې د قرارداد په ماهیت یا دهغه په یوه له شرایطو کې چې قرارداديې پر بنسټ عقد شوی دی یا هم د قرارداد په موضوع کې تېروتنه موجوده وي، په دې صورت کې اړخونه کولی شي په متقابلې موافقې سره د تېروتنې دلرې کولو په غرض د قرارداد په تعديل یا بدلون لاس پورې کړي، د متقابلې موافقې دنه شتون په صورت کې له اړخونو څخه هر یو کولی شي له محکمې څخه وغواړي خود تېروتنې په تصحيح کولو سره قرارداد اصلاح یا داچې هغه باطل اعلان کړي. محکمه کولی شي د صوابدیده له مخې د غوښتنلیک د جبران په ورکړه، دهغو لگښتونو د جبران لپاره چې د قرارداد په اجراء یا د اجراء لپاره د چمتو والي په غرض یې زغملي دي، حکم صادر کړي.

(۲) هرگاه اشتباهی در ماهیت قرارداد یا یکی از شرایط آن که قرارداد بر مبنای آن عقد گردیده و یا هم در موضوع قرارداد موجود باشد، در آن صورت طرفین می توانند با توافق متقابل غرض رفع اشتباه به تغییر و تعديل قرارداد اقدام نمایند. در صورت عدم موجودیت توافق متقابل، هر یک از طرفین می تواند از محکمه درخواست نماید تا با تصحيح اشتباه، قرارداد را اصلاح و یا اینکه آن را باطل اعلام کند. محکمه می تواند حسب صوابدید به پرداخت جبران خساره توسط درخواست دهنده به طرف مقابل جهت جبران مصارفی که در اجراء یا آمادگی برای اجراء قرارداد متحمل آن گردیده است، حکم صادر نماید.

د شرايطو د تفكيك وړتيا

پنځه دېرشمه ماده:

(۱) که چېرې د قرارداد یوه برخه باطله شي، دغه باطلېدل، د قرارداد د پاتې برخو اعتبار نه اغېزمنوي، خو داچې باطله برخه، د قرارداد له بنسټيزو عناصرو څخه یو وي یا اړخونه دهغې پر خلاف موافقه وکړي.

(۲) لاندې شرايط په قرارداد کې د اعتبار وړ ندي، خو د قرارداد د پاتو صحیحو برخو اعتبار نه اغېزمنوي:

۱ - هغه شرط چې په هغو وروستیو اعمالو کې د یوه اړخ له الزام څخه په انصراف دلالت وکړي چې د بل اړخ د جسمي زیان باعث شي.

۲ - هغه شرط چې په وروستیو عمدي سرغړونه یا خرگند غفلت کې د یوه اړخ له الزام څخه په انصراف دلالت وکړي او دغه شان سرغړونه او غفلت دمقابل اړخ شتمنی ته د زیان درسېدو سبب شي.

۳ - هغه شرط چې د مضاعفې (له قانوني حد څخه زیاتې) ربحې د ورکړې مستلزم وي.

قابلیت تفکیک شرايط

ماده سی وپنجم:

(۱) هرگاه بخشی از قرارداد باطل شود، این ابطال، اعتبار بخش های باقیمانده قرارداد را متاثر نمی سازد، مگر اینکه بخش باطل، یکی از عناصر اساسی قرارداد بوده یا طرفین برخلاف آن موافقه کنند.

(۲) شرایط ذیل در قرارداد قابل اعتبار نمی باشد، ولی اعتبار بخش های صحیح باقیمانده قرارداد را متاثر نمی سازد:

۱ - شرطی که به انصراف از الزام یک طرف در اعمال بعدی دلالت کند که باعث صدمه جسمی طرف مقابل گردد.

۲ - شرطی که به انصراف از الزام یک طرف در خلاف ورزی عمدی بعدی یا غفلت آشکار دلالت کند و چنین خلاف ورزی و غفلت، سبب وارد شدن زیان به دارایی طرف مقابل گردد.

۳ - شرطی که مستلزم پرداخت ربح مضاعف (بیشتر از حد قانونی) باشد.

۴ - هغه شرط چې له يوه حقيقي شخص څخه بل حقيقي شخص ته د ربحي دور کړې مستلزم وي.

له غير عادلانه شرايطو سره قرارداد

شپږدېرشمه ماده:

(۱) که چېرې په محکمه کې ادعا صورت ومومي چې قرارداد يا په هغه کې درج شوي شرايط غير عادلانه دي، محکمه د قرارداد اړخونو ته مناسب فرصت ورکوي ترڅو د فيصلې د صادرېدو په غرض دخپلې سوداگريزې موخې او اعتبار په برخه کې د اثبات وسايل محکمې ته وړاندې کړي.

(۲) که چېرې محکمه تشخيص کړي چې قرارداد يا په هغه کې له درج شوو شرايطو څخه يوئي د عقد پر وخت غير عادلانه وو، کولی شي د قرارداد تنفيذ ودروي يا د قرارداد د پاتې برخې چې له غير عادلانه شرط څخه تشه وي، په اجراء حکم صادر يا د غير عادلانه شرايطو تطبيق پداسې توگه محدود کړي خو د غير معقولو پايلو له څرگندېدو څخه مخنيوی وشي.

۴ - شرطی که مستلزم پرداخت ربح از یک شخص حقیقی به شخص حقیقی دیگر باشد.

قرارداد با شرایط غیر عادلانه

ماده سی و ششم:

(۱) هرگاه در محکمه ادعا صورت گیرد که قرارداد و یا شرایط مندرج آن غیر عادلانه می باشد، محکمه به طرفین قرارداد فرصت مناسب می دهد تا وسايل اثبات را در خصوص هدف و اعتبار تجارتي خویش غرض اصدار فيصله به محکمه ارائه نمایند.

(۲) هرگاه محکمه تشخيص نماید که قرارداد يا يکي از شرايط مندرج آن حين عقد، غير عادلانه بوده، می تواند تنفيذ قرارداد را متوقف يا به اجرای بخش باقیمانده قرارداد که عاری از شرط غير عادلانه باشد حکم صادر يا تطبيق شرايط غير عادلانه را طوری محدود سازد تا از بروز نتایج غير معقول جلوگیری گردد.

خلورم فصل

رسمي پراوونه، شرايط او حقوق

د رسمي پراوونو بشپړول

اووه دېرشمه ماده:

که چېرې قرارداد د قانون يا عرف مطابق د حکومت د تصویب، د سندونو د ساتنې د سیستم، د صحت يا ثبت په څېر د رسمي پراوونو د تېرېدو مستلزم وي، د پورتنیو پراوونو بشپړېدل هغه شرط دی چې باید په لازم وخت موده کې تر سره شي، خو قرارداد د اړخونو ترمنځ د اجراء وړ دی او دغه قرارداد د اړخونو ترمنځ په رضایت او نه رضایت پورې هره اړونده شخړه چې وروسته د شرايطو په اړه منځته راځي، تنظیموي.

مقدم او مؤخر شرايط

اته دېرشمه ماده:

اړخونه کولی شي يو له بل سره تفاهم وکړي چې د قرارداد اجرائي اغېزمنتوب د ټاکلو حالاتو يا د قانون د شرايطو تابع شي. هغه عقد چې دمقدم يا موجود شرط تابع وي، فی الحال واقع او نافذېږي. هغه

فصل چهارم

مراحل رسمی، شرايط و حقوق

تکمیل مراحل رسمی

ماده سی و هفتم:

هرگاه قرارداد مطابق به قانون يا عرف مستلزم طی مراحل رسمی مانند تصویب حکومت، سیستم نگهداری اسناد، تصدیق صحت يا ثبت باشد، اكمال مراحل فوق شرطی است که باید در مدت زمان لازم بر آورده گردد، اما قرارداد بين طرفین لازم الاجراء بوده و این قرارداد هر نوع منازعه مربوط به رضایت وعدم رضایت بين طرفین را که بعداً به ارتباط شرايط، بوجود می آید، تنظیم می نماید.

شرايط مقدم و مؤخر

ماده سی و هشتم:

طرفین می توانند باهم توافق کنند که مؤثریت اجرائی قرارداد، تابع حالات معین يا شرايط قانون قرارگیرد. عقدي که تابع شرط مقدم يا موجود باشد، فی الحال واقع و نافذ

قرارداد چې د مؤخر او راتلونکي شرط تابع وي، ددغه ډول شرايطو د نه پلي کېدو په صورت کې، باطلېږي. که چېرې له اړخونو څخه يو په ناوره نيت سره، د يوه شرط پلي کېدو ته زيان واړوي، محکمه کولی شي نوموړی شرط پلي شوی وگڼي.

د خيار او فسخ حق

نهه دېرشمه ماده:

(۱) هغه خيارونه چې د قرارداد د اجراء د ځنډېدو موجب کېږي، عبارت دي له:

۱- د رد يا تاييد حق (د شرط خيار) ددې قانون د څلورېننمې مادې د حکم مطابق.

۲- د کتنې حق (د رويت خيار)، ددې قانون د اته نوي يمې مادې د حکم مطابق.

۳- د انتخاب حق (د ټاکنې خيار) ددې قانون د يوسلو يوې يمې مادې د حکم مطابق.

۴- د عيونو په دليل د رد حق (د عيب خيار)، ددې قانون د سلمې مادې د حکم مطابق.

(۲) له اړخونو څخه هريوکولی شي، ددې مادې په (۱) فقره کې په درج شوو

می گردد. قراردادی که تابع شرط مؤخر و آینده باشد، در صورت عدم تحقق چنین شرایط، باطل می گردد. هرگاه یکی از طرفین با سوء نیت، به تحقق یک شرط زیان وارد کند، محکمه می تواند شرط مذکور را تحقق یافته تلقی نماید.

حق خيار و فسخ

ماده سی ونهم:

(۱) خياراتی که موجب تأخير اجرای قرارداد می گردد، عبارت اند از:

۱- حق رد يا تاييد (خيار شرط). مطابق حکم ماده چهلّم اين قانون.

۲- حق معاينه (خيار رويت) مطابق حکم ماده نود و هشتم اين قانون.

۳- حق انتخاب (خيار تعيين) مطابق حکم ماده یکصد و یکم اين قانون.

۴- حق رد به دليل عيوب (خيار عيب) مطابق ماده صدم اين قانون.

(۲) هر یک از طرفین می توانند در حالات مندرج فقره (۱) اين ماده

حالاتو کي قرارداد فسخ کړي.

د رد يا تاييد حق

خلو بنسټه ماده:

(۱) اړخونه کولی شي موافقه وکړي چې د هغوی یو یا دواړه اړخه حق لري، قرارداد په هغه موده کې چې په هغه کې ټاکل کېږي، رد یا تاييد کړي. که چېرې دغه موده په قرارداد کې ونه ټاکل شي، په هغه صورت کې نوموړې موده هماغه موده ده چې په ورته، مروجو او معمولي معاملو کې وي، خو دا چې معموله موده، وجود ونلري چې په هغه صورت کې پخپله دغه حق باطل او بې اغېزې وي.

(۲) هغه اړخ چې ددې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حق څخه برخمن دی، کولی شي هر وخت د ټاکل شوې مودې په ترڅ کې قرارداد تاييد يا رد کړي. که چېرې نوموړی اړخ، قرارداد تاييد کړي، په هغه صورت کې د یاد شوي قرارداد اعتبار هماغه د عقد له نېټې څخه نافذ او د اجراء وړ گرځي. که چېرې قرارداد رد او مقابل اړخ ته له خپل تصميم څخه په

قرارداد را فسخ نمايد.

حق رد يا تاييد

ماده چهلهم:

(۱) طرفین می توانند توافق کنند که یک یا هر دو طرف آنها حق دارند قرارداد را در مدت زمانی که در آن تعیین می گردد، رد یا تاييد نمایند. هر گاه این مدت در قرارداد تعیین نگردد، در آن صورت مدت مذکور همان مدتی است که در معاملات مشابه، مروج و معمول می باشد، مگر آنکه مدت معمول، وجود نداشته باشد که در آن صورت خود این حق باطل و بی اثر می باشد.

(۲) طرفی که از حق مندرج فقره (۱) این ماده برخوردار است، می تواند هر زمانی در خلال مدت تعیین شده، قرارداد را تاييد يا رد نمايد. هر گاه طرف مذکور، قرارداد را تاييد کند، در آن صورت قرارداد متذکره اعتبار از همان تاریخ عقد، نافذ و لازم الاجراء می گردد. هر گاه قرارداد را رد و طرف مقابل را از تصميم خود در خلال

مدت تعيين شده در قرارداد اطلاع دهد،
آنگاه قرارداد مذکور ملغی و باطل
پنجاهته می شود.

(۳) هر گاه طرفین قرارداد، حق تائید
ورد آنرا داشته باشند، در آن صورت
قرارداد به تصمیم هریک از طرفین فسخ
شده می تواند. هر گاه یکی از طرفین،
قرارداد را تائید کند، حق طرف
دیگرمبنی بر رد آن الی ختم میعادى که
در قرارداد تعیین گردیده است، محفوظ
می باشد.

(۴) هرگاه میعاد معینه، بدون تائید یا رد
طرفین منقضی گردد، در آن صورت
قرارداد متذکره قبول شده پنجاهته می
شود. حق تائید یا رد در صورت فوت
یکی از طرفینی که این حق را دارا می
باشد، سلب می گردد، مگر اینکه قبلاً
طور دیگری موافقه شده باشد.

(۵) حق تائید یا رد بوسیله قول یا فعل
چه صریح باشد یا ضمنی که دلالت به
قصد رد یا تائید را کند، صورت گرفته
می تواند.

قرارداد کې د ټاکل شوي مودې په ترڅ
کې خبر ورکړي، هغه وخت نوموړی
قرارداد ملغی او باطل گڼل کېږي.

(۳) که چېرې د قرارداد اړخونه، د هغه د
رد او تائید حق ولري، پدې صورت کې
قرارداد له اړخونو څخه د هر یوه په
تصمیم سره فسخ کېدی شي. که چېرې
له اړخونو څخه یو قرارداد تائید کړي، د
هغه د رد په اړه د بل اړخ حق، د هغې
مودې تر پایه چې په قرارداد کې ټاکل
شوېده، خوندي دی.

(۴) که چېرې ټاکلې موده د اړخونو له
تائید یا رد پرته تېره شي په هغه صورت
کې یاد شوی قرارداد قبول شوي گڼل
کېږي. له هغو اړخونو څخه چې ددغه حق
لرونکي دي د یوه د مړینې په صورت کې
د تائید یا رد حق سلبېږي، خو دا چې د
مخه په بل ډول موافقه شوې وي.

(۵) د قول یا فعل په وسیله د تائید یا رد
حق څه صریح وي یا ضمنی چې د رد یا
تائید پر نیت دلالت وکړي، صورت
موندلی شي.

د قرارداد فسخ

يو څلورېنتمه ماده:

که چېرې قرارداد باطل يا د فسخې وړ وي، اړخونه کولی شي هغه مقابل اړخ ته د خبرتيا په ورکولو سره د (۳۰) ورځو مودې په ترڅ کې فسخ کړي. دغه موده له هغې نېټې څخه پيل او د اعتبار وړ ده چې نوموړی اړخ د فسخ د مجاز گڼلو له موجباتو څخه خبر او ښايي له هغو څخه يې خبرتيا ترلاسه کړې وای. په هغه صورت کې چې له اړخونو څخه د يوه څرگندونه يا کړنه د قرارداد د فسخ له موجباتو څخه د خبرتيا له ترلاسه کولو وروسته چې له قرارداد څخه د هغه د متابعت بيانونکې وي، په هغه صورت کې داسې گڼل کېږي چې نوموړی اړخ د قرارداد د فسخ په اړه خپل حق له لاسه ورکړی دی.

د بطلان يا فسخې اغېزې

دوه څلورېنتمه ماده:

باطل يا فسخ شوی قرارداد قانوناً لا له پيل څخه د اجراء وړ ندی او محکمه د هغو له قرارداد څخه دمخه حالت ته د اړخونو

فسخ قرارداد

ماده ټولې ویکم:

هرگاه قرارداد باطل و یا قابل فسخ باشد، طرفین می توانند آنرا با دادن اطلاعیه به طرف مقابل در حلال مدت (۳۰) روز فسخ نمایند. این مدت از تاریخ آغاز و مدار اعتبار می باشد که طرف مذکور از موجبات مجاز شمردن فسخ واقف و یا می بایست به آن وقوف حاصل می کرد. در صورتی که اظهار یا رفتار یکی از طرفین بعد از حصول آگاهی از موجبات فسخ قرارداد که مبین متابعت وی از قرارداد باشد، در آن صورت طوری پنداشته می شود که طرف مذکور حق خود را مبنی بر فسخ قرارداد از دست داده است.

آثار بطلان يا فسخ

ماده ټولې ودوم:

قرارداد باطل يا فسخ شده قانوناً از آغاز، لازم الاجراء نبوده و محکمه به رجعت طرفین، به حالت قبل از قرارداد آنها

حکم می نماید، مگر اینکه در قانون طور دیگری تصریح یا طرفین به گونه دیگری توافق کرده باشند. طرفین، هر نوع اموال غیر مثلی (غیر قابل تعویض) را که بموجب عقد بدست آورده اند، اعاده می نمایند. هر گاه اعاده یا استرداد بالمثل امکان پذیر یا ضروری نباشد، جبران خسارت بصورت نقدی و به اساس قیمت منصفانه اموال در بازار صورت می گیرد. در صورتی که دلایل فسخ به اساس خطای یک یا هر دو طرف قرارداد باشد، جانب مسئول مکلف به پرداخت جبران خساره وارده به طرف مقابل می باشد.

استقلال در حل منازعه

ماده چهل و سوم:

الغاء، ابطال یا فسخ قرارداد، اعتبار احکام مربوط به شیوه حل منازعه را که به صورت مستقل در قرارداد وجود دارد، متأثر نمی سازد.

په رجعت حکم صادر وي، خو دا چې په قانون کې په بل ډول تصریح یا اړخونو په بل ډول سره موافقه کړې وي. اړخونه، هر ډول غیر مثلي (د تعویض نه وړ) مالونه چې د عقد پر موجب یې لاسته راوړي، اعاده کوي. که چېرې بالمثل اعاده یا استرداد امکان لرونکې یا اړین نه وي د زیان جبران په نغدي توګه او په بازار کې د مالونو د منصفانه بېې پر بنسټ صورت مومي. په هغه صورت کې چې د فسخ دلایل د یوه یا دواړو اړخونو د خطا پر بنسټ وي، مسئول اړخ مقابل لوري ته د اوونښتي زیان د جبران په ورکړه مکلف دی.

دشخړې په حل کې خپلواکي

دري څلوېښتمه ماده:

د قرارداد الغاء، ابطال یا فسخ د دشخړې د حل په لارې چارې پورې د اړوند حکم اعتبار چې په خپلواکه توګه په قرارداد کې وجود لري، نه اغېزمنوي.

پنجم فصل

د قراردادونو اجراء

په نېک نیت سره د تعهد سرته رسول

څلور څلوېښتمه ماده:

د قرارداد اړخونه دهغوی اړوندې ژمنې هغسې چې په قرارداد کې مشخصې شوې دي، په بشپړه توګه سرته رسوي. خو دغه ژمنې او دندې په هغه څه چې په قرارداد کې تصریح شوي دي نه محدودېږي بلکه هغه موضوعګانې هم رانغاړي چې د موجود قانون، عرف او تعامل پر موجب د نېک نیت د قرارداد ماهیت او موخه په هغو پورې تړلې وي.

د متقابلو مکلفیتونو په یوه وخت

سرتنه رسول

پنځه څلوېښتمه ماده:

که چېرې اړخونه یو د بل په وړاندې د ژمنې په سرتنه رسولو مکلف، خو په قرارداد کې دهغې د سرتنه رسولو ډول مشخص شوی نه وي، پدې صورت کې هغوی په یو وخت د ژمنې په سرتنه رسولو لاس پورې کوي. که چېرې یو له اړخونو

فصل پنجم

اجرای قرارداد ها

ایفای تعهد با حسن نیت

ماده ټولې وچهارم:

طرفین قرارداد تعهدات مربوط شانرا طوری که در قرارداد مشخص گردیده به صورت کامل ایفاء می نمایند. اما این تعهدات و وظایف به آنچه که در قرارداد تصریح یافته محدود نگردیده بلکه موضوعاتی را نیز دربر می گیرد که به موجب قانون، عرف و تعامل موجود، ماهیت و هدف قرارداد حسن نیت متعلق به آن باشد.

ایفای همزمان مکلفیت های

متقابل

ماده ټولې وپنجم:

هرگاه طرفین به ایفای تعهد در برابر هم مکلف، ولی در قرارداد طرز ایفای آن مشخص نشده باشد، دراین صورت آنها به شکل همزمان به ایفای تعهد می پردازند. هرگاه یکی از طرفین آنچه را که به ایفای آن مکلف

است، انجام ندهد و یا به نحوی انجام دهد که با تعهد وی طوریکه در قرارداد پیش بینی گردیده موافق نباشد، در این صورت طرف مقابل می تواند از ایفای تعهد خویش، امتناع ورزد.

ایفای پیهم تعهد

ماده چهل و ششم:

هرگاه طرفین به ایفای تعهد در برابر هم مکلف، ولی سلسله و ترتیب ایفای تعهد در قرارداد مشخص باشد، در این صورت طرفی که لازم است مکلفیت اش را نخست انجام دهد، آنرا انجام نداده و یا به نحوی انجام دهد که با تعهدات مندرج قرارداد مطابقت نداشته باشد، در آن صورت طرفی که باید مکلفیت اش را بعداً ایفا می کرد، می تواند از ایفای آن امتناع ورزد.

خنخه هغه څه چې په سرته رسولو یې مکلف دی، سرته ونه رسوي یا یې پداسې ډول سرته ورسوي چې له ژمنې سره یې هغسې چې په قرارداد کې اټکل شویډي موافق نه وي، پدې صورت کې مقابل اړخ کولی شي دخپلې ژمنې له سرته رسولو خنخه ډډه وکړي.

د تعهد پرله پسې سرته رسول

شپږ څلوېښتمه ماده:

که چېرې اړخونه یو د بل په وړاندې د ژمنې په سرته رسولو مکلف، خو په قرارداد کې د ژمنې د سرته رسولو لړۍ او ترتیب مشخص وي، پدې صورت کې هغه اړخ چې لازمه ده خپل مکلفیت لومړی سرته ورسوي، هغه یې سرته رسولی ندی یا یې پداسې ډول سرته ورسوي چې په قرارداد کې له درج شوو ژمنو سره مطابقت ونلري، په هغه صورت کې هغه اړخ چې باید خپل مکلفیت یې وروسته سرته رسولی وای، کولی شي دهغه له سرته رسولو خنخه ډډه وکړي.

دتعهد په سرته رسولو کې تعلق

اووه څلوېښتمه ماده:

که چېرې ثابته شي چې د قرارداد له اړخونو څخه يو نشي کولی خپلې ژمنې هغسې چې په قرارداد کې درج دي، سرته ورسوي يا د خپلو ژمنو پر نقض باندې خپل صريح تمايل څرگند کړي، مقابل اړخ کولی شي د خپلو ژمنو اجراء ودروي او له مقابل اړخ څخه د ژمنې د سرته رسولو دلازمو تضمینونو غوښتونکی شي. په هغه صورت کې چې لومړی اړخ ونکړی شي مقابل اړخ ته دغه ډول تضمینونه برابر کړي، پدې صورت کې مقابل اړخ کولی شي قرارداد فسخ او د ژمنو له نقض څخه د راپیدا شوو زیانونو غوښتونکی شي. که چېرې لومړی اړخ د خپلو ژمنو د سرته رسولو په اړه لازم تضمینونه برابر کړي، پدې حالت کې مقابل اړخ باید د هغو ژمنو اجراء چې د قرارداد پر بنسټ دهغه پر غاړه ده، له سره ونیسي، که چېرې له اړخونو څخه يو په نامؤجه توګه دخپلو ژمنو اجراء ودروي، پدې حالت کې نوموړی اړخ دژمنو دنقض

تعلق در ایفای تعهد

ماده ټولې و هفتم:

هر گاه ثابت گردد که یکی از طرفین قرارداد نمی تواند تعهدات خود را آنگونه که در قرارداد درج است ایفاء یا تمایل صریح خود را بر نقض تعهدات اش برملا سازد، طرف مقابل می تواند اجرای تعهدات خویش را متوقف وخواهان تضمینات لازم ایفای تعهد از طرف مقابل گردد. در صورتی که طرف اولی نتواند چنین تضمیناتی را به طرف مقابل فراهم سازد، در آن صورت طرف مقابل می تواند قرارداد را فسخ وخواستار خسارات ناشی از نقض تعهدات گردد. هرگاه طرف اولی تضمینات لازم را مبنی بر ایفای تعهدات اش فراهم سازد، در این حالت طرف مقابل باید اجرای تعهداتی را که به اساس قرارداد بدمه او است، از سرگیرد. هرگاه یکی از طرفین به صورت غیر مؤجه اجرای تعهدات اش را متوقف سازد، در این حالت طرف مذکور مسئول نقض تعهدات

مسئول کڻل ڪپري.

د تعهد د بي وخته رد حق

اته څلو پښتمه ماده:

(۱) که چپرې قرارداد ددې مستلزم وي تر څو متعهد په ټاکلي وخت خپله ژمنه سرته ورسوي، متعهد له کولي شي د متعهد لخوا د ژمنې سرته رسول چې په غير له ټاکلي وخت کې سرته رسېدلې ده، ددې مادې د حکمونو مطابق رد او پر هغې اعتراض وکړي، خو دا چې په بل ډول موافقې صورت موندلی وي.

(۲) که چپرې متعهد له هغه موعده مخه چې په قرارداد کې ټاکل شوی دی، خپله ژمنه سرته ورسوي او دغه له موعده څخه د مخه کړنه، د متعهد له گټې زیانمنې نکړي، پدې صورت کې متعهد له دنوموړې کړنې په منلو مکلف پېژندل کېږي، پدې شرط چې متعهد هر ډول اضافي لگښتونه چې متعهد له د متعهد، له وخت څخه د مخه سرته رسولو په علت، هغه زغملې دي، ومني.

(۳) په هغه صورت کې چې متعهد د هغه

شناخته می شود.

حق رد بيموقع تعهد

ماده ټول و هشتم:

(۱) هرگاه قرارداد مستلزم آن باشد تا متعهد در زمان معین، تعهد اش را ایفا کند، متعهد له می تواند ایفای تعهد از جانب متعهد را که در غیر از زمان معینه انجام یافته، مطابق احکام این ماده رد و به آن اعتراض نماید، مگر اینکه طور دیگری موافقت صورت گرفته باشد.

(۲) هرگاه متعهد قبل از موعده که در قرارداد تعیین گردیده، تعهد اش را ایفا و این عملکرد قبل از موعده، منافع متعهد له را متضرر نسازد، در این صورت متعهد له به قبول عملکرد مذکور مکلف شناخته می شود، مشروط بر اینکه متعهد هرگونه مصارف اضافی را که متعهد له بعلت ایفای قبل از وقت متعهد، متحمل آن گردیده، قبولدار شود.

(۳) در صورتی که متعهد بعد از

مختم موعديکه در قرارداد ذکر گردیده،
تعهد اش را ايفاء کند، در آنصورت
متعهد له می تواند ايفای چنین تعهد
بعد از وقت را رد کند.
در هر صورت متعهد مکلف
است خساره وارده متعهد له
را در مقابل هرگونه زیان ناشی
از تأخیر و معطلی جبران
کند.

حق رد ايفای قسمی

تعهد

ماده چهل ونهم:

متعهد له می تواند ايفای قسمی
تعهد از جانب متعهد را رد کند،
مگر اینکه اینگونه ايفای تعهد، منافع
متعهد له را متضرر نسازد. متعهد مکلف
است هر نوع مصرف اضافی را که
متعهد له بعلت ايفای قسمی متعهد،
متحمل گردیده است، متقبل گردد.

حق تعویض

ماده پنجاهم:

(۱) هر یک از طرفین می توانند با در

موعد له پای ته رسد و وروسته چي په
قرارداد کې یاد شوی دی، خپله ژمنه
سرتو ورسوي پدې صورت کې متعهد له
کولی شي ددغه ډول له وخت وروسته
ژمنې سرتو رسول رد کړي. په هر صورت
کې متعهد مکلف دی متعهد له ته اووښتي
خساره له ځنډ او معطلۍ څخه د راپیدا
شوي هر ډول زیان په وړاندې جبران
کړي.

د ژمنې د قسمي سرتو رسونې د رد

حق

نهه څلورېنتمه ماده:

متعهد له کولی شي د متعهد لخوا د ژمنې
قسمي سرتو رسول رد کړي، خو دا چي د
ژمنې دغه ډول سرتو رسول د متعهد له
گټې زیانمنې نکړي، متعهد مکلف دی هر
ډول اضافي لگښت چي متعهد له د متعهد
د قسمي سرتو رسولو په علت متحمل
شوی دی، ومني.

د تعویض حق

پنځوسمه ماده:

(۱) له اړخونو څخه هر یو کولی شي د

نظر داشت حالات ذيل مڪلفيت خویش را در برابر تعهد متقابل طرف ديگر تعويض نمايند، گرچه اينگونه تعهدات از عين معامله يا معامله ديگر بوده يا به حکم قانون بوجود آمده باشند. مگر اينکه طرفين طور ديگري موافقت يا قانون آنرا ممنوع قرار داده باشد:

۱- طرفين ذيدخل در معامله تعويض، مسئوليت اجرائی متقابل تعهدات را در برابر يکديگر دارا باشند.

۲- گذاشتن قيمت بالاي هريک از تعهدات متقابل، امکان پذير باشد تا مقدار تعويض با اطمينان لازم محاسبه شده بتواند.

۳- طرفی که حق تعويض را اعمال می کند، طرف ديگر را اطلاع دهد.

(۲) در صورتی که طرفين مکلف به ايفای تعهدی در برابر همديگر باشند که تعهد مذکور لازم الاجراء و موضوع تعهدات در نوعيت و کيفيت از هم متفاوت باشد، طرفين می توانند با موافقه متقابل حق

لاندي حالاتو له په پام کې نيولو سره د بل اړخ د متقابلې ژمنې په وړاندې خپل مڪلفيت تعويض کړي، که څه هم چې دغه ډول ژمنې له عين معاملې يا بلې معاملې څخه وي يا د قانون په حکم منځته راغلې وي. خو دا چې اړخونو په بل ډول موافقه کړې يا قانون هغه ممنوع گرځولې وي:

۱- اړوند اړخونه دې د تعويض په معامله کې، يو د بل په وړاندې د متقابلو ژمنو د اجراء د مسئوليت لرونکي وي.

۲- له متقابلو ژمنو څخه پر هرې يوې باندي دې د بيې اېښودل امکان ولري ترڅو د تعويض مقدار په لازم ډاډ سره محاسبه کړای شي.

۳- هغه اړخ چې د تعويض حق اعمالوي، بل اړخ ته دې خبر ورکړي.

(۲) په هغه صورت کې چې اړخونه يو د بل په وړاندې د هغې ژمنې په سرته رسولو مکلف وي چې نوموړې ژمنه لازم الاجراء او د ژمنو د موضوع په ډول او کيفيت کې يوه له بلې څخه توپير ولري، اړخونه کولی شي په متقابلې موافقې سره د تعويض حق

نافذ کړي.

تعويض را نافذ سازند.

د اړخونو د نوم د بدلون په دليل د

عدم امتناع از ايفاي

تعهد له سرته رسولو څخه ډډه نه

تعهد به دليل تغيير نام

کول

طرفين

يو پنځوسمه ماده:

ماده پنجاه ویکم:

اړخونه نشي کولی د قرارداد له انفاذ وروسته په هغه کې د درج شوو ژمنو له اجراء څخه له اړخونو، قانوني استازي، مسئول شخص يا هغه شخص څخه چې د قرارداد د ترتيبولو مسئوليت په غاړه لري د يوه د نوم د بدلون په دلايلو ډډه وکړي. خو دا چې په قرارداد کې په بل ډول اټکل شوي وي.

طرفين نمی توانند بعد از انفاذ قرارداد از اجرای تعهدات مندرج آن به دلايل تغيير نام یکی از طرفين، نماينده قانونی، شخص مسئول يا شخصي که مسئوليت ترتيب قرارداد را به عهده دارد امتناع ورزند، مگر اینکه در قرارداد طور دیگری پيشبینی شده باشد.

د ثالثو ذينفعا اشخاصو حقوق

حقوق اشخاص ثالث ذينفع

دوه پنځوسمه ماده:

ماده پنجاه ودوم:

اړخونه کولی شي په قرارداد کې داسې شرط شامل کړي چې پر موجب يې د ثالث شخص حقوق چې هغه خپله د قرارداد د اړخونو له جملې څخه ندي تأمین شي. دغه ډول شرط ثالث شخص ته د متعهد په وړاندې په قرارداد کې د يادشوي شرط د اجراء لپاره يو حق

طرفين می توانند در قرارداد شرطی را شامل نمایند که به موجب آن حقوق شخص ثالث که او خود از جمله طرفين قرارداد نمی باشد تأمین گردد. چنین شرط به شخص ثالث حقی را در مقابل متعهد برای اجرای شرط متذکره در قرارداد اعطا میکند.

ورکوي. نوموړی متعهد کولی شي د ثالث شخص په مقابل کې په هر ډول دفاعيې چې له قرارداد څخه راپیدا کېږي، اتکاء وکړي، خو دا چې په بل ډول موافقيې صورت موندلی وي.

د ثالث شخص تعهدات

دري پنځوسمه ماده:

په قرارداد کې، پر ثالث شخص باندې چې هغه خپله د قرارداد داړخونو له جملې څخه ندی، هېڅ ډول ژمنه نشي وضع کېدی، که چېرې په قرارداد کې د متعهد له په وړاندې د ژمنې په اجراء د ثالث شخص مکلفیت اټکل شوی وي او ثالث شخص ونکړی شي نوموړې ژمنه سرته ورسوي یا یې پداسې ډول سرته ورسوي چې د قرارداد له شرایطو سره موافق نه وي، پدې صورت کې متعهد له د ژمنې د نه اجراء په برخه کې، متعهد ته درجوع د حق لرونکی دی، ولې مستقیماً د ژمنې د سرته رسولو په اړه د ثالث شخص پر علیه د دعوي د اقامې حق نلري. خو دا چې ثالث شخص، متعهد له ته ددغه ډول ژمنې په سرته رسولو کې

متعهد مذکور می تواند در مقابل شخص ثالث به هرگونه دفاعیه ای که از قرارداد ناشی می گردد، اتکاء نماید، مگر اینکه طور دیگری موافقت صورت گرفته باشد.

تعهدات شخص ثالث

ماده پنجاه و سوم:

در قرارداد، هیچ نوع تعهدی بالای شخص ثالث که او خود از جمله طرفین قرارداد نمی باشد، وضع شده نمی تواند. هرگاه در قرارداد مکلفیت شخص ثالث به اجرای تعهدی در برابر متعهد له پیش بینی و شخص ثالث نتواند تعهد مذکور را ایفا یا به شکلی ایفا کند که با شرایط قرارداد موافق نباشد، در آن صورت متعهد له در قسمت عدم اجرای تعهد، حق رجوع به متعهد را دارا بوده، ولی مستقیماً حق اقامه دعوا علیه شخص ثالث در ارتباط به ایفای تعهد را ندارد. مگر اینکه شخص ثالث موافقت خود را در ایفای چنین تعهد به متعهد له

خپله موافقه څرگنده کړې وي.

وارثان

څلور پنځو سمه ماده:

په قرارداد کې درج شوي امتيازونه او ژمنې، د قرارداد په اړخونو او د هغو په اړوندو وارثانو پورې اړه مومي، خو دا چې په قرارداد کې په بل ډول موافقې صورت موندلی وي.

استثنایي شرایط

پنځه پنځوسمه ماده:

که چېرې د عام ماهیت لرونکي داسې استثنایي حالات منځته راشي چې د متعهد له کنترول او ادارې څخه بهر او له لازمي هڅې سره سره د هغو اټکل او مخنیوی ناشونی وي او په پایله کې یې په قرارداد کې د درج شوي ژمنې سرته رسول، د متعهد لپاره ناممکن یا داسې گران شي چې هغه د شدید زیان په وړاندې ودروي، متعهد کولی شي د ژمنې سرته رسول، ددغو استثنایي حالاتو تر پای ته رسېدو پورې ودروي. خو دا چې په قرارداد کې په بل ډول اټکل شوي وي.

که چېرې دغه ډول استثنایي حالات له

ابراز کرده باشد.

وارثین

ماده پنجاه و چهارم:

امتيازات و تعهدات مندرج قرارداد، به طرفین قرارداد و وارثین مربوطه آنها تعلق می گیرد، مگر اینکه در قرارداد طور دیگری موافقت صورت گرفته باشد.

شرایط استثنایي

ماده پنجاه و پنجم:

هرگاه چنان حالات استثنایي دارای ماهیت عام بوجود آید که از کنترول و اداره متعهد خارج و با وصف مساعی لازم، پیش بینی و جلوگیری از آنها ناممکن و در نتیجه آن ایفای تعهد مندرج قرارداد، برای متعهد غیرممکن یا چنان دشوار گردد که وی را در معرض خطر زیان شدید قرار دهد، متعهد می تواند ایفای تعهد را تاختم این حالات استثنایي متوقف سازد. مگر اینکه در قرارداد طور دیگری پیشبینی شده باشد.

هرگاه چنین حالات استثنایي بیش از

دېرشو ورځو څخه زيات دوام وکړي، پدې صورت کې، له اړخونو څخه هريو کولی شي، لاندې حالات له محکمې څخه وغواړي:

- ۱ - د قرارداد فسخ.
- ۲ - په مناسب حد کې دغیر عادلانه ژمنې دکمولو په منظور، د قرارداد تعدیلول.

شپږم فصل

د قرارداد د تفسیر اصول

د تفسیر موخه

شپږپنځوسمه ماده:

د قرارداد له تفسیر څخه بنسټیزه موخه دا ده ترڅو هغه څه ته چې اړخونه متقابلاً په قرارداد کې د هغو له اجراء سره موافقه کړي ده، اعتبار او ترتیب اثر ورکول شي.

د تفسیر کلي اصول

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) که چېرې د قرارداد لفظونه او عبارتونه صریح وي، په هغه کې د اړخونو د نیت د موندلو لپاره تفسیر ته اړتیا نشته.
(۲) لفظونه معمولاً د هغو په حقیقي معنی تعبیرېږي، او ترهغه وخته پورې چې حقیقي

سی روز دوام کاند در آن صورت، هریکی از طرفین می تواند، حالات ذیل را از محکمه درخواست نماید:

- ۱ - فسخ قرارداد.
- ۲ - تعدیل قرارداد به منظور تقلیل یافتن تعهد غیر عادلانه در حد مناسب.

فصل ششم

اصول تفسیر قرارداد

هدف تفسیر

ماده پنجاه و ششم:

هدف اساسی از تفسیر قرارداد اینست تا به آنچه که طرفین متقابلاً در قرارداد به اجرای آن موافقت کرده اند، اعتبار و ترتیب اثر داده شود.

اصول کلی تفسیر

ماده پنجاه و هفتم:

(۱) هرگاه الفاظ و عبارات قرارداد صریح باشد، ضرورتی به تفسیر برای دریافت قصد طرفین در آن نمی باشد.
(۲) الفاظ معمولاً به معنی حقیقی آن تعبیر می گردد و تازمانی که

- معني^۱ امکان منونکي وي، مجازي معني^۱ ته رجوع نه کپري، خو داچې د هغي صريح بيان ناشونی وي.
- (۳) د صريحو لفظونو په وړاندې، د الفاظو دلالت ته اعتبار نه ورکول کپري.
- (۴) لفظونو ته، ددې په عوض چې سترگې پرې پټې شي، بايد ترتيب اثر ورکول شي، خو که چېرې لفظونو ته ترتيب اثر ورکول ناممکن وي، په هغه صورت کې دې پرې سترگې پټې شي.
- (۵) يوې غير تفکيک وړ مادې يا فقرې ته اشاره (نفوته) ټولې مادې يا فقرې ته د اشارې په توگه گڼل کپري.
- (۶) بې له قيد او شرطه ماده، په بلاقيد او شرط توگه تفسيرېږي، خو دا چې مدارک تحت الفظي يا د قراینو پر بنا وجود ولري، چې هغه محدوده کړي.
- (۷) د هغه څه شرح او بيان چې وجود لري زاید دي، خو د هغه څه شرح چې وجود نلري، لازمي دي.
- (۸) په قرارداد کې د مخالف بيان د نه موجودیت په حالت کې، د سوداگرو معني^۱ حقيقي امکان پذیر باشد به معني مجازي رجوع نمی شود، مگر اینکه بیان صريح آن غيرممکن باشد.
- (۳) در برابر الفاظ صريح به دلالت الفاظ اعتبار داده نمی شود.
- (۴) به الفاظ، عوض آنکه نادیده گرفته شود، باید ترتيب اثر داده شود. ولی هرگاه دادن ترتيب اثر به الفاظ ناممکن باشد، در آن صورت نادیده گرفته شود.
- (۵) اشاره به یک ماده يافقره غير قابل تفکيک، به حيث اشاره به کُل ماده يا فقره پنداشته می شود.
- (۶) ماده بدون قيد و شرط، بصورت بلاقيد و شرط تفسير می گردد، مگر اینکه مدارک تحت الفظي يا برمبنای قراین وجود داشته باشد، که آنرا محدود سازد.
- (۷) شرح و بيان آنچه که وجود دارد زاید است، ولی شرح چیزی که وجود ندارد، لازمی می باشد.
- (۸) در حالت عدم موجودیت بيان مخالف در قرارداد، عرف

ترمنخ معمول عرف، د هغو ترمنخ د صریحو شرایطو د حیثیت لرونکی وي.

معمول بین تجار، حیثیت شرایط صریح را بین آنها دارا می باشد.

مبهم بیان

اته پنخوسمه ماده:

(۱) که چېرې قرارداد مبهم او د تفسیر لپاره یې حدود وجود ولري، د اړخونو متقابل نیتونه د لفظونو له تحت الفظی معنی^۱ څخه پورته تر څپرې لاندې نیول کېږي او ددې کار د اجراء لپاره د معاملې پرمهیت، اعتماد او هغه ډاډ باندې چې باید د موجود عرف مطابق په دغه شان معاملو کې د اړخونو ترمنخ وجود ولري، اتکاء کېږي.

بیان مبهم

ماده پنجاه وهشتم:

(۱) هرگاه قرارداد مبهم و حدودی برای تفسیر آن وجود داشته باشد، نيات متقابل طرفین فراتر از معنای تحت الفظی الفاظ، مورد رسیدگی قرار گرفته و برای اجرای این امر به ماهیت معامله و اعتماد و اطمینانی که باید طبق عرف موجود در چنین معاملات بین طرفین وجود داشته باشد، اتکاء می گردد.

(۲) په لیکلي قرارداد کې د هر ډول ابهام په هکله، د هغه شخص پر علیه چې د هغه متن یې چمتو کړی دی، فیصله صورت مومي.

(۲) در قرارداد کتبی در مورد هر نوع ابهام، بر علیه شخصی که متن آنرا آماده ساخته است، فیصله صورت می گیرد.

(۳) د هغه څه په استثنای چې ددې مادې په (۲) فقره کې اټکل شوي دي هر ډول شک او ابهام د متعهد په کټه فیصله کېږي.

(۳) به استثنای آنچه که در فقره (۲) این ماده پیش بینی گردیده است، هر نوع شک و ابهام به نفع متعهد فیصله می گردد.

(۴) په تصویبي قرارداد کې مبهم لفظونه پداسې ډول نشي تفسیرېدی چې د موافق

(۴) الفاظ مبهم در قرارداد تصویبی به نحوی تفسیر شده نمی تواند که

اړخ گټې له هغو څخه زيانمنې شي.

نامعين (نا ټاکلي) شرايط

نهه پنځوسمه ماده:

که چېرې د کیفیت، بېي، اجرت یا د اجراء د ځای په شان شرط په قرارداد کې غیر مشخص یا صریحاً تثبیت شوی نه وي، په هغه حالت کې پدې شرط چې اړخونه په بل ډول سره موافقه ونکړي او د قرارداد په متن کې مخالف نیت په صراحت سره بیان شوی نه وي، دغه ډول شرط د اړخونو ترمنځ د مخکنیو مناسباتو مطابق ټاکل کېږي. که چېرې نا ټاکلی شرط په پورتنی ډول یا هغسې چې ددې قانون په شپېتمه ماده کې اټکل شوی دی ونه ټاکلی شي، په هغه صورت کې قرارداد باطل گڼل کېږي، خو دا چې پدې قانون کې په بل ډول تصریح شوي وي.

د تشې لړې کول

شپېتمه ماده:

که چېرې په قرارداد پورې یو له اړوندو شرايطو څخه واضح نه وي او ددې قانون د نهه پنځوسمې مادې مطابق ونه ټاکلی شي، په هغه صورت کې، نوموړی شرط

منافع طرف موافق از آن متضرر گردد.

شرايط نامعين

ماده پنجاه ونهم:

هرگاه شرطی مانند کیفیت، قیمت، اجرت یا محل اجراء در قرارداد غیر مشخص یا صریحاً تثبیت نه گردیده باشد، در آن حالت به شرطی که طرفین طور دیگری موافقت نکنند و در متن قرارداد نیت مخالفی صریحاً بیان نشده باشد، چنین شرط مطابق مناسبات قبلی بین طرفین تعیین می گردد. هرگاه شرط نامعين به گونه فوق الذکر یا طوری که در ماده شصتم این قانون پیش بینی گردیده، معین شده نتواند، در آن صورت قرارداد باطل تلقی می گردد، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

رفع خلاء

ماده شصتم:

هرگاه یکی از شرایط متعلق به قرارداد واضح نباشد و طبق ماده پنجاه ونهم این قانون معین شده نتواند، در آن صورت شرط مذکور حسب ذیل

په لاندې توگه ټاکل کېږي:

تعیین می گردد:

- ۱- که چېرې کیفیت د شرط په توگه وضع، خو نمونه او معیار نه وي ټاکل شوي، په هغه صورت کې د ژمنې اجراء د کسب او صنعت د معیار مطابق او په هغه صورت کې چې د کسب او صنعت معیار وجود ونلري، د مروج معیار (ستندرد) یا د هر ټاکلي معیار (ستندرد) مطابق چې د قرارداد له موخې سره مطابقت ولري، صورت مومي.
- ۲- که چېرې بیه یا اجرت واضحاً تثبیت نه وي د ژمنې ترسره کول د ورځې د بېې مطابق د ژمنې د سرته رسولو په ځای کې په هغه نرخ چې د قرارداد د عقد په وخت کې د اعتبار وړوي، صورت مومي.
- ۳- که چېرې د ترسره کولو ځای واضحاً تثبیت نه وي، په هغه صورت کې چې ژمنه، د نغدو پیسو ورکول وي، د ژمنې ترسره کول په هغه ځای کې صورت مومي چې د وجهې اخیستونکي هلته وي. که چېرې ژمنه، په غیر منقوله شتمنی پورې اړونده وي، په هغه صورت کې د ژمنې سرته رسول په هغه ځای کې
- ۱- هر گاه کیفیت به حیث شرط، وضع ولی نمونه و معیار تعیین نگردیده باشد، در آن صورت اجرای تعهد مطابق معیار پیشه و صنعت و در صورتی که معیار پیشه و صنعت وجود نداشته باشد، مطابق معیار (ستندرد) مروج یا هر معیار (ستندرد) معینی که با هدف قرارداد مطابقت داشته باشد، صورت می گیرد.
- ۲- هرگاه قیمت یا اجرت واضحاً تثبیت نباشد، ایفای تعهد مطابق قیمت روز در محل ایفای تعهد به نرخي که حين عقد قرارداد مدار اعتبار بوده، صورت می گیرد.
- ۳- هرگاه محل ایفا واضحاً تثبیت نباشد، در صورتی که تعهد، تأدیه پول نقد باشد، اجرای تعهد در محلی صورت می گیرد که گیرنده وجه در آنجا قرار دارد. هرگاه تعهد، مربوط به دارائی غیر منقول باشد در آنصورت ایفای تعهد در محلی عملی می شود که دارائی مذکور در آنجا موقعیت دارد

و در رابطه به هر موضوع دیگر، ایفای تعهد در محلی صورت می گیرد که متعهد در آنجا قرار دارد.

۴- هرگاه زمان ایفای تعهد صریحاً تثبیت نباشد، متعهد می تواند تعهد را در هر زمان مناسب ایفا و متعهد له می تواند زمان مناسب را برای ایفای تعهد تقاضا کند، مشروط بر اینکه برای متعهد فرصت لازم جهت آمادگی داده شود.

۵- هرگاه طرز ایفای تعهد تصریح نگردیده باشد، متعهد وظیفه خود را به نحو مناسبی که به تحقق هدف قرارداد ممد واقع گردد، اجراء می نماید.

۶- هرگاه طرفی که مسئولیت مصارف ایفای تعهد را عهده دار بوده ولی در قرارداد واضحاً تثبیت نگردیده باشد، متعهد مصارف خود را خودش متحمل می گردد.

قراردادها به زبان های مختلف

ماده شصت و یکم:

هرگاه قرارداد به دو یا بیشتر از

عملی کبری چي شتمني هلته موقعیت ولري اودهرې بلي موضوع په اړه، دژمني سرته رسول په هغه ځای کې صورت مومي چي متعهد هلته وي.

۴- که چېرې د ژمني د سرته رسولو وخت صریحاً تثبیت نه وي، متعهد کولی شي ژمنه په هر مناسب وخت کې سرته ورسوي او متعهد له کولی شي دژمني د سرته رسولو لپاره د مناسب وخت غوښتنه وکړي. پدې شرط چې متعهد ته د چمتو والي لپاره لازم فرصت ورکړل شي.

۵- که چېرې د ژمني د سرته رسولو ډول تصریح شوی نه وي، متعهد خپله دنده په مناسب ډول چې د قرارداد د موخې پلي کېدو ته ممد واقع شي، اجراء کوي.

۶- که چېرې هغه اړخ چې د ژمني د سرته رسولو د لگښتونو مسئولیت په غاړه لري خو په قرارداد کې واضحاً تثبیت شوی نه وي، متعهد خپل لگښتونه پخپله په غاړه اخلي.

په مختلفو ژبو قراردادونه

یوشپږمه ماده:

که چېرې قرارداد په دوو یا له دوو څخه

دو زبان انعقاد ودر آن تذکر رفته باشد که کلیه نسخ آن یکسان مدار اعتبار می باشد، در آنصورت طوری استنباط می گردد که الفاظ و جملات هریک از نسخ مذکور دارای عین مفهوم می باشد. هرگاه اختلافی در مورد الفاظ و یا جملات مندرج این نسخ به نظر رسد، زبانی که در ابتدا قرارداد مذکور به آن تسوید شده، اسناد و مدارک مربوط، جهت رهنمونی برای رفع ابهام مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل هفتم

تعدیل و انتقال قانونی

قراردادها

تعدیل

ماده شصت و دوم:

(۱) قرارداد به موافقه طرفین تعدیل شده می تواند، مگر اینکه در قانون یا مقررات طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) هرگاه طرفین نتوانند به شرایط تعدیل مورد نظر، موافق شوند، در آنصورت قرارداد تعدیل نشده

په زیاتو ژبو عقد اوپکې یاد شوي وي چې ټولې نسخې (ټوکونه) یې یوشان اعتبار لري، په هغه صورت کې داسې انگېرل کېږي چې له نوموړو نسخوڅخه د هرې یوې لفظونه او جملې دعین مفهوم لرونکې دي. که چېرې پدغو نسخو کې ددرج شوو لفظونو او جملو په هکله اختلاف ولیدل شي، په هغه ژبه چې په لومړي سر کې نوموړی قرارداد پر هغې تسوید شوی دی، اړوند سندونه او مدارک، دابهام د لرې کولو لپاره ترخپرنې لاندې نیول کېږي.

اووم فصل

د قراردادونو قانوني تعدیل

او لېږدول

تعدیل

دوه شپېتمه ماده:

(۱) قرارداد د اړخونو په موافقه تعدیلېدی شي، خو دا چې په قانون یا مقرراتو کې په بل ډول تصریح شوي وي.

(۲) که چېرې اړخونه ونه توانېږي دپام وړ تعدیل په شرایطو سره موافق شي، په هغه صورت کې قرارداد نا

تعديل شوی گنیل کپري.

د حقوقو لېږدول

دري شپيتمه ماده:

د قرارداد له اړخونو څخه هر يو کولی شي خپل حقوق قسماً يا کلاً په لاندې توگه ثالث شخص ته ولېږدوي، خو دا چې دغه ډول لېږد ممنوع شوی وي:

۱- د قرارداد ماهيت ته په کتو سره.

۲- د قرارداد د شرايطو يا د اړخونو ترمنځ د بل موافقت ليک پر موجب.

۳- د قانون پر موجب.

د حقوقو د لېږد پړوخت د خبر

ورکونې مکلفيت

څلور شپيتمه ماده:

که چېرې متعهد له خپل حقوقو ولېږدوي، له موضوع څخه متعهد ته خبر ورکوي، متعهد ددغې ډول خبرتيا د اخيستلو تر وخته، د لېږد په موضوع کې کوم مکلفيت نلري. لېږدوونکی نشی کولی، د لېږد د خبرتيا له ورکولو وروسته د لېږدوونکي له رضایت پرته، لېږد فسخ کړي.

پنډاشته می شود.

انتقال حقوق

ماده شصت و سوم:

هر یک از طرفین قرارداد می تواند حقوق شانرا قسماً و یا کلاً حسب ذیل به شخص ثالث انتقال دهد، مگر اینکه چنین انتقال ممنوع گردیده باشد:

۱- نظر به ماهیت قرارداد.

۲- به موجب شرایط قرارداد یا موافقت نامه دیگری بین طرفین.

۳- به موجب قانون.

مکلفیت اطلاع دهی هنگام انتقال

حقوق

ماده شصت و چهارم:

هرگاه متعهد له حقوق خویش را انتقال دهد، از موضوع به متعهد اطلاع می دهد. متعهد تا زمان گرفتن چنین اطلاعیه، مکلفیتی در موضوع انتقال ندارد. انتقال دهنده نمی تواند، بعد از دادن اطلاعیه انتقال، بدون رضایت انتقال گیرنده، انتقال را فسخ کند.

د متعهد د دفاع حق

پنځه شپېتمه ماده:

متعهد کولی شي د لېږد اخیستونکي په برخه کې، د لېږدوونکي په وړاندې له ځانه څخه دفاع وکړي.

د ژمنې لېږدول او پرېښودل

شپږ شپېتمه ماده:

د اړخونو له یوه څخه بل اړخ ته د قرارداد په شمول د ژمنو کلي یا قسمي لېږدیا پرېښودل، د متعهد له د رضایت مستلزم او له هغو قوانینو او مقرراتو سره په مطابقت کې دي چې پدغه مورد کې د تطبیق وړ دي.

دفاعي ته لاس رسی

اووه شپېتمه ماده:

لېږد اخیستونکی متعهد کولی شي د متعهد له په وړاندې د هماغه لومړني متعهد دفاعي ولري.

د قرارداد د اړخونو د یو کېدو یاوېشل کېدو اغېز

اته شپېتمه ماده:

(۱) که چېرې له اړخونو څخه یو، د

حق دفاع متعهد

ماده شصت وپنجم:

متعهد می تواند در خصوص انتقال گیرنده، از خود در برابر انتقال دهنده دفاع کند.

انتقال و واگذاری تعهد

ماده شصت و هشتم:

انتقال و واگذاری کلی یا قسمی تعهدات شامل قرارداد از جانب یکی از طرفین به طرف دیگر، مستلزم رضایت متعهد له و در مطابقت با قوانین یا مقرراتی است که در چنین مورد قابل تطبیق می باشند.

دسترسی به دفاعیه

ماده شصت و هفتم:

متعهد انتقال گیرنده می تواند در مقابل متعهد له همان دفاعیه های متعهد اولی را داشته باشد.

اثر اتحاد یا انقسام طرفینقرارداد

ماده شصت و هشتم:

(۱) هرگاه یکی از طرفین، بعد از

عقد قرارداد، اتحادی را بوجود بیاورد، شخص حقوقی یا سازمان دیگری که در نتیجه این اتحاد بوجود آمده، خود بخود حقوق و مکلفیت های قرار داد را، بدون آنکه احکام مواد شصت و دوم الی شصت و هفتم این قانون را متاثر سازد، حاصل و عهده دار می گردد.

(۲) هرگاه یکی از طرفین بعد از عقد قرارداد، انقسام را بوجود بیاورد، شخصیت حکمی ای که در نتیجه این تقسیم به صورت مشترک یا انفرادی بوجود آمده است، خود بخود حقوق و مکلفیت های شامل قرارداد را بدون آنکه احکام مواد شصت و دوم الی شصت و هفتم این قانون را متاثر سازد، حاصل و عهده دار می گردد. مگر اینکه متعهد و متعهد له در زمینه طور دیگری موافقت نموده باشند.

قرارداد له عقد وروسته، یو کبدل منخته راوړي، هغه حقوقي شخص یا بل سازمان چې ددغه یو کبدو په پایله کې منخ ته راغلی، پرته لدې چې ددې قانون له دوه شپېتمې څخه تر اووه شپېتمې مادې پورې حکمونه اغېزمن کړي، خپل په خپله په قرارداد کې شامل حقوق او مکلفیتونه ترلاسه او په غاړه اخلي.

(۲) که چېرې له اړخونو څخه یو د قرارداد له عقد وروسته، وېشل کبدل منخته راوړي، هغه حکمي شخصیت چې ددغه وېش په پایله کې په گډه یا انفرادي توگه منخ ته راغلی دی، پرته لدې چې ددې قانون له دوه شپېتمې څخه تر اووه شپېتمې مادې پورې حکمونه اغېزمن کړي خپل په خپله په قرارداد کې شامل حقوق او مکلفیتونه ترلاسه او پر غاړه اخلي. خو دا چې متعهد او متعهد له پدې برخه کې په بل ډول موافقه کړې وي.

اتم فصل

د قرارداد موده، له وخت دمخه

انفصال او فسخ

د قرارداد موده

نهه شپيتمه ماده:

اړخونه کولی شي د قرارداد د اجراء او تنفيذ لپاره وخت موده وټاکي. هغه قرارداد چې د پیل وخت ته موکول وي، له هماغې نېټې څخه، د تطبيق وړ دی. هغه قرارداد چې د تېرېدو (انقضاء) د وخت تابع وي، په هماغه ټاکلي وخت تېرېږي. خو د هماغې مودې يا نامعلومې مودې لپاره نوی کېدی شي. پدې شرط چې د اړخونو تېر مناسبات، د قرارداد د دوام او له هغه څخه د الزام لپاره د هغوی متقابل رضایت، ونسيي.

د قرارداد دفسخ حالات

اوپایمه ماده:

(۱) قرارداد په لاندې حالاتو کې فسخ کېدی شي:

۱ - د هغه د مودې په تېرېدو سره، پدې شرط چې د اړخونو لخوا نوی نشي.

فصل هشتم

میعاد قرارداد، انفصال وفسخ

قبل از وقت

میعاد قرار داد

ماده شصت ونهم:

طرفین می توانند مدت زمانی را برای اجراء و تنفيذ قرارداد تعیین کنند. قراردادی که موکول به زمان آغاز باشد، از همان تاریخ، قابل تطبيق است. قرارداد يکه تابع زمان انقضا باشد، در همان زمان معینه منقضی می گردد. مگر برای همان مدت و یا مدت نامعلوم تجدید شده می تواند، مشروط بر اینکه مناسبات گذشته طرفین، رضایت متقابل آنها را برای دوام قرارداد و الزام از آن نشان دهد.

حالات فسخ قرارداد

ماده هفتادم:

(۱) قرارداد درحالات ذیل فسخ شده می تواند:

۱ - با انقضای مدت آن، مشروط براینکه از جانب طرفین تجدید نگردد.

- ۲ - هر وخت د اړخونو په متقابل توافق. ۲ - هر زمان با توافق متقابل طرفین.
- ۳ - ددې قانون په یوایایمه ماده کې په درج شوو حالاتو کې. ۳ - در حالات مندرج ماده هفتاد ویکم این قانون.
- ۴ - له اړخونو څخه د یوه په واسطه په قرارداد کې درج د اټکل شوو شرایطو او حالاتو پر بنسټ. ۴ - باساس شرایط وحالات پیش بینی شده مندرج قرارداد توسط یکی از طرفین.
- ۵ - د محکمې د حکم یا د سوداگریز حکمیت دقرار پر بنسټ. ۵ - به اساس حکم محکمه یا قرار حکمیت تجارتي.
- (۲) د قرارداد فسخ د متقابلو اړخونو د حقوقو او ژمنو د نه ترسره کولو مستلزم نده، بلکه د قرارداد له فسخ د مخه حقوق او ژمنې دوام مومي او د اړخونو ترمنځ د زیان د جبران لپاره د غوښتنو بنسټ جوړ وي، خو دا چې بل ډول موافقه شوې وي.
- (۳) د شخړې دحل، دحسابونو د تصفیې، انحلال او دهر ډول نورو ژمنوپه اړه په قرارداد کې درج شوي شرایط چې دماهیت له نظره بنایي دقرارداد له فسخ څخه وروسته ترسره شي، دوام مومي، خو دا چې اړخونو په بل ډول موافقه کړې وي.
- (۲) فسخ قرارداد مستلزم عدم ایفای حقوق و تعهدات متقابل طرفین نبوده، بلکه حقوق و تعهدات قبل از فسخ قرارداد ادامه یافته و اساس مطالبات برای جبران خساره بین طرفین را تشکیل می دهد، مگر اینکه طور دیگری موافقه شده باشد.
- (۳) شرایط مندرج قرارداد در رابطه به حل منازعه، تصفیه حسابات، انحلال و هر نوع تعهدات دیگری که از نظر ماهیت می یابد بعد از فسخ قرارداد انجام گردد، ادامه می یابد، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

د ژمنو او دهغو داغیزوپای ته رسېدل

يو اويايمه ماده:

(۱) په قرارداد کې درج شوي حقوق او ژمنې، په يوه له لاندې حالاتو کې پای مومي:

۱- د قرارداد د مندرجاتو مطابق د ژمنو سرته رسېدل.

۲- د پاتو ژمنو له اجراء څخه د اړخونو موافقه.

۳- له اړخونو څخه په يوه پورې د متعهد له حقوقو او دمتعهد د ژمنو اړه موندل.

۴- د اړخونو په توافق يا د قانون د حکمونو مطابق، نور حالات.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې په درج شوو حالاتو کې اړخونه يو د بل په وړاندې له مسئوليت څخه خلاصېږي، خو دا چې نېک نيت او عرف او عادتونه يا د اړخونو متقابل توافق، د هغه غوښتونکي وي.

د قرارداد د شرايطو پر بنسټ فسخ

دوه اويايمه ماده:

اړخونه کولی شي داسې شرايط په قرارداد

اختتام تعهدات و آثار آن

ماده هفتاد ویکم:

(۱) حقوق و تعهدات مندرج قرارداد دريکې از حالات ذیل خاتمه می یابد:

۱- انجام تعهدات مطابق مندرجات قرارداد.

۲- توافق طرفین از اجرای تعهدات باقیمانده.

۳- تعلق گرفتن حقوق متعهد له و تعهدات متعهد به یکی از طرفین.

۴- سایر حالات به توافق طرفین یا طبق احکام قانون.

(۲) در حالات مندرج فقره (۱) این ماده، طرفین در مقابل همدیگر از مسئولیت مبرأ می گردند، مگر اینکه حسن نیت و عرف و عادات یا موافقت متقابل طرفین، متقاضی آن باشد.

فسخ به اساس شرایط قرارداد

ماده هفتاد و دوم:

طرفین می توانند شرایطی را در قرارداد

پيش بينی نمايند که به اساس آن حق فسخ قرارداد را داشته باشند.

در ينصورت جانبی که حق فسخ را دارا می باشد، می تواند با دادن اطلاعیه به جانب مقابل، قرارداد را فسخ کند، مگر اینکه طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد. چنين فسخ، حق هيچ یک از طرفين قرارداد را برای ادعای خسارات از جانب مقابل بخاطر نقض قرارداد و یا عمل دیگری محدود ساخته نمی تواند.

شرایط ضمنی حق فسخ

ماده هفتاد و سوم:

شرایط ذیل در تمام قراردادها بطورضمنی پیشبینی می گردد، مگر اینکه طرفین صریحاً از آنها صرف نظر نموده باشند:

۱ - هرگاه یکی از طرفین نتواند تعهدات اساسی خود را با به سر رسیدن موعد ایفای آن، انجام دهد و چنين عجز بعد از تقاضا برای ایفای تعهد و موجودیت مدت مناسب که در خلال آن باید این عجز برطرف

کې اټکل کړي چې د هغو پر بنسټ د قرارداد د فسخ حق ولري.

پدې صورت کې هغه اړخ چې د فسخ د حق لرونکی دی، کولی شي مقابل اړخ ته د خبرتیا په ورکولو سره، قرارداد فسخ کړي. خو دا چې په بل ډول موافقې صورت موندلی وي. دغه ډول فسخ، د قرارداد د نقض یا بل عمل په خاطر له مقابل اړخ څخه د زیانونو دادعا لپاره د قرارداد له اړخونو څخه د هېڅ یوه حق نشي محدودولای.

د فسخ د حق ضمنی شرایط

درې اويايمه ماده:

لاندې شرایط په ټولو قراردادونو کې په ضمنی توګه اټکل کېږي، خو دا چې اړخونو صریحاً له هغو څخه صرف نظر کړی وي:

۱ - که چېرې یو له اړخونو څخه ونه کړی شي خپلې بنسټیزې ژمنې د هغو د ترسره کولو د موعد په پای ته رسېدو سره سرته ورسوي او دغه ډول عجز د ژمنې د سرته رسولو او د مناسبې مودې د موجودیت لپاره چې په ترڅ کې یې ښايي

و تلافی گردد، ادامه یابد، در آن صورت طرف مقابل می تواند قرارداد را فسخ کند.

۲ - هرگاه یکی از طرفین قصد خود را به امتناع از انجام تعهدات اساسی ای که نظریه قرارداد عهده دار می باشد، صریحاً ابراز نماید، طرف مقابل می تواند قرارداد را فسخ نماید.

سقوط حق فسخ

ماده هفتاد و چهارم:

هرگاه میعاد حق فسخ در قانون و یا توسط طرفین مشخص گردیده باشد، این حق در ختم میعاد معینه ساقط می شود، مگر اینکه طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد.

فصل نهم

نقض قراردادها

اصول کلی

ماده هفتاد و پنجم:

هرگاه یکی از طرفین نتواند تعهدات خود را مطابق شرایط قرارداد ایفاء، یا

دغه عجز لری او تلافی شی، له غوبستنې

وروسته، دوام ومومي، په هغه صورت کې مقابل اړخ کولی شي قرارداد فسخ کړي.

۲ - که چېرې یو له اړخونو څخه د هغو بنسټیزو ژمنو له سرته رسولو څخه چې قرارداد ته په کتو سره یې په غاړه لري په ډډې کولو سره خپل قصد صریحاً څرګند کړي، مقابل اړخ کولی شي قرارداد فسخ کړي.

د فسخ د حق سقوط

څلور اويايمه ماده:

که چېرې د فسخ د حق موده په قانون کې یا د اړخونو په واسطه مشخصه شوې وي، دغه حق د ټاکلې مودې په پای کې ساقطېږي، خو دا چې په بل ډول موافقې صورت موندلی وي.

نهم فصل

د قراردادونو نقض

کلي اصول

پنځه اويايمه ماده:

که چېرې یو له اړخونو څخه ونکړی شي خپلې ژمنې د قرارداد د شرایطو مطابق

طوری ایفاء نماید که با شرایط قرارداد متناقض باشد، در آن صورت وی ناقض قرارداد شمرده شده و طرف مقابل متناسباً مستحق جبران خساره ناشی از این نقض شناخته می شود.

جبران خسارات

ماده هفتاد و ششم:

(۱) در موارد نقض قرارداد، هدف جبران خسارات اینست تا به طرفی که مورد نقض قرار گرفته، منفعت مربوط به قرارداد معامله وی پرداخته شود.

(۲) هرگاه خسارات با دقت کافی محاسبه شده نتواند یا طوری دیگری برای طرف غیر ناقض، منفعت کامل معامله وی پرداخت گردد (در صورتی که قرارداد فاقد شرط صحیح خسارت پیش بینی شده باشد)، طرف مذکور می تواند مستحق جبران خسارت نقض قرارداد گردیده تا طرفین مجدداً در وضعیت قبل از انعقاد قرارداد، قرار گیرند.

سرته ورسوي يا بي پداسي ډول سرته ورسوي چې د قرارداد له شرایطو سره متناقضې وي، په هغه صورت کې هغه د قرارداد ناقض گڼل کېږي او مقابل اړخ متناسباً لدې نقض څخه دراپيدا شوي زیان د جبران مستحق گرځي.

د زیانونو جبران

شپږ اويايمه ماده:

(۱) د قرارداد د نقض په مواردو کې، د زیانونو د جبران موخه دا ده چې ترڅو هغه اړخ ته چې د نقض مورد گرځېدلی، دهغه د معاملي په قرارداد پورې اړونده گټه ورکړل شي.

(۲) که چېرې زیانونه په کافي څیر محاسبه نشي یا په بل ډول سره غیر ناقض اړخ ته، د هغه د معاملي بشپړه گټه ورکړل شي (په هغه صورت کې چې قرارداد د زیان د صحیح شرط نه لرونکی اټکل شوی وي)، نوموړی اړخ کولی شي د قرارداد د نقض د زیان د جبران مستحق وگرځي خو اړخونه بیا د قرارداد له عقد څخه د مخه وضعیت ته راوگرځي.

(۳) محکمه يا حکم د صوابديد پر بنسټ او د قرارداد د ماهيت او د هغه د نقض د څرنگوالي له مخې، د زيان يا د زيانونو د جبران اندازه ټاکي، خو دا چې پدې قانون کې په بل ډول تصريح شوي وي.

د بېي له نه ورکړې څخه راپيدا شوي

زيانونه

اووه اويايمه ماده:

که چېرې يوله اړخونو څخه ونکړي شي دا جناسو يا خدمتونو بيه کلاً يا قسماً پر خپل وخت ورکړي، د زيان ورکړه په نغدي ډول په لاندې توگه صورت مومي:

الف - د بېي نه ورکړل شوې برخه.

ب - هغه اضافي مبلغ چې مدعي بنايي د هغه ضرر له درکه چې د نه ورکړې په موده کې د هغه د پيسو په گټه کې هغه ته رسيدلی دی، جبران کړي.

د عين ژمنې اجراء

اته اويايمه ماده:

که چېرې يوله اړخونو څخه ونکړي شي يوه ژمنه (دپيسو د ورکړې له ژمنې پرته)

(۳) محکمه يا حکم با ساس صوابديد و برحسب ماهيت قرارداد و چگونگی نقض آن، اندازه جبران خساره يا خسارات را تعيين می کند، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصريح شده باشد.

خسارات ناشی از عدم پرداخت

قيمت

ماده هفتاد و هفتم:

هرگاه یکی از طرفین نتواند قیمت اجناس یا خدمات را کلاً و یا قسماً در موقع آن بپردازد، پرداخت خسارت به صورت نغده طور ذیل صورت می گیرد:

الف - قسمت پرداخت نشده قیمت.

ب - مبلغ اضافی که باید مدعی را از مدرک ضرری که در انتفاع پول اش در مدت عدم پرداخت به او عاید گردیده، جبران نماید.

اجرای عين تعهد

ماده هفتاد و هشتم:

هرگاه یکی از طرفین نتواند تعهدی را (به غیر از تعهد پرداخت پول)

ايفا ڪند، محڪمه به اجرائي عين تعهد
حڪم صادر مي نمايد حالات ذيل از اين
حڪم مستثني مي باشد:

۱- در صورتی که اجرائي تعهد قانوناً و
عملاً ناممکن باشد.

۲- در صورتی که موضوع تعهد،
ايجاب تنفيذ اجرائي عين
تعهد را نڪند يا مصارف اجرائي
آن به طور غير مؤجه بيشتر باشد.

محاسبه خسارات

ماده هفتاد ونهم:

(۱) اندازه خسارات که از ناحیه نقض
قرارداد به یکی از طرفین متناسباً قابل
پرداخت می باشد شامل موارد ذیل
است:

۱- هر نوع منافع که طرف
غير ناقض، در عدم نقض قرارداد آنرا
دریافت می کرد.

۲- منافع از دست رفته تا حدودی
که به طور غير قانونی پیش بینی نگردیده و
مستقیماً به نقض قرارداد ارتباط
گیرد.

۳- سایر خسارات قابل محاسبه که

سرتو ورسوي، محڪمه دعین ژمني په
اجراء حڪم صادروي، لاندې حالات لدې
حڪم څخه مستثني دي:

۱- په هغه صورت کې چې د ژمنې اجراء
قانوناً او عملاً ناممکنه وي.

۲- په هغه صورت کې چې د ژمنې
موضوع، د عين ژمنې د اجراء تنفيذ
ايجاب نڪړي يا يې د اجراء لگښتونه په
نامؤجه توگه زيات وي.

د زيانونو محاسبه

نهه اويايمه ماده:

(۱) د لاندې مواردو د زيانونو په هغه
اندازه کې چې د قرارداد د نقض له امله
له اړخونو څخه يوه ته متناسباً د ورکړې
وړ وي، شامل دي:

۱- هر ډول گټې چې غير ناقض اړخ، د
قرارداد د نقض په نه موجوديت کې هغه
ترلاسه کولې.

۲- له لاسه تللې گټې تر هغو حدودو پورې
چې په غير قانوني توگه اټکل شوې نه وي
او مستقیماً د قرارداد له نقض سره رابطه
ومومي.

۳- د محاسبې وړ نور زيانونه چې د

در نتیجه نقض قرارداد بوجود آمده و در وقت عقد قرار داد بطور معقول قابل پیشبینی بوده باشد.

(۲) طرفین نمی توانند از مدرک خسارات، وجهی را دریافت کنند که از اندازه مفاد معامله شان متجاوز و یا منتج به تمول غیر عادلانه گردد.

تخفیف در خسارات

ماده هشتم:

(۱) طرفین قرارداد مکلف اند به اساس حسن نیت طور عمل نمایند که برای تخفیف دادن میزان ذاتی خساره موثرواقع گردد. این مساعی شامل اقدامات لازم برای جلوگیری از خسارت بیشتر می باشد.

(۲) هرگاه یکی از طرفین به علت ناتوانی در اتخاذ تدابیر لازم احتیاطی از خساره اضافی، متحمل خساره بیشتر گردد، مستحق اخذ جبران خسارات بیشتر از این مدرک نمی باشد. هرگونه مصرف معقول که توسط طرف دیگر به منظور تخفیف بخشیدن خساره صورت می گیرد، طرفی که قرارداد را نقض

قرارداد د نقض په پایله کې منخته راغلي او د قرارداد د عقد په وخت کې په معقوله توګه د اټکل وړ وي.

(۲) اړخونه نشي کولی د زیانونو له درکه، هغه وجه ترلاسه کړي چې د هغوی د معاملې دګټې له اندازې څخه متجاوزه یا د غیر عادلانه تمول پایلې ته ورسېږي.

په زیانونو کې تخفیف

اتیایمه ماده:

(۱) د قرارداد اړخونه مکلف دي د نېک نیت پر بنسټ داسې عمل وکړي چې د زیان د ذاتي اندازې (میزان) د تخفیف لپاره اغېزمن واقع شي. پدغو هڅوکې له زیات زیان څخه د مخنیوي لپاره لازم اقدامات شامل دي.

(۲) که چېرې یو له اړخونو څخه له اضافي زیان څخه د احتیاطي لازمو تدبیرونو په نیولو کې د ناتوانۍ په علت، د زیات زیان متحمل شي، لدې درکه د زیاتو زیانونو د جبران د اخیستلو مستحق نه دی. هر ډول معقول لګښت چې د بل اړخ په واسطه زیان ته د تخفیف ورکولو په منظور صورت مومي، هغه اړخ چې

قرارداد يې نقض کړی دی، د هغه په جبران مکلف کېږي.

په قرارداد کې ټاکل شوي زیانونه

یو ایتایمه ماده:

(۱) په هغو حالاتو کې چې د واقعي زیانونو د اندازې سنجش یا ټاکل احتمالاً ناشوني وي، د قرارداد اړخونه کولی شي د قرارداد د نقض له درکه دورکړې وړ زیان اندازه د مخه وټاکي یا د هغه زیان د سنجش لپاره چې د قرارداد د نقض په پایله کې منځته راځي، د تگلارې په هکله، توافق وکړي.

(۲) که چېرې په قرارداد کې د زیانونو د جبران شرط ټاکلی خو اندازه یې مشخصه شوې نه وي او دورکړې وړ پيسو مقدار له اټکل شوي زیان یا له نقض څخه له راپیدا شوي رسېدلي زیان سره معقوله رابطه ولري، د دغه ډول نقض په برخه کې د ورکړې وړ زیانونو د حالت په اقتضاء، له هغې اندازې څخه عبارت ده چې په قرارداد کې ټاکلې یا په قرارداد کې د توافق وړ تگلارې ته په پام سره، محاسبه کېږي.

نموده است، مکلف به جبران آن می گردد.

خسارات تعیین شده در قرارداد

ماده هشتاد و یکم:

(۱) درحالاتی که سنجش یا تعیین اندازه خسارات واقعی احتمالاً ناممکن باشد، طرفین قرارداد می توانند اندازه خساره قابل پرداخت از مدرک نقض قرار داد را از قبل تعیین، یا درمورد روش که جهت سنجش خساره که در نتیجه نقض قرارداد بوجود می آید، توافق کنند.

(۲) هرگاه در قرارداد شرط جبران خسارات تعیین ولی اندازه آن مشخص نشده و مقدار پول قابل پرداخت، رابطه معقولى با خساره پیشبینی شده یا ضرر عایده ناشی از نقض داشته باشد، خسارات قابل پرداخت درخصوص چنین نقض، به اقتضای حالت، عبارت از اندازه می باشد که در قرارداد معین و یا با توجه به روش مورد توافق در قرارداد محاسبه می گردد.

(۳) هرگاه محکمه تشخیص دهد اندازه پولی که بموجب شرط خساره تعیین شده، قابل پرداخت می باشد، بصورت غیرمعقول از اندازه خسارت یا ضرر پیشبینی شده ناشی از نقض قرارداد تجاوز می نماید، ماده یا شرط مذکور به اعتبار خود باقیمانده، ولی محکمه می تواند حسب صوابدید تغییری را در اندازه متذکره وارد سازد تا انتظارات معقول طرفین را که در زمان عقد قرارداد، داشته برآورده سازند.

خسارات ناشی از تأخیر در اجرای

تعهد

ماده هشتم و دوم:

طرفین قرارداد می توانند در مورد قابل پرداخت بودن خسارات نقدی ایکه در نتیجه تأخیر در اجرای تعهد به میان می آید، از قبل موافقه نمایند. پرداخت خسارات تعیین شده، طرف ناقض قرارداد را از اجرای تعهدات اش که در مطابقت با مقتضیات قرارداد باشد، مبراء نمی سازد.

(۳) که چهری محکمه تشخیص کړي د هغو پیسو اندازه چې د زیان د شرط پر موجب ټاکل شوېده، د ورکړې وړ ده، په نامعقوله توګه د قرارداد له نقض څخه راپیدا د اټکل شوي زیان یا ضرر له اندازې څخه تجاوز کوي، نوموړې ماده یا شرط په خپل اعتبار باقي پاتې کېږي، خو محکمه کولی شي د صوابدیدله مخې په یاده شوې اندازه کې بدلون راولي ترڅو د اړخونو معقول انتظارات چې د قرارداد د عقد په وخت کې یې لرل، ترسره کړي.

د ژمنې په اجراء کې له ځنډه راپیدا

شوي زیانونه

دوه ایتایمه ماده:

د قرارداد اړخونه کولی شي د هغو نغدي زیانونو د ورکړې د وړتیا په هکله چې د ژمنې په اجراء کې د ځنډ په پایله کې منځته راځي، د مخه موافقه وکړي. د ټاکل شوو زیانونو ورکړه، د قرارداد ناقض اړخ د خپلو ژمنو له اجراء څخه چې د قرارداد له مقتضیاتو سره په مطابقت کې وي، نه مبراء کوي.

دامانت وجه

دري اتيایمه ماده:

(۱) د قرارداد اړخونه کولی شي د ژمنې د اجراء د تضمین په توګه یو بل ته دامانت وجهې د سپارلو په هکله په خپلو کې سره موافقه وکړي. د ژمنې له سرته رسولو وروسته، امانت وجه د بېې په وړاندې محاسبه یا متعهد ته اعاده کېږي. خو دا چې اړول شوی زیان د تضمین له وجهې څخه لږ وي.

(۲) که چېرې هغه اړخ چې امانت وجه یې د تضمین په توګه سپارلې ده، ونکړی شي په قرارداد کې شاملې ژمنې چې پر اجراء یې مکلف دی سرته ورسوي، د تضمین د وجهې د اعادې مستحق نه کېږي.

(۳) که چېرې هغه اړخ چې امانت وجه یې ترلاسه کړې، د قرارداد مطابق د خپلو ژمنو په اجراء کې بريالی نشي، امانته وجه مقابل اړخ ته مستردوي.

وجه امانت

ماده هشتاد وسوم:

(۱) طرفین قرارداد می توانند در مورد سپردن وجه امانت به یکدیگر منحیث تضمین اجرای تعهد، باهم توافق کنند. بعد از ایفای تعهد بوسیله متعهد، وجه امانت در مقابل قیمت محاسبه یا به متعهد اعاده می گردد. مگر اینکه خساره وارده کمتر از وجه تضمین باشد.

(۲) هرگاه طرفی که وجه امانت را به حیث تضمین سپرده است، نتواند تعهدات شامل قرارداد را که به اجرای آن مکلف است ایفا کند، مستحق اعاده وجه تضمین نمی گردد.

(۳) هرگاه طرفی که وجه امانت را دریافت نموده، در اجرای تعهدات اش مطابق قرارداد موفق شده نتواند، وجه امانت را به طرف مقابل مسترد می کند.

د ثالث شخص له عمل څخه راپيداشوی نقض

څلور اتيایمه ماده:

که چېرې ثالث شخص چې خپله د قرارداد له اړخونو څخه نه دی، باعث شي خو د قرارداد له اړخونو څخه د یوه په واسطه نقض شي، لدې سره سره ناقض اړخ، د قرارداد مطابق دمقابل اړخ په وړاندې مسئول دی. د ناقض او ثالث شخص تر منځ دهر ډول شخړې د شتون په صورت کې، نوموړې شخړه دهغوی تر خپل منځ دموافقې یا نافذ قانون مطابق حل اوفصل کېږي.

په قانون یا قرارداد کې د زیان دجبران ټاکل

پنځه اتيایمه ماده:

که چېرې له اړخونو څخه د یوه نقض د مقابل اړخ شخصي کتو یا ملکیت ته د ضرر د رسېدو سبب شي، متضرر اړخ کولی شي د قرارداد د اصولو یا نافذ قانون مطابق، د زیان د جبران غوښتونکی شي.

نقض ناشی از عمل شخصثالث

ماده هشتاد و چهارم:

هرگاه شخص ثالث که خود از طرفین قرارداد نمی باشد، باعث گردد تا قرارداد توسط یکی از طرفین نقض شود، به آنهم طرف ناقض، مطابق قرارداد در برابر طرف مقابل مسئول می باشد. در صورت موجودیت هرگونه تنازع بین طرف ناقض و شخص ثالث، منازعه مذکور طبق موافقت فی ما بین آنها، و یا قانون نافذ حل و فصل می گردد.

انتخاب جبران خسارت در قانون یاقرارداد

ماده هشتاد و پنجم:

هرگاه نقض یکی از طرفین سبب وارد شدن ضرر به منافع شخصی و یا ملکیت طرف مقابل گردد، طرف متضرر می تواند مطابق اصول قرارداد یا قانون نافذ خواهان جبران خساره گردد.

لسم فصل

خاص حکمونه

دعمومي حکمونو د تطبيق وړتيا

شپږ اتيایمه ماده:

پدې قانون کې درج شوي عمومي حکمونه د هغو ټولو قراردادونو په برخه کې چې ددې قانون پر بنسټ تنظيمېږي، د تطبيق وړ دي، لاندې موارد لدې حکم څخه مستثنی دي:

۱ - هغه قراردادونه چې په خاصو حکمونو کې د هغو په هکله، بل ډول اټکل شوی وي.

۲ - هغه قراردادونه چې عمومي حکمونه، داړخونو دتوافق پر بنسټ یا د قانون پر موجب مستثنی شوي وي.

د شخړې حل

اووه اتيایمه ماده:

اړخونه کولی شي په قرارداد پورې اړونده شخړه د هېواد په یوه له سوداګریزو محاکمو کې حل او فصل کړي، خو دا چې په قرارداد کې د شخړې حل او فصل د مصالحې، منځګړیتوب یا حکمیت له

فصل دهم

احکام خاص

قابلیت تطبيق احکام عمومي

ماده هشتاد و ششم:

احکام عمومي مندرج این قانون در قسمت کلیه قرارداد هایی که به اساس این قانون تنظیم می گردد، قابل تطبيق می باشد. موارد ذیل از این حکم مستثنی است:

۱ - قرارداد هایی که راجع به آنها در احکام خاص، طور دیگری پیش بینی شده باشد.

۲ - قرارداد هایی که احکام عمومي، به اساس توافق طرفین یا به موجب قانون مستثنی گردیده باشند.

حل منازعه

ماده هشتاد وهفتم:

طرفین می توانند منازعه مربوط به قرارداد را با اقامه دعوی در یکی از محاکم تجارتي کشور حل و فصل نمایند، مگر اینکه در قرارداد حل و فصل منازعه از طریق مصالحه، میانجیگری

لاري، شرط شوی وي.

د سوداگريزو محاکمو واک او

مکلفیتونه

اته اتیایمه ماده:

(۱) که چېرې د مصالحې، منځگړیتوب یا حکمیت له لاري له قرارداد څخه د راپیدا شوو شخړو حل او فصل، شرط گڼل شوی وي، محکمه نشي کولی هغه وڅېرې. لاندې حالات لدې حکم څخه مستثنی دی:

۱ - هغه اقدامات چې په قرارداد کې ددرج شوو موادو د حکمونو داجراء او تطبیق لپاره چې د مصالحې، منځگړیتوب یا حکمیت مستلزم وي.

۲ - مخه نیوونکي یا احتیاطي اقدامات چې د حکمیت د څېړنې ممد وي.

(۲) اړخونه مکلف دي تصمیم یا د حکمیت قرار یا د منځگړیتوب موافقه لیک چې دقانون د احکامو مطابق نافذ شوی وي بې له ځنډه تطبیق کړي، که چېرې یوله اړخونو څخه ونکړی شي دغه مکلفیت سرته ورسوي، واکمنه محکمه د اړوند اړخ دغوښتنې له امله، دهغه په

و حکمیت شرط شده باشد.

صلاحیت و مکلفیت های محاکم

تجارتی

ماده هشتادوهشتم:

(۱) هرگاه حل و فصل منازعات ناشی از قرارداد از طریق مصالحه، میانگیری یا حکمیت شرط دانسته شده باشد، محکمه نمی تواند به آن رسیدگی نماید. حالات ذیل از این حکم مستثنی است:

۱ - اقداماتی که جهت اجراء و تطبیق احکام مواد مندرج قرارداد که مستلزم مصالحه، میانگیری یا حکمیت باشد.

۲ - اقدامات باز دارنده یا احتیاطی که ممد رسیدگی حکمیت باشد.

(۲) طرفین مکلف اند تصمیم یا قرار حکمیت یا توافقنامه میانگیری را که مطابق احکام قانون نافذ گردیده بلا فاصله تطبیق نماید، هرگاه یکی از طرفین نتواند این مکلفیت را انجام دهد، محکمه ذیصلاح در اثر تقاضای طرف مربوط، به تطبیق آن حکم صادر

تطبيق حكم صادروي.

می نماید.

د وخت د تېرېدو موده

میعاد مرور زمان

نهه اتيایمه ماده:

ماده هشتادو نهم:

ددعوي اقامه يا له قرارداد څخه د راپيدا شوي حکمیت غوښتنلیک د ضرر پر ایراد د علم یا پر هغه د علم د ترلاسه کولو د امکان له نېټې څخه د (۴) کلونو مودې په ترڅ کې صورت موندلی شي. که چېرې مقابل لوری د دروغو یا درغلی یا د تېرايستني د نورو وسايلو په کارولو سره د متضرر د علم د نه ترلاسه کېدو باعث شوی وي، دغه موده د مرور زمان پر موده ور زیاتېږي.

اقامه دعوی یا درخواست حکمیت ناشی از قرارداد در خلال مدت (۴) سال از تاریخ علم به ایراد ضرر یا امکان حصول علم به آن صورت گرفته می تواند. هرگاه طرف مقابل با بکاربردن دروغ یا تقلب یا سایر وسایل فریب باعث عدم حصول علم متضرر شده باشد این مدت بر مدت مرور زمان افزوده می شود.

یوولسم فصل

فصل یازدهم

د پلورني قرارداد

قرارداد فروش

اضافي شرايط

شرايط اضافي

نوي يمه ماده:

ماده نودم:

د پلورني په قرارداد کې، ددې قانون په دوولسمه ماده کې پر درج شوو شرايطو برسېره بڼه بندي، معيار (ستندرد)، دپلټني يا کتنې ډول، هغه ژبه چې قرارداد پرې عقد کېږي او د هغه صحت او اعتبار،

قرارداد فروش علاوه بر شرايط مندرج ماده دوازدهم این قانون، شامل بڼه بندي، معيار (ستندرد) و طرز بازرسی یا معاینه، شیوه پرداخت، لسانی که قرارداد به آن انعقاد میابد و صحت و

شامل دی.

د پلورونکي مکلفیتونه

يو نوي یمه ماده:

پلورونکی مکلف دی هغه مال پېرودونکي ته ورکړي چې د قرارداد له شرایطو سره مطابقت ولري او تحویلول پداسې وخت او ځای کې او په داسې توګه صورت ومومي چې په قرارداد کې ټاکل شوي دي. خو دا چې په قانون کې په بل ډول تصریح شوي وي.

د تحویلولو وخت

دوه نوي یمه ماده:

(۱) که چېرې په قرارداد کې، د تحویلولو لپاره موده ټاکل شوې وي، پلورونکی کولی شي هر وخت د یادې شوې مودې په ترڅ کې مال تحویل کړي.

(۲) که چېرې په قرارداد کې د تحویلولو لپاره موده ټاکل شوې نه وي او د تحویلولو وخت د قانون د نهه پنځوسمې او شپږمې مادې د حکمونو په تطبیق سره ونه ټاکل شي، په هغه صورت کې پلورونکی پلورل شوی مال دمناسبې مودې په ترڅ کې پېرودونکي ته تحویلوي.

اعتبار آن می باشد.

مکلفیت های فروشنده

ماده نود و یکم:

فروشنده مکلف است مالی را به خریدار تحویل دهد که با شرایط قرارداد مطابقت داشته و تحویلدهی در زمان و مکان و به نحوی صورت گیرد که در قرارداد تعیین گردیده است، مگر اینکه در قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

زمان تحویلدهی

ماده نود و دوم:

(۱) هرگاه در قرارداد، مدتی برای تحویلدهی تعیین شده باشد، فروشنده می تواند هرزمانی در خلال مدت متذکره مال را تحویل نماید.

(۲) هرگاه در قرارداد مدتی برای تحویلدهی تعیین نگردیده باشد و زمان تحویل دهی با تطبیق احکام مواد پنجاه ونهم و شصتم این قانون تعیین شده نتواند، در آن صورت فروشنده مال فروخته شده را در خلال مدت مناسب به خریدار تحویل می دهد.

(۳) هرگاه مال فروخته شده در تصرف خريدار يا امين قرار داشته باشد و فروشنده طبق قرارداد مکلفيتي را در انتقال آن به خريدار متقبل نشده باشد، در آن صورت تاريخي که در آن قرارداد عقد گرديده، تاريخ تحويلدهي محسوب مي گردد.

مکان تحويلدهي

ماده نود و سوم:

هرگاه در قرارداد مکان تحويلدهي تعيين نشده باشد، فروشنده، مال مورد نظر را حسب ذيل تحويل مي دهد:

۱- در صورتي که مال فروخته شده مستلزم حمل و نقل باشد، فروشنده آنرا در اولين محموله به حالي که براي حمل و انتقال به خريدار مساعد باشد، تحويل بدهد.

۲- در صورتي که جنس فروخته شده مستلزم حمل و نقل نباشد، اقدامات ذيل صورت مي گيرد:

- هرگاه خريدار و فروشنده در وقت عقد قرارداد واقف باشند که مال فروخته شده در يک محل معين، قرار

(۳) که چبري پلورل شوي مال د پيرودونكي يا امين په تصرف کي وي او پلورونكي د قرارداد مطابق پيرودونكي ته د هغه د لېرډولو کوم مکلفيت منلي نه وي، په هغه صورت کي هغه نېته چې قرارداد پکې عقد شوي دي، د تحويلولو نېته گنل کېږي.

د تحويلولو ځاي

درې نوي يمه ماده:

که چبري په قرارداد کي د تحويلولو ځاي ټاکل شوي نه وي، پلورونكي، د نظر وړ مال په لاندې توگه تحويلوي:

۱- په هغه صورت کي چې پلورل شوي مال د حمل او نقل مستلزم وي، پلورونكي دې هغه په لومړني محموله کي په داسې حالت کي چې پيرودونكي ته د حمل او لېرډ لپاره مساعد وي، تحويل کړي.

۲- په هغه صورت کي چې پلورل شوي جنس د حمل او نقل مستلزم نه وي، لاندې اقدامات صورت مومي:

- که چبري پيرودونكي او پلورونكي د قرارداد د عقد په وخت کي خبروي چې پلورل شوي مال په يوه ټاکلي ځاي کي

دی، پدې صورت کې پلورونکی په نوموړي ځای کې دهغه د تحویلولو مسئول پېژندل کېږي.

- که چېرې پلورونکی او پېرودونکی، دواړه د قرارداد د عقد په وخت کې دپلورل شوي مال له موقعیت څخه بې خبره وي، په هغه صورت کې تحویلول په عادي توګه دپلورونکي دکار په ځای کې صورت مومي.

د تحویلولو ډول

څلورنوي یمه ماده:

(۱) پلورونکی مکلف دی د پلورل شوي مال له تحویلولو سره په یوه وخت، د هغو سندونو په شمول چې د مالکیت د لېږد لپاره پېرودونکي ته لازمي دي اړوند سندونه بشپړ او له پراوونو څخه تېرکړي او هغه ته یې ورتسليم کړي، خو دا چې پدې هکله په بل ډول موافقه شوې وي.

(۲) پلورونکی مکلف دی په پلورل شوي مال پورې اړوند هرډول سندونه او نور مواد هغسې چې قرارداد یا معموله رویه او عرف یې ایجابوي، پېرودونکي ته ورتسليم کړي.

دارد، در آنصورت فروشنده مسئول تحویلهی آن در محل مذکور شناخته می شود.

- هرگاه فروشنده وخریدار، هر دو از موقعیت مال فروخته شده در وقت عقد قرارداد بی اطلاع باشند، درآن صورت تحویلهی طور عادی در محل کار فروشنده صورت می گیرد.

طرز تحویلهی

ماده نود وچهارم:

(۱) فروشنده مکلف است همزمان با تحویلهی مال فروخته شده، اسناد مربوط را بشمول کلیه اسنادیکه برای انتقال مالکیت به خریدار لازمی میباشد، تکمیل و طی مراحل نموده و به وی تسلیم دهد، مگر اینکه طور دیگری در مورد موافقه صورت گرفته باشد.

(۲) فروشنده مکلف است هرگونه اسناد و مواد دیگر متعلق به مال فروخته شده را طوری که قرارداد یا رویه و عرف معمول ایجاب می کند، به خریدار تسلیم دهد.

د پېرودونکي مکلفيت

پنځه نوي يمه ماده:

پېرودونکی مکلف دی د پېرودنې بیه په هغه وخت او ځای کې او هغسې چې په قرارداد کې پرې موافقه او ټاکلې شوې ده، ورکړي. په هغه صورت کې چې بیه په قرارداد کې ټاکل شوې نه وي، د هغې ټاکل ددې قانون د نهه پنځوسمې او شپېتمې مادې د حکمونو مطابق، صورت مومي. خو دا چې په قانون کې په بل ډول تصریح شوي وي.

د ورکړې وخت او ځای

شپږ نوي يمه ماده:

که چېرې د ورکړې وخت او ځای په قرارداد کې ټاکل شوي نه وي او دغه موضوع ددې قانون د نهه پنځوسمې او شپېتمې مادې د حکمونو مطابق، ونه ټاکل شي، پېرودونکی، د پېرودنې بیه د پلورونکي د کار په ځای کې ورکوي. په هغه صورت کې چې اړخونه د پیسو ورکړه، د پلورل شوي جنس تحویلولو یا یې د تحویل اخیستنې سند ته موکول کړي وي، په هغه صورت کې د پیسو ورکړه په

مکلفيت خريدار

ماده نود و پنجم:

خریدار مکلف است قیمت خرید را در زمان، مکان و به نحوی که در قرارداد موافقت و تعیین گردیده، بپردازد. در صورتی که قیمت در قرارداد تعیین نگردیده باشد، تعیین آن مطابق احکام مواد پنجاه ونهم و شصتم این قانون صورت می گیرد، مگر اینکه در قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

زمان و مکان پرداخت

ماده نود و ششم:

هرگاه زمان و مکان پرداخت در قرارداد معین نگردیده باشد و این موضوع مطابق احکام مواد پنجاه ونهم و شصتم این قانون تعیین شده نتواند، خریدار، قیمت خرید را در محل کار فروشنده می پردازد. در صورتی که طرفین، پرداخت قیمت را به تحویلهی جنس فروخته شده یا سند تحویل گیری آن موکول نموده باشند، در آن صورت پرداخت

قيمت در زمان و مكاني صورت مي گيرد كه جنس فروخته شده يا سند تحويل گيري آن تسليم داده مي شود در صورتي كه مشتري به پرداخت عاجل قيمت مكلف نباشد در اقامتگاه مشتري حين استحقاق قابل پرداخت مي باشد.

معامله بارتري (مبادله جنس

با جنس)

ماده نود وهفتم:

هرگاه طرفين به معامله مبادله جنس با جنس كه شامل انتقال مالكييت و قيمت باشد، باهم توافق نمايند، چنين معامله، فروش تلقى گرديده واحكام اين قانون به ارتباط معاملات مبادله جنس با جنس، در مورد قابل تطبيق مي باشد، مگر اينكه در قرارداد طور ديگري تصريح شده باشد.

هغه وخت اوخاي كي صورت مومي چي پلورل شوي جنس يابي د تحويل اخيستي سند تسليم وركول كپري. په هغه صورت كي چي مشتري دبيي په بپړني وركپري باندي مكلف نه وي دمشتري په استوگنخي كي داستحقاق په وخت كي دوركپري وړ دي.

د بارتري معامله (دجنس بدلول په

جنس)

اووه نوي يمه ماده:

كه چپري اړخونه دجنس په جنس د بدلولو په معامله كي چي د مالكييت اوبيي لپردپكي شامل وي، په خپلوكي سره موافقه وكړي، دغه ډول معامله، پلورگنيل كپري اود جنس په جنس دبدلولو دمعاملو په اړه، ددي قانون حكمونه، پدي هكله د تطبيق وړدي، خو داچي په قرارداد كي په بل ډول تصريح شوي وي.

دوولسم فصل

د قرارداد تضمینونه او حقوق

د کتنې حق (د رویت خیار)

اته نوي یمه ماده:

(۱) که چېرې د پلورنې په قرارداد کې، مالونه ټاکلي، خو منتقل الیه (اخیستونکي) هغه کتلي نه وي، پدې صورت کې منتقل الیه کولی شي لدې حق څخه په هغه موده کې چې په قرارداد یا قانون کې تصریح شوې ده، گټه واخلي.

(۲) د کتنې د حق لرونکي د کتنې له سرته رسولو وروسته له لاندې مواردو څخه دیوۀ په تعمیم مکلف دی:

۱- د ټولو مالونو منل، چې په هغه صورت کې قرارداد نافذېږي.

۲- د ټولو مالونو ردول، د قرارداد له شرایطو سره د هغو د نه مطابقت په صورت کې، خو دا چې اړخونه موافقه وکړي چې د کتنې د حق لرونکي شخص کولی شي د مالونو یوه برخه رد کړي چې په هغه حالت کې، د قسمي رد شرایط یا اعتبار په قرارداد کې تنظیمېږي.

فصل دوازدهم

تضمینات و حقوق قرارداد

حق معاینه (خیار رویت)

ماده نود و هشتم:

(۱) هرگاه در قرارداد فروش، اموال معین، ولی منتقل الیه (گیرنده) آن را معاینه نکرده باشد، در این صورت منتقل الیه می تواند از این حق در مدتی که در قرارداد یا قانون تصریح گردیده است، استفاده نماید.

(۲) شخص دارای حق معاینه بعد از انجام معاینه به تعمیم یکی از موارد ذیل مکلف می باشد:

۱- قبول کُل اموال، که در آن صورت قرارداد نافذ می گردد.

۲- رد کُل اموال، در صورت عدم مطابقت آن با شرایط قرارداد، مگر اینکه طرفین موافقه کنند که شخص دارای حق معاینه می تواند قسمتی از اموال را رد کند، که در آن حالت شرایط یا اعتبار رد قسمی در قرارداد تنظیم می گردد.

- (۳) د کتنې حق په يوه له لاندې حالاتو کې ساقطېږي:
- ۱- د اړوندو مالونو له دمخه کتنې سرته رسول.
- ۲- د اړوندو مالونو صريح يا ضمني منل.
- ۳- د کتنې د حق لرونکي شخص مړينه.
- ۴- د مالونو کلي يا قسمي نابودي يا زيانمنېدل، هغه وخت چې د منتقل اليه په حفاظت کې وي.
- ۵- د مالونو د ملکيت پرېښودل يا لېږدول پداسې توگه چې پر نوموړو مالونو باندې حقوق، ثالث شخص ته وسپارل شي.
- (۳) حق معاینه دريکی از حالات ذیل ساقط می گردد:
- ۱- انجام معاینه قبلی از اموال مربوط.
- ۲- قبولی صریح یا ضمنی اموال مربوط.
- ۳- فوت شخص دارای حق معاینه.
- ۴- نابودی یا خساره مند شدن کلی یا قسمی اموال، هنگامی که در حفاظت منتقل اليه قرار داشته باشد.
- ۵- واگذاری یا انتقال مالکیت اموال به طوری که حقوق بر اموال مذکور به شخص ثالث تفویض گردد.

د نه کتنې عواقب

نهه نوي يمه ماده:

- (۱) که چېرې په قرارداد کې د کتنې لپاره موده ټاکل شوې وي، پېرودونکي مکلف دی په مال کې د هر ډول نقصان له موجودیت څخه چې د قرارداد له شرایطو سره مطابقت ونلري، د نوموړې مودې له پای ته رسېدو دمخه پلورونکي ته خبر ورکړي. په هغه صورت کې چې
- (۱) هرگاه در قرارداد برای معاینه مدت تعیین گردیده باشد، خریدار مکلف است از موجودیت هرگونه نقصان در مال، که با شرایط قرارداد مطابقت نداشته باشد قبل از اختتام مدت مذکور به فروشنده اطلاع دهد. در صورتی که خریدار از این موضوع به فروشنده

اطلاع ندهد، مال در مطابقت با شرایط قرارداد محسوب می گردد.

(۲) هرگاه در قرارداد برای معاینه مدت تعیین نگردیده باشد، خریدار مال را معاینه و فروشنده را از عدم مطابقت مال با شرایط قرارداد، در خلال مدت مناسب که از تاریخ تحویلدهی شروع می شود، اطلاع می دهد. در صورتی که خریدار این موضوع را به فروشنده اطلاع ندهد، چنین پنداشته می شود که مال متذکره مطابق شرایط قرارداد می باشد. هرگاه تضمین زمانی در مورد بی عیب و ناقص بودن مال وجود داشته باشد، در آن صورت تضمین مذکور مدار اعتبار بوده و جاگزین مدت مندرج فقره (۱) این ماده می گردد.

(۳) در صورتی که فروشنده عدم مطابقت مال با شرایط قرارداد را قصداً پنهان کند، خریدار، تابع محدودیت های زمانی برای اطلاع دهی که در فقره های (۱) و (۲) این ماده

پیرو دونکی لدی موضوع خنجه پلورونکی ته خبر ورنکری، مال د قرارداد له شرایطو سره په مطابقت کې گنل کېږي.

(۲) که چېرې په قرارداد کې د کتنې لپاره موده ټاکل شوې نه وي، پیرو دونکی مال گوري او پلورونکی ته د قرارداد له شرایطو سره د مال له نه مطابقت خنجه د مناسبې مودې په ترڅ کې چې د تحویلولو له نېټې څخه پیل کېږي، خبر ورکوي. په هغه صورت کې چې پیرو دونکی دغه موضوع پلورونکی ته خبر ورنکړي، داسې گنل کېږي چې نوموړی مال د قرارداد د شرایطو مطابق دی. که چېرې د مال د بی عیب او ناقص والي په هکله زماني تضمین وجود ولري، په هغه صورت کې نوموړی تضمین د اعتبار وړ دی او ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې مودې ځای نیسي.

(۳) په هغه صورت کې چې پلورونکی د قرارداد له شرایطو سره د مال نه مطابقت، قصداً پټ کړي، پیرو دونکی، د خبر ورکونې لپاره د زماني محدودیتونو چې ددې مادې په (۱) او (۲) فقره کې

خرگند شويدي، تابع ندي.

دغوره کولو حق (دټاکلو خیار)

سلمه ماده:

(۱) د پلورني د قرارداد اړخونه، کولي شي په خپلوکې سره موافقه وکړي چې په پلورل شوو مالونوکې له دوو څخه يو يا زيات شامل دي او له اړخونو څخه يو د هغو له منځ څخه د غوره کولو د حق لرونکي وي، پدې شرط چې له دغو مالونو څخه د هر يوه بيه او هغه وخت موده چې په هغې کې د غوره کولو حق بايد تر گټې اخيستنې لاندې ونيول شي، په قرارداد کې مشخص شوي وي. که چېرې په قرارداد کې دغه موده ټاکل شوې نه وي، په هغه صورت کې نوموړی حق د پير او پلور د ځای د معمولي روپې او عرف له په پام کې نيولو سره د مناسبې مودې په ترڅ کې اعمالېږي.

(۲) که چېرې پېرودونکی د دوو يا له دوو څخه د زياتو مالونو ترمنځ د غوره کولو د حق لرونکی وي او يو له دغو دوو مالونو څخه د پلورونکي د تصرف په حال کې ورک يا له منځه ولاړ شي، په

توضيح گرديده، نمی باشد.

حق انتخاب (خيار تعيين)

ماده صدم:

(۱) طرفين قرارداد فروش، می توانند با هم موافقه کنند که مال فروخته شده شامل یکی از دو ویا بیشتر اموال بوده و یکی از طرفين حق انتخاب از میان آنها را دارا باشد، مشروط به اینکه قيمت هر یک از این اموال و مدت زمانی که در خلال آن حق انتخاب باید مورد استفاده قرار گیرد، در قرارداد مشخص گرديده باشد. هرگاه در قرارداد این مدت تعیین نشده باشد، در آن صورت حق مذکور با نظر داشت روبه و عرف معمول محل خرید و فروش، در خلال مدت مناسب اعمال می گردد.

(۲) هرگاه خریدار، حق انتخاب در میان دو یا بیشتر از دو مال را دارا باشد و یکی از این دو مال در حال تصرف فروشنده مفقود یا نابود گردد، در آن صورت خریدار می تواند یکی از آن

دو مال دیگر را به قیمت مربوطه آن خریداری و یا آنها را رد و قرارداد را فسخ نماید. در صورتی که تمام اموال در حال تصرف فروشنده، مفقود یا از بین برود، معامله فروش از اعتبار ساقط می گردد.

(۳) هرگاه خریدار حق انتخاب در میان دو یا بیشتر از دو مال را دارا باشد و یکی از این اموال در حال تصرف خریدار، مفقود یا نابود گردد، در آن صورت مال مذکور، مال فروخته شده محسوب و خریدار به پرداخت قیمت آن مکلف می باشد. اموال باقیمانده به امانت نگهداشته شده و خریدار باید آنها را در صورتی که قبلاً میان طرفین توافق صورت گرفته باشد، به فروشنده مسترد و یا قیمت آنها بپردازد.

(۴) هرگاه فروشنده دارای حق انتخاب باشد و یکی از اموال قبل یا بعد از دریافت آن از جانب خریدار، مفقود یا نابود گردد، در

هغه صورت کې پېرودونکی کولی شي له هغو نورو دوو مالونو څخه یو د هغه په اړونده بیه وپېري یا هغه رد او قرارداد فسخ کړي. په هغه صورت کې چې د پلورونکي د تصرف په حال کې ټول مالونه ورک یا له منځه ولاړشي، د پلورنې معامله له اعتباره لوېږی (ساقطېږي).

(۳) که چېرې پېرودونکی د دوو یا له دوو څخه د زیاتو مالونو ترمنځ د غوره کولو د حق لرونکی وي او یو له دغو مالونو څخه د پېرودونکي د تصرف په حال کې ورک یا له منځه ولاړشي، په هغه صورت کې نوموړی مال پلورل شوی مال ګڼل کېږي او پېرودونکی د هغه د بېي په ورکولو مکلف دی. باقي پاتې مالونه په امانت ساتل کېږي او پېرودونکی باید هغه په هغه صورت کې چې له دمنځه د اړخونو ترمنځ موافقه شوې وي، پلورونکي ته مسترد یا بې بیه ورکړي.

(۴) که چېرې پلورونکی د غوره کولو د حق لرونکی وي او یو له مالونو څخه د پېرودونکي لخوا د هغه له ترلاسه کولو د منځه یا وروسته، ورک یا له منځه

آن حالت فروشنده می تواند یکی از روش های ذیل را انتخاب نماید:

۱- از خریدار تقاضا نماید تا یکی از اموال باقیمانده را اخذ و قیمت آنرا مطابق قرارداد بپردازد.

۲- قرارداد را فسخ نماید.

(۵) هرگاه تمام اموال مفقود یا نابود گردد، در آن صورت قرارداد باطل می شود.

(۶) هرگاه شخص دارای حق انتخاب، در مدت استمرار این حق وفات کند، حق مذکور به ورثه اش انتقال می یابد.

حق رد به علت (عیب)

ماده یکصد و یکم:

(۱) خریدار حق دارد در قرارداد فروش، اموال ناقص را رد کند. ذکر این حق در قرارداد ضروری نمی باشد.

(۲) خریدار می تواند اموال ناقص را صرف درحالات ذیل رد نماید:

۱- نقص از قبل وجود داشته باشد.

۲- نقص ارزش موضوع قرارداد را

ولاړشي، په هغه حالت کې پلورونکی کولی شي له لاندې تگلارو څخه یوه غوره کړي:

۱- له پېرودونکي څخه وغواړي ترڅو یو له باقي پاتو مالونو څخه واخلي او بیه یې د قرارداد مطابق ورکړي.

۲- قرارداد فسخ کړي.

(۵) که چېرې ټول مالونه ورک یا له منځه ولاړشي، په هغه صورت کې قرارداد باطلېږي.

(۶) که چېرې د غوره کولو د حق لرونکی شخص، ددغه حق د استمرار په وخت کې مړشي، نوموړی حق یې ورثې ته لېږدېږي.

د رد حق سره په علت (عیب)

یوسلو یوه یمه ماده:

(۱) پېرودونکی حق لري د پلورنې په قرارداد کې، ناقص مالونه رد کړي. په قرارداد کې ددغه حق یادول اړین ندي.

(۲) پېرودونکی کولی شي ناقص مالونه یوازې په لاندې حالاتو کې رد کړي:

۱- نقص له دمخه څخه وجود ولري.

۲- د نقص د قرارداد د موضوع ارزښت

اغېزمن کړي.

۳- نقص د قرارداد د عقد په وخت کې پېرودونکي ته معلوم نه وي.

۴- اړخونو موافقه کړې نه وي خو د نقص په برخه کې د پلورونکي له مسئولیت څخه سترگې پټې کړي.

(۳) ددې مادې په (۲) فقره کې ددرج شوو حالاتو د پلي کېدو په صورت کې پېرودونکی کولی شي ناقص مالونه له تسلیمې څخه د مخه د مناسبې مودې په ترڅ کې چې له دېرشو ورځو څخه تجاوز ونه کړي، محکمې ته له مراجعې پرته، قرارداد فسخ کړي او له تسلیمې څخه په وروسته حالت کې. د قرارداد فسخ له محکمې څخه وغواړي.

(۴) که چېرې پېرودونکی د ناقصو مالونو درد لپاره له خپل حق څخه گټه واخلي، په هغه صورت کې کولی شي په لاندې توگه اقدام وکړي:

۱- ددې مادې په (۳) فقره کې په درج شوي حالت کې، په قرارداد کې شامل جنس پلورونکي ته مسترد او پلورونکی د پېرودلو بیه پېرودونکي ته بېرته ورکوي.

متأثر سازد.

۳- نقص هنگام عقد قرارداد به خریدار معلوم نبوده باشد.

۴- طرفین موافقه نکرده باشند تا از مسئولیت فروشنده در خصوص نقص صرف نظر نمایند.

(۳) در صورت تحقق حالات مندرج فقره (۲) این ماده خریدار می تواند اموال ناقص را قبل از تسلیمی در خلال مدت مناسب که از سی روز تجاوز نکند، بدون مراجعه به محکمه، قرارداد را فسخ نموده و در حالت بعد از تسلیمی. فسخ قرارداد را از محکمه تقاضا نماید.

(۴) هرگاه خریدار از حق خود برای رد اموال ناقص استفاده نماید، در این صورت می تواند حسب ذیل اقدام نماید:

۱- در حالت مندرج فقره (۳) این ماده، جنس شامل قرارداد را به فروشنده مسترد و فروشنده قیمت خرید را به خریدار باز پرداخت می نماید.

۲ - ناقص مالونه ترلاسه کړي او د مالونو د ارزښت له ټیټوالي څخه راپیدا شوی زیان له پلورونکي څخه ترلاسه کړي، پدې شرط چې د هغه له مداخلې څخه پرته د شي رد، ناممکن شوی وي.

(۵) د ناقصو مالونو د رد حق، په یوه له لاندې حالاتو کې ساقطېږي:

۱ - د قانوني مودې په ترڅ کې له یاد شوي حق څخه گټه نه اخیستل.

۲ - د نقص منل پر هغه باندې له خبرېدو وروسته.

۳ - د مالونو له منځه وړل، ویجاړول یا زیانمنول په هغه کې په عیب باندې له خبرېدو د منځه.

۴ - د مالونو پلورل یا پرېښودل په هغه کې په نقص باندې له خبرېدو وروسته.

ضمني ضمانتونه

یوسلو دوه یمه ماده:

لاندې ضمنی ضمانتونه، د پلورنې د قراردادونو جزء گڼل کېږي. ددې قانون په یوسلو اتمه ماده کې درج شوي حالات لدې حکم څخه مستثنی دي:

۱ - د پلورونکي ژمنه پدې اړه چې

۲ - اموال ناقص را متصرف و جبران خساره ناشی از کاهش در ارزش اموال را از فروشنده دریافت نماید، مشروط بر اینکه رد شی بدون مداخلت وی ناممکن گردیده باشد.

(۵) حق رد اموال ناقص، در یکی از حالات ذیل ساقط می گردد:

۱ - عدم استفاده از حق متذکره در خلال مدت قانونی .

۲ - پذیرفتن نقص بعد از وقوف به آن.

۳ - تلف، تخریب یا خساره مندرج ساختن اموال قبل از وقوف به عیب در آن.

۴ - فروش یا واگذاری اموال بعد از وقوف به نقص در آن.

ضمانت های ضمنی

ماده یکصد و دوم:

ضمانت های ضمنی ذیل، جزء قرارداد های فروش محسوب می گردد. حالات مندرج ماده یکصد و هشتم این قانون از این حکم مستثنی می باشد:

۱ - تعهد فروشنده مبنی بر اینکه جنس

فروخته شده، از هرگونه ادعای مالکانه شخص ثالث، حق تصرف و رهن یا تضمین عاری می باشد، مگر اینکه قبل از انعقاد قرارداد صریحاً یا کتباً به خریدار برملا گردیده باشد. هرگاه شرایط خاصی وجود داشته باشد تا به اساس آن خریدار اطمینان حاصل نماید که فروشنده شخصاً ادعای مالکیت را نداشته و یا قصد دارد صرف همان قسمتی از حق یا استحقاقی را بفروش رساند که از خود او یا شخص ثالث می باشد.

۲- ضمانت فروشنده (که تاجر باشد) مبنی بر اینکه مالی را که می فروشد، قابل عرضه به بازار بوده و دارای اوصاف ذیل باشد:

- در تجارت و خرید و فروش، مطابق مندرجات قرارداد و بدون اعتراض مورد قبول قرار گرفته بتواند.

- در صورتی که اموال، مثلی یا قابل تعویض باشد، مطابق مندرجات قرارداد از کیفیت متوسط برخوردار باشد.

پلورل شوی جنس، د ثالث شخص د تصرف او رهن یا تضمین د حق له هر ډول مالکانه ادعاء څخه خلاص دی، خو دا چې د قرارداد له عقد څخه دمخه صریحاً یا کتباً پېرودونکي ته څرگنده شوې وي. که چېرې خاص شرایط وجود ولري ترڅو د هغو پر بنسټ پېرودونکی ډاډ ترلاسه کړي چې پلورونکی شخصاً د مالکیت ادعا نلری یا نیت لري یوازې د حق یا استحقاق هغه برخه و پلوري چې پخپله دده یا د ثالث شخص ده.

۲- د پلورونکي (چې سوداگري) ضمانت پدې اړه چې هغه مال چې پلوري يې بازار ته د وړاندې کولو وړ دی او د لاندې صفتونو لرونکی وي:

- په سوداگري او پېر او پلورکې، د قرارداد د مندرجاتو مطابق او له اعتراض پرته د منلو وړ وگرځي.

- په هغه صورت کې چې مالونه، مثلي یا د بدلېدو وړ وي، د قرارداد د مندرجاتو مطابق، له متوسط کیفیت څخه برخمن وي.

- د عادي مقصدونو لپاره چې له دغه ډول مالونو څخه کار اخيستل کېږي، مناسب وي.
- په قرارداد کې له مجوزو تغييرمنلو سره په مطابقت کې هر واحد او په مجموع کې ټول واحدونه د ثابت نوعيت ډول، خاصيت او کميت لرونکي وي.
- په قرارداد کې د درج شوو شرايطو مطابق بسته بندي او علامه گذاري (په نښه) شوي وي.
- له هغو ژمنو او تضمینونو سره چې د کانتینر يا لېبل پرمخ لیدل کېږي، مطابقت ولري.
- ۳- که چېرې پلورونکی د قرارداد د عقد په وخت کې، مالونو ته د اړتیا لپاره د پېرودونکي په خاص مقصد وپوهېږي او پېرودونکی د مناسبو مالونو په غوره کولو او برابرولو کې د پلورونکي پر مهارت او تشخیص باندې اتکاء وکړي، پرته لدې چې په قرارداد کې استثني يا بدلون رامنځ ته شي، هغه ضمني ضمانت منځ ته راځي چې پخپله هغه مقصد دی.
- ۴- نورې هغه ضمني ژمنې چې د معاملي
- برای مقاصد عادی که از این نوع اموال کارگرفته می شود، مناسب باشد.
- در مطابقت با تغییر پذیری های مجوز در قرارداد، هر واحد و در مجموع کلیه واحد ها دارای، نوعیت، خاصیت و کمیت ثابت باشد.
- مطابق شرایط مند رج قرارداد بسته بندی و علامه گذاری شده باشد.
- با تعهدات و تضمیناتی که روی کانتینر یا لیبیل به مشاهده می رسد، مطابقت داشته باشد.
- ۳- هرگاه فروشنده حین عقد قرارداد، مقصد به خصوص خریدار را جهت ضرورت به اموال بداند و خریدار بالای مهارت و تشخیص فروشنده درانتخاب و تهیه اموال مناسب اتکا نماید، جز آنکه استثناء یا تغییری در قرارداد رونما گردد، ضمانت ضمني بوجود می آید که خود همان مقصد می باشد.
- ۴- سایر تعهدات ضمني که از مناسبات

د اړخونو له تېرو مناسباتو او سوداگريز عرف څخه راپيدا شي، خو دا چې له هغو څخه انصراف صورت ومومي يا پکې بدلونونه رامنځ ته شي.

د ضمني ضمانتونو انصراف

يوسلو درېيمه ماده:

(۱) اړخونه کولی شي د پلورنې په قرارداد کې ددې قانون د يوسلو دوه يمي مادې په (۲) جزء کې د درج شوو ضمني ضمانتونو د يوه يا ټولو په حذف يا نه شمول باندې توافق وکړي. د دې قانون د يوسلو درېيمې مادې په (۲) جزء کې د درج شوې ژمنې يا تضمينونو په انصراف يا نه شمول باندې موافقه، ددې مادې د (۲) فقرې له په پام کې نيولو سره باطله ده، خو دا چې:

۱ - توافق ليکلی وي.

۲ - د توافق ليکل پداسې ډول او ترتيب سره وي ترڅو هغه شخص ته چې له دغه ډول معاملو سره سر اوکار لري، په اسانۍ سره دپوهېدو وړ وي.

۳ - توافق په کافي حد کې څرگندوي ترڅو د پېرودونکي څيرتيا (دقت) په

گذشته طرفين معامله و عرف تجارت ناشی شده بتواند، مگر آنکه از آنها انصراف صورت گيرد يا تغييراتی در آنها بوجود آيد.

انصراف ضمانت های ضمني

ماده يكصد وسوم:

(۱) طرفين می توانند در قرارداد فروش به حذف يا عدم شمول يك يا كليہ ضمانت های ضمني مندرج جزء (۲) ماده يكصد ودوم اين قانون، توافق نمایند. موافقت به انصراف يا عدم شمول تعهد يا تضمين مندرج جزء (۲) ماده يكصد وسوم اين قانون با نظر داشت فقره (۲) اين ماده باطل می باشد، مگر اينکه:

۱ - توافق کتبي باشد.

۲ - تحرير توافق به شکل و ترتيبی باشد تا برای شخصی که با چنين معاملات سروکار دارد، به سهولت قابل فهم باشد.

۳ - توافق به حد کافي واضح باشد تا دقت خريدار را با الفاظ استثنایی

- خپلواستثنایي الفاظو سره جلب کړي. خود جلب کند.
- ۴ - توافق د پېرودونکي لخوا لاسلیک شوی وي. ۴ - توافق توسط خریدار امضاء شده باشد.
- (۲) د (هغسې چې دی)، (له ټولو نواقصو سره سره) الفاظو یا نورو الفاظو په یادولو او شتون سره چې په ساده مفهوم د ضمني ضمانتونو حذف ته د پېرودونکي پام اړوي او ددغه شان ضمانتونو نه شتون څرگندوي، د ضمني ضمانتونو د حذف باعث ګرځي، خو دا چې شرایط بل ډول ایجاب کړي.
- (۳) په هغه صورت کې چې پېرودونکی، د قرارداد له عقد څخه د مخه، مالونه، نمونه یا مودل هغسې چې غوښتي یې وي، کلاً وړیني یا یې له کتنې څخه ډډه کړې وي، په دې صورت کې ضمني ضمانت دهغو نواقصو لپاره چې باید د کتنې په وخت کې ښکاره شوي وای، منتفی کېږي.
- (۴) ضمني ضمانت د معاملې د اړخونو د تېرو مناسباتو، د ژمنې د سرته رسولو د تگلارې یا سوداګریز عرف مطابق د تعدیل یا حذف وړ دی.
- (۲) ذکر و موجودیت الفاظی مانند (طور که است)، (باهمه نواقص) یا سایر الفاظی که در مفهوم عامیانه توجه خریدار را به حذف ضمانت های ضمني جلب وعدم موجودیت این ضمانت ها را واضح می سازد، باعث حذف ضمانت های ضمني می گردد، مگر اینکه شرایط طور دیگری ایجاب کند.
- (۳) در صورتی که خریدار قبل از عقد قرارداد، اموال، نمونه یا مودل را طوریکه می خواسته، کلاً معاینه یا از معاینه آن ها خود داری نموده باشد، در این صورت ضمانت ضمني برای نواقصی که می باید حین معاینه آشکار می شد، منتفی می گردد.
- (۴) ضمانت ضمني بر طبق مناسبات گذشته طرفین معامله، روش ایفای تعهد یا عرف تجارتي قابل تعدیل یا حذف می باشد.

صریح ضمانتونه

یوسلوڅلورمه ماده:

(۱) صریح ضمانتونه د پلورونکي په واسطه په لاندې توگه منځ ته راځي:

۱- د پلورونکي لخوا پېرودونکي ته هر ډول څرگندونه یا ژمنه چې په مالونو پورې تړاو لري او دمعاملې بنسټیز جزء جوړوي، پدې صورت کې صریح ضمانت، له قول او ژمنې سره دمالونو مطابقت منځ ته راوړي.

۲- هره نمونه او مودل چې دمعاملې بنسټیز جزء جوړکړي، پدې اړه چې ټول مالونه د نمونې او مودل مطابق دي، صریح ضمانت منځته راوړي.

(۲) د صریح ضمانت د منځ ته راوړلو لپاره، اړینه نده، پلورونکي د (ژمنې)، (گرانتي) په شان رسمي لفظونه یا دا چې هغه خاص نیت لري ترڅو تضمین ورکړي او وپې کاروي. خو هغه څرگندونه چې یوازې د مالونو ارزښت ته انعکاس ورکړي یا هغه بیان چې فقط د مالونو په برخه کې د پلورونکي نظر یا سپارښت وښيي، صریح ضمانت منځ ته نه راوړي.

ضمانت های صریح

ماده یکصد و چهارم:

(۱) ضمانت های صریح توسط فروشنده قرار ذیل به وجود می آید:

۱- هر نوع اظهار یا تعهد از جانب فروشنده به خریدار که مربوط به اموال بوده و جزء اساسی معامله را تشکیل می دهد، در این صورت ضمانت صریح، مطابقت اموال با قول و تعهد را بوجود می آورد.

۲- هر نمونه و مودلی که جزء اساسی معامله را تشکیل بدهد، ضمانت صریح را مبنی براینکه تمام اموال مطابق نمونه و مودل می باشد، بوجود می آورد.

(۲) برای ایجاد ضمانت صریح ضرور نیست، فروشنده الفاظ رسمی از قبیل (تعهد)، (گرانتي) یا اینکه وی قصد به خصوص دارد تا تضمین بدهد و به کار ببرد. مگر اظهاری که صرفاً ارزش اموال را انعکاس دهد یا بیانی که فقط نظر یا سفارش فروشنده را در قسمت اموال وانمود سازد، ضمانت صریح را بوجود نمی آورد.

د نمونې مطابق پلورل

يوسلو پنځمه ماده:

(۱) که چېرې نمونه يا مودل د معاملي بنسټيز جزء جوړکړي، اړخونه هغه مهر کوي او دهغه مطابق کيفيت ثبیتوي. پدې صورت کې پلورونکی صریحاً له نمونې او مشخصاتو سره د پلورل شوو مالونو د مجموع له مطابقت څخه، ضمانت کوي.

(۲) که چېرې نمونه يا مودل د داسې پټ عیب لرونکی وي چې پېرودونکی د قرارداد د عقد په وخت کې له هغه څخه خبر نشي، مع الوصف (لدې سرسره)، هغه مال چې د پلورونکي لخوا تحویل ورکول کېږي، باید د ورته مال د عادي کيفيت له معيار (ستندرد) سره مطابقت ولري. د هغو مالونو تحویلول چې د ناقصې نمونې مطابق صورت مومي، د پلورونکي د ژمنو سرته رسول نشي گڼل کېدی.

فروش مطابق نمونه

ماده یکصد و پنجم:

(۱) هرگاه نمونه یا مودل جزء اساسی معامله را تشکیل دهد، طرفین آنرا مهر نموده و مطابق آن کیفیت را تثبیت می نمایند. در این صورت فروشنده صریحاً از مطابقت مجموع اموال فروخته شده با نمونه و مشخصات، تضمین می نماید.

(۲) هرگاه نمونه یا مودل دارای چنان عیب مخفی باشد که خریدار در وقت عقد قرار داد از آن مطلع نگردد، مع الوصف، مالی که از طرف فروشنده تحویل داده می شود، باید با معيار (ستندرد) کيفيت عادي مال مشابه، مطابقت داشته باشد. تحویلدهی اموالیکه مطابق نمونه ناقص صورت می گیرد، ایفای تعهدات فروشنده تلقی شده نمی تواند.

ديار لسم فصل

دمالونو د مالکيت لېږدول

د مالکيت لېږدول

يوسلو شپږمه ماده:

(۱) د مال مالکيت د هغه له تحويلولو سره په يوه وخت لېږدول کېږي، خو دا چې اړخونو پرته له دې توافق کړی وي يا په قانون کې په بل ډول تصريح شوي وي.

(۲) اړخونه کولی شي د پلورنې په قرارداد کې، په مؤجل ثمن داسې موافقه وکړي چې پلورونکی د مال مالکيت تر هغه وخته ساتلی شي چې پېرودونکی د هغه بيه ورکړي يا خپلې نورې ژمنې سرته ورسوي.

د ترلاسه شوو ثمرو يا عايداتو

مالکيت

يوسلو اوومه ماده:

که چېرې د پلورل شوي مال ثمرې يا عايدات له تحويل ورکولو دمخه ترلاسه شي، په پلورونکي او په هغه صورت کې چې له تحويلولو وروسته لاسته راشي، په

فصل سيزدهم

انتقال مالکيت اموال

انتقال مالکيت

ماده يکصد و ششم:

(۱) مالکيت مال همزمان با تحويلدهی آن انتقال می يابد، مگر اینکه طرفين بغير از آن توافق يک — ا در قانون طور ديگری تصريح شده باشد.

(۲) طرفين می توانند در قرارداد فروش به ثمن مؤجل طوری موافقه نمايند که فروشنده، مالکيت مال را تا وقتی حفظ کرده می تواند که خريدار قيمت آن را تأديه و يا ساير تعهدات خویش را ايفا کند.

مالکيت ثمرات يا عايدات

حاصله

ماده يکصد وهفتم:

هرگاه ثمرات يا عايدات مال فروخته شده قبل از تحويل دهی حاصل گردد، به فروشنده و در صورتی که بعد از تحويل دهی بدست آيد، به خريدار

پېرودونکي پورې اړه مومي.

متعلقات او فرعي شيان

يوسلو اتمه ماده:

د مال په پلورنه کې د پلورل شوي مال هغه متعلقات شاملېږي چې له هغه سره ضميمه، وصل يا دکتې اخيستنې په غرض په دايمي توگه په هغه کې ځای پرځای يا عرف ته په کتو سره د پلورل شوي مال له ضميمو څخه وکښل شي، که څه هم چې په قرارداد کې تصريح شوي نه وي.

د پلورل شوي مال تحويلول د دغو متعلقاتو د مالکيت د لېږدېدو موجب کېږي، خو دا چې په بل ډول موافقه شوې وي.

د ځمکې د پلورنې او دهغې د

ملحقاتو ساحه

يوسلو نهمه ماده:

(۱) د ودانيو د پلورنې په قرارداد کې د ځمکې هغه ساحه شاملېږي چې ودانۍ د هغې د پاسه ولاړې وي.

(۲) د ځمکې د پلورنې په قرارداد کې هغه ودانۍ اوونې شاملې دي چې د هغې

تعلق می گیرد.

متعلقات و اشیای فرعی

ماده یکصد و هشتم:

فروش مال، شامل متعلقات مال فروخته شده می گردد که به آن ضمیمه، وصل یا غرض استفاده به شکل دائمی در آن جاسازی و یا نظریه عرف از ضمایم مال فروخته شده محسوب گردد، گرچه در قرارداد تصریح نشده باشد.

تحويلدهی مال فروخته شده، موجب انتقال مالکیت این متعلقات می گردد، مگر اینکه طور دیگری موافقه شده باشد.

ساحه فروش زمین و ملحقات

آن

ماده یکصد ونهم:

(۱) قرار داد فروش عمارات شامل ساحه زمینی می گردد که عمارات بالای آن قرار دارند.

(۲) قرار داد فروش زمین، شامل عمارات و درخت های می گردد که در

پرمخ ولاړې دي.

روی آن قرار دارند.

(۳) د ودانۍ د پلورنې په قرارداد کې د هغې ملحقات شاملې دي، نه منقول مالونه.

(۳) قرار داد فروش عمارت شامل ملحقات آن می باشد، نه اموال منقول.

(۴) د ځمکې د پلورنې په قرارداد کې هغه نباتات شامل دي چې پکې زرغون شوي دي.

(۴) قرارداد فروش زمین، شامل نباتاتی می باشد که در آن رویده است.

(۵) ددې مادې په (۱، ۲، ۳ او ۴) فقرو کې درج شوي حکمونه په هغه صورت کې تطبیقېږي چې په بل ډول موافقه شوې نه وي.

(۵) احکام مندرج فقره های (۱، ۲، ۳ و ۴) این ماده در صورتی تطبیق می گردد که مورد دیگری موافقه نشده باشد.

د حاصلاتو پلورل

یوسلو لسمه ماده:

د راټولولو وړ حاصلاتو د پلورنې په قرارداد کې د هماغه کال د دوه یم کښت حاصلات نه شاملېږي، خو دا چې په بل ډول موافقه شوې وي.

فروش حاصلات

ماده یکصد ودهم:

قرارداد فروش حاصلات قابل جمع آوری، شامل حاصلات کشت دوم همان سال نمی باشد، مگر اینکه طور دیگری موافقه شده باشد.

وزن

یوسلو یوولسمه ماده:

که چېرې د مال د پلورنې په قرارداد کې بیه، دوزن پر بنسټ و سنجول شي، خالص وزن په پام کې نیول کېږي، خو دا چې منځینۍ موافقې په بل ډول صورت

وزن

ماده یکصد و یازدهم:

هرگاه در قرارداد فروش مال، قیمت به اساس وزن سنجش گردد، وزن خالص مد نظر گرفته می شود مگر اینکه موافقه قبلی طور دیگری صورت گرفته

موندلی وي يا بي عرف بل ډول ايجاب کړي.

يا عرف طوردیگری ايجاب نماید.

خوارلسم فصل

د مالونو د زیان خطرونه

د قرارداد له نقض پرته د زیانونو

خطر

یوسلو دوولسمه ماده:

(۱) پلورل شوي مال ته د تاوان يا زیانونو خطر، له تحویلولو د مخه د پلورونکي په غاړه او له تسلیمي وروسته د پېرودونکي په غاړه دی، خو دا چې پدې قانون يا قرارداد کې بل ډول تصریح شوي وي.

(۲) که چېرې پلورونکي د پېرودونکي په غوښتنه، پلورل شوی مال پرته له هغه ځایه چې په قرارداد کې یا د شوی دی، واستوي، په هغه صورت کې د تاوان او زیان خطر هغه لوري ته چې د هغه حمل او نقل په غاړه اخلي، د مال د تسلیمولو له وخته د پېرودونکي په غاړه دی، خو دا چې په بل ډول موافقه شوې وي.

(۳) که چېرې پلورل شوی مال پرته لدې

فصل چهاردهم

خطر خسارات اموال

خطر خسارات بدون نقض

قرارداد

ماده یکصد ودوازدهم:

(۱) خطر زیان يا خسارات به مال فروخته شده، قبل از تحویلدهی به عهده فروشنده، و بعد از تسلیمی به عهده خریدار می باشد، مگر اینکه در این قانون و یا قرار داد طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) هرگاه فروشنده به تقاضای خریدار، مال فروخته شده را به غیر از مکانی که در قرارداد ذکر گردیده، ارسال نماید، در آن صورت خطر زیان و خسارت از زمان تسلیم دهی مال به جانی که حمل و نقل آنرا عهده دار می گردد، به عهده خریدار می باشد، مگر اینکه طور دیگری موافقت شده باشد.

(۳) هرگاه مال فروخته شده

بدون آنکه انتقال گردد، به منظور انتقال و تحويلدهی نزد شخص امین نگهداری شود، در آن صورت خطر خسارت با تحقق حالات ذیل متوجه خریدار می گردد:

۱- دریافت سند مالکیت توسط خریدار که حاوی مال فروخته شده می باشد.

۲- تصدیق شخص امین از حق تصرف و مالکیت خریدار در مال فروخته شده.

(۴) احکام این ماده با رعایت توافقات که طور دیگری بین طرفین صورت گرفته باشد و احکام مواد چهارم، نود و پنجم، یکصد و هفتم، یکصد و هشتم، یکصد و نهم و فقره (۸) ماده یکصد و بیست و نهم این قانون، قابل تطبیق می باشد.

تاثیر نقض قرارداد بر خطر وارد شدن خساره

ماده یکصد و سیزدهم:

(۱) هرگاه تحويلدهی مال توسط فروشنده تا آن حدی مغایر قرارداد

چې ولېرېډېږي، دلېرېډېډو او تحويلولو په منظور له امین شخص سره وساتل شي، په هغه صورت کې دزیان خطر دلاندې حالاتو په پلي کېدو سره پېرودونکي ته متوجه کېږي:

۱- د پېرودونکي په واسطه د مالکیت د سند ترلاسه کول چې د پلورل شوي مال لرونکی دی.

۲- په پلورل شوي مال کې د پېرودونکي د تصرف او مالکیت له حق څخه د امین شخص تصدیقول.

(۴) ددې مادې حکمونه د هغو توافقاتو له په پام کې نیولو سره چې په بل ډول یې د اړخونو ترمنځ صورت موندلی وي او ددې قانون د څلورېننمې، پنځه نوي يمې، یوسلو اوومې، یو سلواتمې، یوسلو لسمې او د یو سلو نهه ویشتمې مادې د (۸) فقرې حکمونه د تطبیق وړ دي.

د زیان د اووښتو پر خطر باندي د قرارداد د نقض اغېزه

یوسلو ديارلسمه ماده:

(۱) که چېرې د پلورونکي په واسطه د مال تحويلول تر هغه حده د قرارداد

مغایروي چې د پېرودونکي لخوا د معاملې د ردولو موجب شي، په دې صورت کې د زیان خطر تر هغه وخته د پلورونکي په غاړه دی چې هغه جبران یا ومني.

(۲) که چېرې پېرودونکي، مال قانوناً رد یا یې له منلو څخه ډډه وکړي، کولی شي په بیمه لیک کې له تامين شوو کسراتو سره متناسب، د اووښتي زیان خطر له هماغه پیل څخه د پلورونکي په غاړه کېږدي.

(۳) که چېرې پېرودونکي دمخه تردې چې د زیان خطر په غاړه واخلي، هغه مال چې د پلورنې د قرارداد له موادو سره مطابقت لري او د مخه په نوموړي قرارداد کې مشخص شوی دی، رد یا قرارداد نقض کړي، پلورونکي کولی شي په بیمه لیک کې له ټاکلو شوو کسراتو سره متناسب، د زیان خطر د هغې مودې په ترڅ کې چې د سوداګرۍ له لحاظه مناسب وي، د پېرودونکي پر غاړه کېږدي.

باشد که موجب رد نمودن معامله از طرف خریدار گردد، در این صورت خطر خساره تا زمانی به عهده فروشنده می باشد که آنرا جبران یا بپذیرد.

(۲) هرگاه خریدار، مال را قانوناً رد و یا از قبول آن امتناع ورزد، می تواند متناسب با کسرات تامين شده در بیمه نامه، خطر خساره عایده را از همان آغاز به عهده فروشنده بگذارد.

(۳) هرگاه خریدار قبل از آنکه عهده دار خطر خسارت گردد، مالی را که با مواد قرارداد فروش مطابقت و قبلاً در قرارداد مذکور مشخص گردیده، رد یا قرارداد را نقض نماید، فروشنده می تواند متناسب با کسرات تعیین شده در بیمه نامه، خطر خساره را در خلال مدتی که از لحاظ تجارت مناسب باشد، بدوش خریدار بگذارد.

خطر لېږدېدل

یوسلوڅوارلسمه ماده:

په قرارداد کې شامل په پلورل شوي مال پورې د اړوندو سندونو او موادو په تحویلولو کې د پلورونکي نه بریالیتوب، د زیان د خطر پر لېږد یا د نوموړي مال پر ضایع کېدو باندې اغېزه نلري، پدې شرط چې پلورل شوی مال په صحیحه توګه پېرودونکي ته تحویل شي.

د خطر د منلو با وجود د جبران حق

یوسلو پنځلسمه ماده:

د پېرودونکي لخوا د قرارداد د موضوع په اړه د زیان یا تاوان د خطر منل، د قرارداد په شرایطو کې ددرج شوې ژمنې د سرته رسولو لپاره له پلورونکي څخه په غوښتنه کې د هغه حق، نه اغېزمنوي.

اسناد

ماده یکصد وچهاردهم:

عدم موفقیت فروشنده در تحویلدهی اسناد و مواد مربوط به مال فروخته شده شامل قرارداد، تأثیری بالای انتقال خطر خساره و یا ضیاع مال مذکور ندارد، مشروط بر اینکه مال فروخته شده به طور صحیح به خریدار تحویل داده شود.

حق جبران با وجود قبول خطر

ماده یکصد وپانزدهم:

قبول خطر خساره یا زیان در رابطه به موضوع قرارداد از طرف خریدار، حق ویرا در مطالبه از فروشنده برای ایفای تعهد مندرج شرایط قرارداد، متاثر نمی سازد.

پنځلسم فصل

د ژمني سرته رسول، نقض

او د زيان جبران

د پېرودونکي په افلاس د خبرېدو پهترڅ کې د پلورونکي د زيان جبران

يوسلوشپاړسمه ماده:

(۱) که چېرې پلورونکي د پېرودونکي د افلاس په هکله خبرتيا ومومي، کولی شي د ټول يا باقي پاتې پلورل شوي مال له تحويلولو څخه، د نوموړي مال د ټولې بېي له ترلاسه کولو د مخه، ډډه وکړي او تحويلول ودروي.

(۲) که چېرې پلورونکي وپوهېږي چې پېرودونکي، مالونه د مفلسۍ په حال کې، په پور ترلاسه کړيدي، کولی شي، دهغو له رسېدو وروسته د لس ورځو په ترڅ کې د مالونو داسترداد غوښتنه وکړي او بېرته ئې واخلي، خو په هغه صورت کې چې له مفلسۍ څخه يې پلورونکي ته له تحويلولو دمخه د دريو مياشتو په ترڅ کې په ليکلې توگه ناسم خبر ورکړی وي، پدې صورت کې د مالونو استرداد د لسو ورځو په موده

فصل پانزدهم

ايفاي تعهد، نقض و جبران

خساره

جبران خساره فروشنده حين آگاهيبه افلاس خريدار

ماده يکصدو شانزدهم:

(۱) هرگاه فروشنده درمورد افلاس خريدار آگاهی يابد، می تواند از تحويلدهی تمام يا قسمت باقیمانده مال فروخته شده، قبل از حصول تمام قيمت مال مذکور امتناع ورزيده و تحويلدهی را متوقف سازد.

(۲) هرگاه فروشنده دريابد که خريدار، اموال را در حال ورشکست (افلاس) به طور نسيه دريافت نموده است، می تواند استرداد اموال را در خلال ده روز بعد از وصول آن، تقاضا و آنرا واپس بگيرد، اما در صورتی که از افلاس به فروشنده در خلال سه ماه قبل از تحويلدهی کتباً اطلاع نادرست داده باشد، در اين صورت استرداد اموال

در ميعاد ده روز قابل تطبيق نيمى باشد،
فروشنده نيمى تواند استرداد اموال را
بر اساس اطلاع كذب يا گزارش نادرست
غير عمدى مبنى بر افلاس خريدار و يا
تصميم وى براى پرداخت مطالبه نمايد.
(۳) حق فروشنده براى اعاده
اموال صحيح و سالم مندرج فقره دوم
اين ماده، تابع حقوق خريدار ثالث
در عرف معمول تجارت و يا خريدار
ديگداراى حسن نيت مى باشد. اعاده
صحيح و سالم اموال، ساير جبران
خسارات مربوط به آن را منتفى
مى سازد.

جبران خسارات كلي فروشنده

ماده يكصد و هفدهم:

هرگاه خريدار اموال را بصورت
غير قانونى رد و پول قيمت اموال
را در موقع آن پرداخته نتواند و يا قرارداد
را قسماً يا كلاً تكذيب نمايد، فروشنده
مى تواند حسب احوال ذيلا عمل
نمايد:

۱ - از تحويلدهى مال خود دارى
ورزد.

كې د تطبيق وړندى، پلورونكى نشي
كولى د مالونو استرداد د پېرودونكى
د افلاس په اړه د دروغجنې (كذب) خبرتيا
يا غير عمدى ناسم رپوټ يا د وركړې
لپاره دهغه د تصميم پر بنسټ، وغواړي.
(۳) د دې مادې په دوه يمه فقره كې د
مالونو د صحيح او سالم استرداد لپاره د
پلورونكى حق، د سوداگرۍ په معمول
عرف كې د ثالث پېرودونكى يا د نېك
نيت لرونكى بل پېرودونكى د حقوقو تابع
دى. د مالونو صحيحه او سالمه اعاده په
هغو پورې د نورو اړوندو زيانونو جبران
منتفى كوي.

د پلورونكى د كلي زيانونو جبران

يوسلو اووه لسمه ماده:

كه چېرې پېرودونكى مالونه په غير قانوني
توگه رد او د مالونو د بېي پيسې پر خپل
وخت ورنكړاى شي يا قرارداد كلاً يا
قسماً تكذيب كړي، پلورونكى كولى شي
له احوالو سره سم په لاندې توگه عمل
وكړي:

۱ - د مال له تحويلولو څخه ډډه
وكړي.

- ۲ - د حمل او نقل د وسيلې په واسطه د مال تحويلول ودروي. مال تحويلول ودروي.
- ۳ - مال بيا وپلوري او ددې قانون د يوسلو اتلسمې مادې مطابق اووښتی زیان ترلاسه کړي.
- ۴ - له نه منلو څخه راپيدا شوي زیانونه ددې قانون د يوسلو نولسمې مادې د حکم مطابق يا د اقتضاء په صورت کې، عادلانه بيه ددې قانون د يوسلو نولسمې مادې د حکم مطابق ترلاسه کړي.
- ۵ - معامله فسخ کړي.
- د پلورونکي په واسطه بيا پلورنه
يوسلو اتلسمه ماده:
- ۲ - تحويلدهی مال توسط وسیله حمل و نقل را توقف دهد.
- ۳ - مال را دوباره بفروشد و مطابق حکم ماده یکصد و هجدهم این قانون خساره وارده را دریافت نماید.
- ۴ - خسارات ناشی از عدم قبول را طبق حکم ماده یکصد و نهم این قانون یا در صورت اقتضا، قیمت عادلانه را طبق حکم ماده یکصد و نهم این قانون دریافت نماید.
- ۵ - معامله را فسخ نماید.
- فروش مجدد توسط فروشنده
ماده یکصد و هجدهم:

- (۱) پلورونکی کولی شي ددې قانون په يوسلو اوولسمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق، اړوند مالونه يا د مالونو نه تحويل شوي برخه بيا وپلوري. په هغه صورت کې چې بيا پلورنه په نېک نيت او په سوداگريزه مناسبه توگه صورت ومومي، پلورونکی کولی شي د بيا پلورنې د بېي اوپه قرارداد کې د درج شوي بېي ترمنځ له تفاوت څخه راپيدا شوي زیانونه ددې قانون په يوسلو دوه ويشتمه ماده کې
- (۱) فروشنده می تواند مطابق حکم مندرج ماده یکصد و هجدهم این قانون اموال مربوط و یا قسمت تحويل نشده اموال را مجدداً بفروش برساند. در صورتی که فروش مجدد با حسن نیت و به شیوه مناسب تجارتي صورت گیرد، فروشنده می تواند خسارت ناشی از تفاوت بین قیمت فروش مجدد و قیمت مندرج قرارداد را همراه با خسارات فرعی پیشبینی شده در ماده یکصد

ويست ودوم اين قانون، با وضع مصارفي که در نتیجه نقض قرار داد توسط خريدار، صرفه جویی شده است، دريافت نمايد.

(۲) فروش مجدد با یکی از شرايط ذيل عملي شده می تواند:

۱- به محض عام يا طور خصوصي بشمول فروش از طريق یک يا بیشتر از یک قرارداد به منظور فروش و يا عميل قرارداد موجود ديگر نزد فروشنده، مگر اينکه طرفين طور ديگری موافقه نموده باشند.

۲- به حيث یک واحد و پارسل ها و در هر جای و محل و تحت هر نوع شرايط، فروش مجدد بشمول شیوه، روش، زمان، محل و شرايط می بايد از لحاظ اصول تجارتي مناسب باشد.

فروش مجدد بايد با در نظر داشت قرارداد نقض شده مشخص گردد، مگر حتمي نيست که اموال جنساً موجود يا یک قسمت يا تمام آنها قبل از نقض قرارداد مشخص شده باشد.

(۳) هرگاه فروش مجدد بطور خصوصي

له اټکل شوو فرعي زيانونو سره يو ځای د هغو لگښتونو په وضع کولو سره چې د پېرودونکي په واسطه د قرارداد د نقض په پایله کې سپمول شويدي، ترلاسه کړي.

(۲) بيا پلورنه په يوه له لاندې شرايطونو سره عملي کېدی شي:

۱- د پلورونکي په وړاندې د پلورنې يا د بل موجود قرارداد د عميل په منظور د يوه يا له يوه څخه د زياتو قراردادونو له لارې د پلورنې په شمول په عام محضر کې يا په خصوصي توگه، خو دا چې اړخونو په بل ډول موافقه کړې وي.

۲- د يوه واحد او پارسلونو په توگه او په هرځای اوسيمه کې او تر هر ډول شرايطو لاندې، بيا پلورنه د ډول، تگلارې، وخت، ځای او شرايطو په شمول د سوداگريزو اصولو له لحاظه بايد مناسبه وي.

بيا پلورنه بايد د نقض شوي قرارداد له په پام کې نيولو سره مشخصه شي، خو حتمي نده چې مالونه جنساً موجود يا دهغو يوه برخه يا ټول د قرارداد له نقض څخه د منځه مشخص شوي وي.

(۳) که چېرې بيا پلورنه په خصوصي

باشد، فروشنده بايد به خريدار اطلاعیه مناسب مبنی بر قصد فروش را بدهد.

(۴) هرگاه فروش مجدد در محضر عام باشد، بايد در بازاری یا محلی صورت گیرد که به همین منظور تعیین شده است. فروشنده بايد با اطلاعیه مناسب، خريدار را در مورد زمان و محل فروش مجدد آگاهی دهد. اموالی که خطر سقوط قيمت در اسرع وقت متوجه آن می باشد، از این حکم مستثنی است. هرگاه اموال دور از ساحه دید کسانی که به منظور بازديد از آن می آیند، قرار داشته باشد، اطلاعیه فروش بايد حاوی ذکر محلی باشد که در آنجا اموال مذکور قراردادده می شود وهم این اطلاعیه بايد زمينه بازديد از اموال برای داوطلبان را مساعد سازد. فروشنده نیز می تواند به جمع خريداران بپیوندد.

(۵) خريداري که در فروش مجدد با حُسن نیت به خريد مال می پردازد، حتی اگر فروشنده مطابق شرط یا شرایط این

توگه وي، پلورونکی بايد پيرونکی ته د پلورني د نیت په اړه مناسبه خبرتيا ورکړي.

(۴) که چېرې بيا پلورنه په عام محضر کې وي، بايد پداسې بازار يا ځای کې صورت ومومي چې د همدې منظور لپاره ټاکل شوی دی. پلورونکی بايد په مناسبې خبرتيا سره، پيرونکی ته د بيا پلورني د وخت او ځای په هکله خبر ورکړي. هغه مالونه چې هغو ته په لنډ وخت کې د بېي د سقوط خطر متوجه وي، لدې حکم څخه مستثنی دي. که چېرې مالونه دهغو کسانو دليدلو له ساحې څخه چې دهغو دکتلو لپاره راځي، لرې قرار ولري، دپلورني خبرتيا بايد دهغه ځای دپادوني لرونکې وي چې مالونه هلته اېښودل کېږي او هم دغه خبرتيا بايد داوطلبانو ته دمالونو دليدلو زمينه برابره کړي. پلورونکی هم کولی شي دپيرونکو له ډلې سره يوځای شي.

(۵) هغه پيرونکی چې په نېک نیت سره په بيا پلورنه کې د مال په پيرونه لاس پورې کوي، حتی که چېرې پلورونکی

ماده عمل هم نکند، می تواند بدون آنکه خریدار اولی در آن حقوقی داشته باشد، اموال را متصرف گردد.

(۶) خریدار در مفادیکه، فروشنده از فروش مجدد به دست می آورد، ذیحق شده نمی تواند.

خسارات فروشنده از لحاظ عدم

قبول یا رد

ماده یکصد و نهم:

(۱) اندازه خسارات بنا بر عدم قبول یا رد به وسیله خریدار با رعایت حکم فقره (۲) این ماده عبارت از تفاوت بین قیمت بازار در زمان و محل تحویلدهی و قیمت پرداخت نشده قرارداد همراه با خسارات فرعی مندرج ماده یکصد و بیست و یکم این قانون با وضع مصارفی که در نتیجه نقض قرارداد توسط خریدار، صرفه جویی شده است، می باشد.

(۲) هرگاه اندازه وجه الخساره مندرج فقره (۱) این ماده به حدی نا کافی باشد

ددې مادې د شرط يا شرايطو مطابق عمل هم ونکړي، کولی شي پرته لدې چې لومړی پېرودونکی په هغه کې حقوق ولري، مالونه تصرف کړي.

(۶) پېرودونکی په هغه گټه کې چې پلورونکی يې له بيا پلورنې څخه ترلاسه کوي، ذیحق کېدی نشي.

د نه منلو یا رد له لحاظه د پلورونکي

زیانونه

یوسلونولسمه ماده:

(۱) د پېرودونکي په وسیله د نه منلو یا رد له امله د زیانونو اندازه، ددې مادې د (۲) فقرې د حکم له په پام کې نیولو سره د تحویلولو په وخت او ځای کې د بازار د بې او د قرارداد د نه ورکړل شوې بې ترمنځ او ددې قانون په یوسلو یو ویشتمه ماده کې له درج شوو فرعي زیانونو سره یو ځای دهغولگښتونو په وضع کولو سره چې د پېرودونکي په واسطه د قرارداد دنقض په پایله کې سپمول شويدي، له تفاوت څخه عبارت ده.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي زیان د وجهې اندازه تر

تا فروشنده را در چنان موقعیتی قرار دهد که در صورت ایفای تعهد از آن بهره مند شده می توانست، در این صورت مبلغ وجه الخساره معادل مفادی است (بشمول مصارف اضافی) که فروشنده در صورت ایفای تعهد بوسیله خریدار، می توانست آنرا بدست بیاورد. این مبلغ، جبران خسارات فرعی مندرج ماده یکصد و بیست و سوم این قانون، هزینه لازم برای مصارف مناسب که صورت گرفته، اعتبار (کریدیت) لازم برای اجرای تادیات و محصل فروشات به اشخاص ثالث را نیز دربر دارد.

اقدام فروشنده برای قیمت

ماده یکصد و بیست و یکم:

(۱) هرگاه خریدار در پرداخت قیمت به وقت معین موفق نگردد، فروشنده می تواند قیمت اموال را یکجا با خسارات فرعی حسب ماده یکصد و بیست و دوم این قانون ذیلاً دریافت نماید:

هغه حده ناکافي وي چي پلورونکي پداسي موقعيت کي و دروي چي د ژمني دسرته رسېدو په صورت کي له هغي څخه برخمن کېدی شو، په دې صورت کي دزيان دوجهي مبلغ د هغي کتې معادل دی (د اضافي لگښتونو په شمول) چي پلورونکي دپېرودونکي په وسيله د ژمني دسرته رسولو په صورت کي کولی شو هغه لاسته راوړي. دغه مبلغ، ددې قانون په يوسلو درويشتمه ماده کي ددرج شوو فرعي زيانونو د جبران، هغو مناسبو لگښتونو ته چي صورت يې موندلی، دورکړو داجراء لپاره لازم اعتبار (کریدیت) او ثالثو اشخاصو ته د پلورونو محصل، هم په برکې نيسي (رانغاړي).

د بيې لپاره د پلورونکي اقدام

يوسلو شلمه ماده:

(۱) که چېرې پېرودونکي پر ټاکلي وخت دبيې په ورکړه بريالی نشي، پلورونکي کولی شي دمالونو بيه ددې قانون دپوسلو دوه ويشتمې مادې له مخې له فرعي زيانونو سره يوځای په لاندې توگه ترلاسه کړي:

- ۱ - د منلو شوو مالونو بيه يا د قرارداد مطابق مالونه چې د سوداگريزې مناسبې مودې په ترڅ کې پېرودونکي ته د هغو د زيان د خطر له لېږدېدو وروسته، ورک يا زيانمن شوي وي.
- ۲ - په قرارداد کې د تثبيت شوو مالونو بيه، پدې شرط چې پلورونکی له لازم هاند سره سره ونکړي شي، هغه په مناسبه بيه بيا وپلوري.
- (۲) که چېرې پلورونکی د مالونو د بېي دعوي اقامه کړي، مکلف دی هغه مالونه چې په قرارداد کې ياد شوي او تراوسه يې په واک کې لري، د پېرودونکي په تصرف کې ورکړي. خو په هغه صورت کې چې بيا پلورنه شونې شي، نوموړی کولی شي، هغه هر وخت د محکمې د حکم له ترلاسه کولو د مخه وپلوري. له دغه ډول پلورنې څخه ترلاسه شوي خالص عواید بايد د پېرودونکي په حساب کېښودل شي او د لگښتونو ورکړه د محکمې د حکم پر بنسټ، پېرودونکی د هغو مالونو د مالکيت مستحق گرځوي چې پلورل شوي نه وي.
- ۱ - قيمت اموال قبول شده يا اموال مطابق به قرارداد که در خلال مدت مناسب تجاری بعد از انتقال خطر خساره آن به خریدار، مفقود و يا خساره مند شده باشد.
- ۲ - قيمت اموال تثبيت شده در قرارداد، مشروط بر اینکه فروشنده با وصف کوشش لازم نتواند آنرا به قيمت مناسب دوباره به فروش رساند.
- (۲) هرگاه فروشنده دعوی قيمت اموال را اقامه نماید، مکلف است اموالی را که در قرارداد ذکر و هنوز در اختيار دارد، به تصرف خریدار قرار دهد. اما در صورتی که فروش مجدد امکان پذیر گردد، موصوف می تواند آنرا در هر زمانی قبل از دریافت حکم محکمه به فروش رساند. عواید خالص حاصله از چنین فروش باید به حساب خریدار گذاشته شده و پرداخت مصارف به اساس حکم محکمه، خریدار رامستحق مالکیت اموالی می سازد که بفروش نرسیده باشد.

(۳) که چپری پپروونکی په غیر قانونی توگه د مالونو منل رد یا یې له منلو څخه ډډه وکړي یا ونکړی شي دهغو دبیې پیسې په ټاکلي وخت ورکړي یا له ژمنې څخه انکار وکړي، هغه پلورونکی چې محکمه هغه ددې مادې دحکم مطابق د مالونو دبیې داستحقاق نه لرونکی تشخیصوي، له دې سره سره ددغه قانون دیو سلو یوویشتمی مادې دحکم مطابق، دمالونو له نه منلو څخه د راپیدا شوو زیانونو دجبران مستحق گرځي.

د پلورونکي فرعي زیانونه

یوسلو یوویستمه ماده:

دزیانمن شوي پلورونکي په فرعي زیانونو کې هرډول خرڅونه، لگښتونه یا سوداگریز معمول کمپشونه شامل دي چې هغه یې دحمل او نقل په پروسه کې د تحویلولو ددرېدو، دمالونو د استرداد یا بیا پلورنې په اړه دپپروونکي له نقض څخه وروسته دمالونو دساتنې او څارنې یا د مالونو د بیا پلورنې یا له نقض څخه دراپیدا شوو نورو زیانونو پر وخت، پر غاړه اخلي.

(۳) هرگاه خریدار به صورت غیر قانونی قبول اموال را رد و یا از قبول آن امتناع ورزد و یا نتواند پول قیمت آنرا در وقت معین بپردازد و یا از تعهد انکار نماید، فروشنده ایکه محکمه وی را مطابق حکم این ماده فاقد استحقاق قیمت اموال تشخیص می دهد، با وجود آن طبق حکم ماده یکصد و بیست و یکم این قانون، مستحق جبران خسارات ناشی از عدم قبول اموال شناخته می شود.

خسارات فرعی فروشنده

ماده یکصد و بیست و یکم:

خسارات فرعی به فروشنده متضرر، شامل هرگونه هزینه ها، مصارف یا کمیشن های معمول تجارتي بوده که وی هنگام توقف تحویلدهی درپروسه حمل و نقل، نگهداری و مراقبت اموال بعد از نقض خریدار در رابطه به استرداد یا فروش مجدد اموال و یا سایر خسارات عایده ناشی از نقض، متقبل می گردد.

دپېرودونکي دزيانونو کلي جبران

يوسلو دوه ويشتمه ماده:

(۱) که چېرې پلورونکی ونکړی شي مالونه تحويل کړي، يا يې له تحويلولو څخه ډډه وکړي يا پېرودونکی قانوناً هغه رد کړي، په دې صورت کې پېرودونکی کولی شي د بحث وړ مالونو په اړه يا د ټولو مالونو په ارتباط د ټول قرارداد د نقض په حالت کې د ټولو مالونو په هکله معامله فسخ کړي. دمعاملې د فسخې يا نه فسخې په صورت کې، پېرودونکی کولی شي د هغه مقدار بېي په ترلاسه کولو برسېره چې ورکړل شوېده، په لاندې توگه هم عمل وکړي:

۱- د ټولو زيانمنو شوو مالونو په اړه د خپلو زيانونو جبران ددې قانون د يوسلو درويشتمې مادې د حکم مطابق لاسته راوړي، که څه هم چې په قرارداد کې مشخص شوي وي يا نه.

۲- له نه تحويلولو څخه د راپيدا شوو اووښتو زيانونو جبران ددې قانون د يوسلو پنځه ويشتمې مادې د حکم مطابق ترلاسه کړي.

جبران کلي خسارات خريدار

ماده يکصد وييست و دويم:

(۱) هرگاه فروشنده نتواند اموال را تحويل دهد، يا از تحويلی آن امتناع ورزد، يا خريدار قانوناً آنرا رد نمايد، در اين صورت خريدار می تواند به ارتباط اموال مورد بحث ويا درحالت نقض تمام قرارداد، به ارتباط مجموع اموال، معامله را فسخ نمايد. در صورت فسخ يا عدم فسخ معامله، خريدار می تواند علاوه بر دريافت آن مقدار قيمت که پرداخته شده است، ذیلاً نیز عمل کند:

۱- جبران خسارات خود را طبق حکم ماده يکصد و وييست وسوم اين قانون درارتباط به تمام اموال آسیب ديده، به دست بياورد، گرچه در قرار داد مشخص شده باشد يا نه.

۲- جبران خسارات عايد، ناشی از عدم تحويل دهی را طبق حکم ماده يکصد وييست و پنجم اين قانون دريافت کند.

- (۲) هرگاه پلورونکی په تحویلولو کې عاجز پاتې شي يا هغه رد کړي، پلورونکی کولی شي په لاندې توګه عمل وکړي:
- ۱ - که چېرې مالونه مشخص شوي وي، هغه ددې قانون د یو سلو اووه ویشتې مادې د حکم مطابق ترلاسه کړي.
- ۲ - په خاص حالت کې، دعین ژمنې له سرته رسېدو څخه برخمن یا د مالونو د تحویلولو لپاره د محکمې حکم ددې قانون د یو سلو اته ویشتې مادې د حکم مطابق ترلاسه کړي.
- (۳) که چېرې پلورونکی قانوناً مالونه رد کړي وي، په خپل تصرف یا تر ادارې لاندې مالونو کې د بېې د ورکړې او د هغو لګښتونو چې د هغو په کتنې، رسید، حمل او نقل کې یې په مناسبه توګه صورت موندلی، د منلو له حیثه د عیني حق لرونکی دی او کولی شي د زیانمن شوي پلورونکي په توګه، ددې قانون د یو سلو اووه ویشتې مادې د حکم مطابق نوموړي مالونه وساتي او بیایې وپلوري.
- (۲) هرگاه فروشگاه فروشنده در تحویل دهی عاجز ماند یا آنرا رد کند، خریداری تواند ذیلاً عمل کند:
- ۱ - هرگاه اموال مشخص شده باشد، آنرا طبق ماده یکصد و بیست و هفتم این قانون دریافت کند.
- ۲ - درحالت خاص، از ایفای عین تعهد برخوردار یا حکم محکمه را برای تحویلدهی اموال مطابق حکم ماده یکصد و بیست و هشتم این قانون حاصل نماید.
- (۳) هرگاه خریدار، اموال را قانوناً رد کرده باشد، حق عینی در اموال تحت تصرف یا اداره خویش را از حیث پرداخت قیمت و تقبل مصارفی که بصورت مناسب در معاینه، رسید، حمل و نقل، مراقبت و نگهداشت آنها صورت گرفته، دارا بوده و می تواند منحیث فروشنده متضرر، مطابق حکم ماده یکصد و بیست و هفتم این قانون اموال مذکور را نگهداری و مجدداً بفروش رساند.

د پېرودونکي لخوا د عوضي مالونو

تدارک

يوسلو درويشتمه ماده:

(۱) که چېرې پلورونکي ددې قانون د يوسلو دوه ويشتمې مادې د حکم مطابق خپله ژمنه نقض کړي، پېرودونکي کولی شي په نېک نيت سره او له نا مؤجه ځنډ پرته د هغو مالونو په عوض کې چې د پلورونکي لخوا لازم التاديه وي د مالونو په مناسبې هر ډول پېرودونې يا د مالونو د پېرودونې په قرارداد لاس پورې کړي.

(۲) پېرودونکي کولی شي د هغو پيسو تفاوت چې د عوضي پېرودنې او په قرارداد کې د درج شوې بېې ترمنځ راپيدا کېږي، ددې قانون په يو سلو شپږويشتمه ماده کې له درج شوو فرعي يا تبعي زيانونو سره يو ځای د هغو لگښتونو په وضع کولو سره چې د پلورونکي په وسيله د قرارداد د نقض په پايله کې، سپمول شوي دي، ترلاسه کړي.

(۳) ددې مادې په (۱ او ۲) فقرو کې د درج شوو عوضي مالونو په تدارک کې د پېرودونکي نه برياليتوب، دهغه په وسيله د

تدارک اموال عوضی از طرف

خریدار

ماده یکصد و بیست و سوم:

(۱) هرگاه فروشنده مطابق حکم ماده یکصد و بیست و دوم این قانون تعهد خود را نقض نماید، خریدار می تواند با حسن نیت و بدون تأخیر غیر مؤجه به هر نوع خریداری مناسب اموال یا قرارداد خریداری اموال در عوض اموالی که از جانب فروشنده لازم التاديه می باشد، اقدام نماید.

(۲) خریدار می تواند تفاوت پولی را که بین خریداری عوضی و قیمت مندرج قرارداد به میان می آید، توأم با خسارات فرعی یا تبعی مندرج ماده یکصد و بیست و ششم این قانون با وضع مصارفی که در نتیجه نقض قرارداد به وسیله فروشنده صرفه جویی شده است، دریافت کند.

(۳) عدم موفقیت خریدار در تدارک اموال عوضی مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده، مانع دریافت

نورو زیانونو دترلاسه کولو خنډ نه کېږي. دنه تحویلولو له پلوه د پېرودونکي

زیانونه

یوسلو څلېریشتمه ماده:

(۱) دپلورونکي په واسطه له نه تحویلولو یا له هغو څخه له ډډې کولو څخه دراپیدا شوو زیانونو اندازه دقرارداد له نقض څخه د پېرودونکي دڅېړېدو پر وخت د بازار د بېي او په قرارداد کې د درج شوې بېي ترمنځ او ددې قانون په یوسلو شپږویشتمه ماده کې له درج شوو فرعي یا تبعي زیانونو سره یو ځای او دهغو لگښتونو په وضع کولو سره چې دپلورونکي په وسیله د قرارداد دنقض په پایله کې، سپمول شوي دي، له تفاوت څخه عبارت ده.

(۲) د بازار بیه د تحویلولو د ځای د بېي مطابق یا د رد په حالاتو کې د مالونو د رسېدو د ځای د بېي پر بنسټ، له رسېدو یا د منلو له فسخې وروسته، تثبیتېږي.

سایر خسارات به وسیله وی نمی گردد. خسارات خریدار از ناحیه عدم

تحویلدهی

ماده یکصد و بیست و چهارم:

(۱) اندازه خسارات ناشی از عدم تحویلدهی و یا امتناع از آن توسط فروشنده، عبارت از تفاوت بین قیمت بازار، هنگام آگاهی خریدار از نقض قرارداد و قیمت مندرج قرارداد توأم با خسارات فرعی یا تبعی مندرج ماده یکصد و بیست و ششم این قانون و وضع مصارفی که در نتیجه نقض قرارداد به وسیله فروشنده، صرفه جویی شده است، می باشد.

(۲) قیمت بازار مطابق قیمت محل تحویلدهی یا درحالات رد بعد از مواصلت یا فسخ قبولی، براساس قیمت محل مواصلت اموال، تثبیت می گردد.

دمنلو شوو مالونو په برخه کې دنقض

له پلوه دپېرودونکي زيانونه

يوسلو پنځه ويشتمه ماده:

(۱) که چېرې پېرودونکي مالونه منلي وي او له هغو څخه يې پلورونکي ته خبر ورکړی وي، کولی شي د تحويلولو له نه په پام کې نيولو څخه راپيدا شوي زيانونه او د پېښوله عادي بهير څخه راپيدا شوي زيانونه چې د پلورونکي د نقض له امله رامنځته او په معقوله توگه تثبیت شوي وي، ترلاسه کړي.

(۲) د مالونو د تضمین له نقض څخه د راپيدا شوو زيانونو اندازه د منلو په وخت او ځای کې د منل شوو مالونو د ارزښت او د تضمین مطابق د هغو د ارزښت ترمنځ له تفاوت څخه عبارت ده، خو دا چې د مستقیمو زيانونو خاص شرایط، بېله بېله شمېره ونښي.

(۳) په خاص مورد کې، ددې مادې په يوسلو اووه ويشتمه ماده کې درج شوي فرعي او تبعي زيانونه هم جبرانېدی شي.

خسارات خریدار از ناحیه نقض در

خصوص اموال قبول شده

ماده یکصد و بیست و پنجم:

(۱) هرگاه خریدار اموال را قبول واز آن به فروشنده اطلاع داده باشد، می تواند خسارات ناشی از عدم رعایت تحویلدهی و خسارات ناشی از جريان عادی حوادث را که در اثر نقض فروشنده عاید و به صورت معقول تثبیت گردیده باشد، دریافت نماید.

(۲) اندازه خسارات ناشی از نقض تضمین اموال، عبارت از تفاوت در زمان و مکان قبولی بین ارزش اموال قبول شده و ارزش آنها مطابق تضمین می باشد، مگر اینکه شرایط خاص خسارات مستقیم، رقم متفاوت را نشان دهد.

(۳) در مورد خاص، خسارات فرعی و تبعی مندرج ماده یکصد و بیست و هفتم این ماده نیز جبران شده می تواند.

د پېرودونکي فرعي او تبعي (غير

مستقيم) زيانونه

يوسلو شپږ ويشتمه ماده:

(۱) په فرعي زيانونو کې چې د پلورونکي په وسيله د قرارداد د نقض له امله منځ ته راځي، هغه لگښتونه شاملېږي چې په معقوله توګه د هغو مالونو په کتنې، رسيد، حمل او نقل، ساتنې او څارنې کې چې قانوناً ردېږي، صورت مومي.

د مالونو د تضمين په اړه خرڅونه، لگښتونه، سوداګريز معمول کمپشونه او له ځنډ يا نقض څخه راپيدا شوي نور لگښتونه هم په نوموړو زيانونو کې شامل دي.

(۲) هغه تبعي زيانونه چې د پلورونکي له نقض څخه منځ ته راځي عبارت دي له:

۱ - هغه زيانونه چې له مقتضياتو عامو يا خاصو او اړتياوو څخه راپيدا شوي وي او پلورونکي د قرارداد د عقد په وخت کې بايد د هغو په هکله پوهېدی او د جبران له لارې يا په بل ډول له هغو څخه معقول مخنيوی به نا شونی وو.

۲ - مال يا شخص ته تاوان چې مستقيماً د

خسارات فرعي و تبعي (غير مستقيم)

خریدار

ماده یکصد و بیست و ششم:

(۱) خسارات فرعي که بالاثر نقض قرارداد بوسيله فروشنده، به وجود می آید شامل مصارفي می گردد که به طور معقول درمعاینه، رسيد، حمل و نقل، نگهداری و مراقبت اموالی که قانوناً رد می شود، صورت می گیرد. هزینه ها، مصارف یا کمیشن های معمول تجارتي در رابطه به تضمين اموال و ديگر مصارف ناشی از تاخير و يا نقض نیز شامل خسارات مذکور می باشد.

(۲) خسارات تبعی که از نقض فروشنده به میان می آید عبارتند از:

۱ - خسارات که ناشی از مقتضيات و ضروریات عام یا خاص باشد و فروشنده در وقت عقد قرارداد باید درمورد آن می دانست و جلوگیری معقول از آن، از طریق جبران یا طور دیگری غیر ممکن می بود.

۲ - صدمه به شخص و یا مال که

ژمنې او تضمین د نقض په پایله کې رامنځ ته شي.

مستقیماً در نتیجه نقض تعهد و تضمین عاید گردد.

د عین ژمنې سرته رسول یا د مالونو د زیان جبران

ایفای عین تعهد یا جبران خسارت اموال

یوسلو اووه ویشتمه ماده:

ماده یکصد ویست و هفتم:

(۱) په هغه صورت کې چې مالونه غیر مثلي وي یا په نورو خاصو شرایطو کې قرار ولري، محکمه د عین ژمنې په سرته رسولو حکم صادروي.

(۱) در صورتی که اموال غیر مثلی بوده یا در شرایط خاص دیگری قرار داشته باشد، محکمه به ایفای عین تعهد اصدار حکم نماید.

(۲) پېرودونکی په هغه صورت کې حق لري له محکمې څخه په قرارداد کې د یادو شوو مالونو د ترلاسه کولو په اړه د حکم د صادرولو غوښتنه وکړي چې له لازمي هڅې وروسته ونکړي شي د مثلي مالونو په تامینولو کې بریالی شي یا اوضاع او احوال وښيي چې دغه ډول هڅه بې پایلې ده.

(۲) خریدار در صورتی حق دارد از محکمه تقاضای اصدار حکم مبنی بر دریافت اموال ذکر شده در قرارداد را نماید که بعد از سعی لازم، نتواند در تأمین اموال مثلی موفق گردد یا اوضاع و احوال نشان دهد که چنین کوشش بی نتیجه است.

(۳) پېرودونکی له خپل تصمیم څخه پلورونکي ته د خبر په ورکولو سره، کولی شي هغه کلي یا قسمي زیانونه چې د پلورونکي په واسطه د قرارداد د نقض په پایله کې منځ ته راغلي دي، د مالونو د بې له هرې برخې څخه چې تر اوسه د

(۳) خریدار با دادن اطلاع از تصمیم خود به فروشنده، می تواند خسارات کلی یا قسمی را که در نتیجه نقض قرارداد توسط فروشنده به میان آمده است، از هر بخش قیمت اموال

عين قرارداد پر موجب د ورکړې وړ ده،
وضع کړي.

که هنوز به موجب عين قرارداد قابل
پرداخت می باشد، وضع نماید.

شپاړسم فصل

فصل شانزدهم

دپلورني د قراردونو ډولونه

انواع قرارداد های فروش

د پلورني او تحویلولو قرارداد

قرارداد فروش و تحویلدهی

یوسلو اته ویستمه ماده:

ماده یکصد ویست و هشتم:

(۱) د پلورني په قرارداد کې، د مالونو
تحویلول او د هغو منل په خو واره او جلا
جلا برخو صورت موندلی شي.

(۱) در قرارداد فروش، تحویلدهی اموال
وقبول آن به دفعات و قسمت های
جداگانه صورت گرفته می تواند.

(۲) پېرودونکی کولی شي ددغو برخو
هره یوه چې د قرارداد له شرایطو سره
مطابقت ونلري، په لاندې حالاتو کې رد
کړي:

(۲) خریدار می تواند هر یک از این
قسمت ها را که با شرایط قرار داد
مطابقت نداشته باشد، در حالات ذیل رد
کند:

۱ - نه مطابقت، په کتنې وړ توګه چې د
هماغې برخې ارزښت ته تاوان ورسوي او
رسېدلی تاوان تلافی نکړي شي.

۱ - عدم مطابقت، بطور قابل ملاحظه
که ارزش همان قسمت را صدمه رساند
و صدمه عایده تلافی شده نتواند.

۲ - له اړتیا وړ سندونو سره
بې نه مطابقت، عیب وګڼل شی. خو
دا چې د تلافی په اړه ئې ډاډ ورکړي.

۲ - عدم مطابقت در اسناد مورد نیاز،
عیب تلقی گردد، مگر اینکه در مورد
تلافی آن اطمینان دهد.

(۳) که چېرې د یوې برخې یا له هغې
خخه د زیاتې برخې په هکله نه مطابقت یا
تقصیر د ټول قرارداد ارزښت په کتنې وړ

(۳) هرگاه عدم مطابقت یا تقصیر در
مورد یک بخش یا بیشتر از آن قسمت،
ارزش مجموع قرارداد را بصورت قابل

ملاحظه متضرر سازد، در آن صورت قرارداد کلاً نقض شده تلقی می گردد. اما طرف متضرر در صورتی که قسمت غیر منطبق را بدون مطلع ساختن فروشنده در مدت زمان مناسب از لغو معامله قبول یا صرف در خصوص بخش گذشته اقامه دعوی و یا ایفای بخش های آینده را تقاضا کند، قرارداد دوباره ابقاء می گردد.

خرید به اقساط و تصاحب

مجدد

ماده یکصد و بیست و نهم:

(۱) قرارداد به خرید اقساط باید بشکل کتبی بوده و حداقل در دو نسخه ترتیب و بیانگر مشخصاتی باشد که ماهیت مال فروخته شده، قیمت، مدت و شرایط اقساط را معین سازد. فروشنده مکلف است یک نقل قرارداد را به خریدار بدهد.

(۲) تصدیق فروشنده از رسید یک قسط، تصدیق رسید تمام اقساط قبلی پنداشته می شود، مگر اینکه مدرکی برخلاف آن وجود داشته باشد.

توگه زیانمن کړي، په هغه صورت کې قرارداد کلاً نقض شوی گڼل کېږي. خو زیانمن شوی اړخ په هغه صورت کې چې غیر منطبقه برخه، د معاملې له لغو څخه په مناسب وخت موده کې دپلورونکي له خبرولو پرته ومني یا دتېرې برخې په هکله دعوي اقامه یا دراتلونکو برخو سرته رسول وغواړي، قرارداد بیا پاتې (ابقاء) کېږي.

په قسطونو پېرودل او بیا ترلاسه

کول (تصاحب)

یوسلو نهه ویشتمه ماده:

(۱) په قسطونو سره د پېرودنې قرارداد باید په لیکلې توگه وي او لږترلږه په دوو ټوکو کې ترتیب او د هغو مشخصاتو بیانونکی وي چې د پلورل شوي مال ماهیت، بیه، د قسطونو موده او شرایط وټاکي. پلورونکی مکلف دی د قرارداد یو نقل پېرودونکي ته ورکړي.

(۲) دیوه قسط له رسېدو څخه دپلورونکي تصدیق، د تېرو (دمخه) ټولو قسطونو د رسېدو تصدیق گڼل کېږي، خو دا چې د هغو پر خلاف مدرک وجود ولري.

- (۳) که چبرې پېرودونکی ونکړی شي د بېي له قسطونو څخه چې پرې موافقه شوېده د یوه په ورکړه بریالی شي، پلورونکی کولی شي قرارداد فسخ او مالونه بېرته ترلاسه کړي، خو دا چې بل ډول توافق شوی وي.
- (۴) که چبرې پلورونکی، مالونه بیا ترلاسه کړي، پېرودونکی مکلف دی نوموړي مالونه پلورونکي ته مسترد او پلورونکی د قسطونو د ټول ارزښت معادل د نغدو پیسو مبلغ چې له بیا ترلاسه کولو دمخه یې له پېرودونکي څخه لاسته راوړي، هغه ته مسترد کړي.
- (۵) که چبرې بلې موافقې صورت نه وي موندلی، پلورونکی کولی شي له پېرودونکي څخه لاندې ټول مبلغ وغواړي:
- ۱ - د پېرودونکي لخوا د استردادي شیانو د استعمال لپاره د هغې مودې په ترڅ کې چې د پېرودونکي په واک کې وو، مناسب اجرت.
 - ۲ - د هغې مودې په ترڅ کې د عادي استهلاك په استثنای^۱ د مالونو د زیان او یا
- (۳) هرگاه خریدار نتواند در پرداخت یکی از اقساط قیمت که روی آن توافق صورت گرفته است، موفق گردد، فروشنده می تواند قرارداد را فسخ و اموال را مجدداً تصاحب کند، مگر اینکه طور دیگری موافقت شده باشد.
- (۴) هرگاه فروشنده، اموال را مجدداً تصاحب کند، خریدار مکلف است اموال مذکور را به فروشنده مسترد و فروشنده مبلغ پول نقد معادل ارزش مجموعی اقساط را که قبل از تصاحب مجدد از نزد خریدار بدست آورده است، به وی مسترد نماید.
- (۵) هرگاه موافقت دیگری صورت نگرفته باشد، فروشنده می تواند از خریدار مبلغ مجموعی ذیل را مطالبه نماید:
- ۱ - اجرت مناسب برای استعمال اشیای استردادی توسط خریدار در خلال مدتی که در اختیار خریدار قرار داشته است.
 - ۲ - جبران خساره و یا استهلاك اموال، به استثنای استهلاك عادی در خلال

- د استهلاک جبران چي د پېرودونکي په واک کې دي.
- ۳ - دهغو خدمتونو مناسب اجرت چي د بيا ترلاسه کولو لپاره د پلورونکي اداري لگښتونو د تامين لپاره يې صورت موندلی دی.
- (۶) هغه مبالغ چي پلورونکي يې د دې مادې په (۵) فقره کې د درج شوي حکم مطابق د پېرودونکي پر غاړه ږدي، نه بنايي د گټې په شمول په قرارداد کې له درج شوې ټولې بېې شخه تجاوز وکړي، پلورونکي کولی شي هغه مبلغ چي د دې مادې په (۵) فقره کې له درج شوي حکم سره سم د پېرودونکي پر غاړه اېښودل شوی دی، د هغو مبالغو په وړاندې چي د دې مادې په (۴) فقره کې د درج شوي حکم پر موجب پېرودونکي ته دور کړې وړ دي، تلافی کړي.
- (۷) پدې اړه موافقه چي که چيرې يو قسط د هغه په ټاکلي وخت ورنکړلی شي، ټوله بيه لازم التاديه او د ورکړې وړ ده او پدې صورت کې موافقه لازم الاجراء نه ده، خو دا چي پېرودونکي د مدتي که در اختيار خريدار قرار دارد.
- ۳ - اجرت مناسب خدماتي که برای تأمين مصارف اداري فروشنده جهت تصاحب مجدد صورت گرفته است.
- (۶) مبالغی که فروشنده مطابق حکم مندرج فقره (۵) این ماده به عهده خريدار می گذارد، نباید از قيمت مجموعی مندرج قرارداد به شمول مفاد، تجاوز کند. فروشنده می تواند مبلغی را که طبق حکم مندرج فقره (۵) این ماده به عهده خريدار گذاشته شده است، در مقابل مبالغی که به موجب حکم مندرج فقره (۴) این ماده به خريدار قابل پرداخت می باشد، تلافی نماید.
- (۷) موافقت مبنی براینکه هرگاه یک قسط در موعد معين آن پرداخت شده نتواند، تمام قيمت لازم التاديه و قابل پرداخت بوده و در اینصورت موافقت لازم الاجراء نمی

باشد، مگر اینکه خریدار با وصف دریافت اطلاعیه و انقضای حداقل (۷) روز از تاریخ این آگاهی، به پرداخت آن موفق شده نتواند.

(۸) هرگاه فروشنده مالکیت مال منقول را که بفروش رسانیده است الی زمان پرداخت کلیه اقساط حفظ کند، در این صورت خریدار بعد از پرداخت آخرین قسط، مالکیت مال مذکور را حاصل و مسئولیت خسارت یا اتلاف آنرا از زمانی که به وی تحویل داده شده است، عهده دار می گردد.

(۹) شرط حفظ مالکیت مندرج فقره (۸) در برابر شخص ثالث، بدون اینکه بالای احکام مغایر مندرج قانون افلاس تأثیری وارد نماید، نافذ نمی باشد. مگر اینکه شرط متذکره در موافقتنامه درج و از نگاه زمان نسبت به حق شخص ثالث مقدم باشد.

هرگاه حق شخص ثالث نسبت به قرارداد خرید اقساطی مؤخر،

خبرتیا له ترلاسه کولو او ددغې خبرونې له نېټې څخه لږترلږه د (۷) ورځو له تېرېدو سره سره، د هغې په ورکړه بریالی نشي.

(۸) که چېرې پلورونکی دهغه منقول مال مالکیت چې پلورلی یې دی، د ټولو قسطونو د ورکړې تر وخته پورې وساتي، پدې صورت کې پیروونکی د وروستني قسط له ورکولو وروسته دنوموړي مال مالکیت ترلاسه او د هغه د زیان او یا تلف کېدلو مسئولیت، له هغه وخت څخه چې ده ته تحویل (سپارل) شوی دی، په غاړه اخلي.

(۹) د ثالث شخص په وړاندې په (۸) فقره کې د درج شوي مالکیت د ساتنې شرط، پرته له دې چې د افلاس په قانون کې پر درج شوو مغایرو حکمونو باندې اغېزه وکړي، نافذ نه دی. خو دا چې یاد شوی شرط په موافقه لیک کې درج او د وخت له نظره د ثالث شخص د حق په نسبت مقدم وي.

که چېرې د ثالث شخص حق د اقساطي پیروونې قرارداد په نسبت وروستی

و شرط حفظ مالکیت نسبت به دعوی اقامه شده از طرف داینین در خصوص مال فروخته شده از لحاظ زمان مقدم و در قرارداد درج باشد، در آن صورت حفظ شرط مذکور در برابر شخص ثالث نافذ می باشد.

(۱۰) خریدار نمی تواند قبل از پرداخت مکمل اقساط به مصرف یا فروش مال بپردازد، مگر اینکه فروشنده کتباً در مورد موافقه نموده باشد. هر نوع واگذاری از جانب خریدار به طرف ثالث در تخطی از این حکم در مقابل فروشنده بی اثر می باشد، مگر اینکه طرف ثالث به اثبات رساند که بدون آگاهی از حق مالکیت فروشنده و با حسن نیت عمل نموده است که در این صورت خریدار و طرف ثالث به صورت مشترک و جداگانه در برابر فروشنده از جهت پرداخت اقساط باقیمانده مسئول می باشند.

(۱۱) احکام مندرج این ماده در مورد معاملات اجاره نیز قابل تطبیق می باشد. مگر اینکه قانون طوری دیگر

(مؤخر) او دپلورل شوي مال په برخه کې د د اینینو لخوا د اقامه شوي دعوي په نسبت د مالکیت د ساتنې شرط د وخت له لحاظه مقدم او په قرارداد کې درج وي، په هغه صورت کې دثالث شخص په وړاندې دنوموړي شرط ساتل نافذ دي.

(۱۰) پېرودونکی نشي کولی د قسطونو له بشپړې ورکړې دمخه، د مال په لگولو یا پلورلو لاس پورې کړي، خو دا چې پلورونکي پدې هکله لیکلې موافقه کړې وي، ثالث اړخ ته د پېرودونکي لخوا هر ډول پرېبنودنه د پلورونکي په وړاندې له دې حکم څخه په سرغړونه کې بې اغېزې ده، خو دا چې ثالث اړخ په اثبات ورسوي چې د پلورونکي له حق څخه له خبرتیا پرته او په نېک نیت سره یې عمل کړی دی چې په دې صورت کې پېرودونکی او ثالث اړخ په ګډه سره او جلا جلا د پلورونکي په وړاندې، د پاتې قسطونو دورکړې لپاره مسئول دي.

(۱۱) ددې مادې حکمونه د اجارې د معاملاتو په هکله هم د پلي کېدو وړ دي، خو دا چې قانون بل ډول

حکم کړی وي.

سوداگریزه پلورنه

یوسلو دپړشمه ماده:

(۱) که چېرې په سوداگریزه پلورنه کې د قرارداد اړخونه بیه ونه ټاکي، پلورنه په هغه بیه چې معمولاً یې د نوموړو اړخونو ترمنځ په معاملو کې صورت موندلی، د اعتبار وړ ده، خو په هغه صورت کې چې د معاملې د اړخونو ترمنځ تېر مناسبات وجود ونلري، په هغه صورت کې بیه د بازار له نرخ سره سمه وي، خو دا چې حالات داسې غوښتنه وکړي چې بله بیه باید تر گټې اخیستنې لاندې ونیول شي.

(۲) که چېرې په سوداگریزه پلورنه کې، بیه د بازار د نرخ پر بنسټ وټاکله شي، نرخ هغې بېې ته په پام سره چې د قرارداد په وخت او ځای کې معموله وه، ټاکل کېږي، خو دا چې په قرارداد کې په بل ډول وړاندیز شوې وي، په بازار کې له یوې څخه د زیاتو بیو د موجودیت په صورت کې، د بیو منځنی حد په پام کې نیول کېږي.

(۳) که چېرې په سوداگریزه پلورنه کې، د

حکم نموده باشد.

فروش تجارتي

ماده یکصد و سی ام:

(۱) هرگاه در فروش تجارتي طرفین قرار داد قیمت را تعیین نکنند، فروش به قیمتی که معمولاً در معاملات بین طرفین مذکور صورت گرفته، مدار اعتبار می باشد، اما در صورتی که مناسبات گذشته بین طرفین معامله وجود نداشته باشد، در آن صورت قیمت مطابق نرخ بازار می باشد، مگر اینکه حالات طوری تقاضا نماید که قیمت دیگری باید مورد استفاده قرار گیرد.

(۲) هرگاه در فروش تجارتي، قیمت به اساس نرخ بازار تعیین گردد، نرخ با توجه به قیمتی که در زمان و مکان عقد قرارداد معمول بوده است، تعیین می گردد، مگر اینکه در قرارداد طور دیگری پیشبینی شده باشد. در صورت موجودیت بیش از یک قیمت در بازار، حد اوسط قیم در نظر گرفته می شود.

(۳) هرگاه در فروش تجارتي،

طرفين قرارداد موافقه نمايند که خريدار می تواند شکل، اندازه وسایر مشخصات فروش را تعيين کند، خريدار مکلف به انجام آن در خلال مدت موافقت شده می باشد.

(۴) هرگاه مدت، معين نشده باشد، خريدار مکلف به انجام آن در مدت مناسب می باشد. در صورتی که مدت معينه بدون آنکه خريدار مشخصات فروش را تعيين نمايد، منقضی گردد، فروشنده می تواند:

۱ - مشخصات فروش را تعيين و آنرا به خريدار اطلاع دهد. در صورتی که خريدار در خلال ده روز از تاريخ حصول اطلاعيه به آن مخالفت نشان ندهد، نهائی محسوب می گردد.

۲ - قرار داد را فسخ و تقاضای جبران خساره نمايد.

فروش آزمایشی

ماده یکصد و سی و یکم:

(۱) خريدار می تواند در فروش آزمایشی، بخريداري مال اقدام يا در دوره

قرارداد اړخونه موافقه وکړي چې پېرودونکی کولی شي د پلورنې ډول، اندازه او نور مشخصات وټاکي، پېرودونکی د موافقه شوې مودې په ترڅ کې دهغو په سرته رسولو مکلف دی.

(۴) که چېرې موده، ټاکل شوې نه وي، پېرودونکی په مناسبه موده کې د هغو په ترسره کولو مکلف دی. په هغه صورت کې چې ټاکلې موده پرته لدې چې پېرودونکی د پېرودنې مشخصات وټاکي، تېره شي، پلورونکی کولی شي:

۱ - د پلورنې مشخصات وټاکي او هغه پېرودونکي ته خبر ورکړي. په هغه صورت کې چې پېرودونکی د خبرتيا د ترلاسه کولو له نېټې څخه د لسو ورځو مودې په ترڅ کې له هغو سره مخالفت و نه نسي، نهائی گڼل کېږي.

۲ - قرارداد فسخ او د زیان د جبران غوښتنه وکړي.

ازمېنې پلورنه

یوسلو یو دېرشمه ماده:

(۱) پېرودونکی کولی شي په ازمېنې پلورنه کې، د مال په پېرودلو لاس پورې

آزمایشی، آنرا رد نماید. هرگاه خریدار درختم دوره آزمایشی، تمایل خود را به خرید یا عدم خرید مال اظهار نکند، چنین پنداشته می شود که آنرا خریداری نموده است.

(۲) طرفین می توانند برای دوره آزمایشی وقت تعیین کنند. در صورتی که چنین میعاد تعیین نشده باشد، فروشنده آنرا تعیین می کند، مگر اینکه شرایط کلی ایجاب استفاده از روش دیگری را نماید، بکار برده شود.

فروشات با حمل و نقل رایگان

(FCA)

ماده یکصد و سی و دوم:

(۱) هرگاه در فروشات با حمل و نقل رایگان، تحویلدهی در محل تصرفات فروشنده صورت گیرد، فروشنده مسئولیت بارگیری اموال را عهده دار می باشد. اما در صورتی که تحویل دهی در محل دیگری صورت گیرد، فروشنده مسئول بارگیری دانسته نمی شود. هرگاه خریدار شخص دیگری را به غیر

کری یا به از مبنی دوره کی هغه رد کری. که چبری پروونکی د از مبنی دوری په پای کی، د مال پروودلو ته خپله لېوالتیا څرگنده نه کری، داسې انګېرل کېږي چې هغه یې پروودلی دی.

(۲) اړخونه کولی شي د از مبنی دوری لپاره وخت وټاکي په هغه صورت کې چې دغه شان موده (میعاد) ټاکل شوې نه وي، پلورونکی هغه ټاکي، خو دا چې کلي شرایط له بلې تګلارې څخه ګټه اخیستل ایجاب کری، وکارول شي.

په وړیا حمل او نقل سره پلورني

(FCA)

یوسلو دوه دېرشمه ماده:

(۱) که چبری په وړیا حمل او نقل سره په پلورنه کې، تحویلول د پلورونکي د تصرفاتو په ځای کې صورت ومومي، پلورونکی د مالونو د بارگیری (بارول) مسئولیت په غاړه لري. خو په هغه صورت کې چې تحویلول په بل ځای کې صورت ومومي، پلورونکی د بارگیری مسئول نه ګڼل کېږي. که چبری پروودونکی له حمل او نقل کوونکي څخه پرته بل شخص د

از حمل و نقل دهنده به تسلیم گیری اموال مؤظف سازد، در آن صورت مسئولیت فروشنده با تحویلدهی اموال به آن شخص در قسمت تحویلدهی، انجام شده پنداشته می شود.

(۲) در فروشات با حمل و نقل رایگان، فروشنده دارای مکلفیت های ذیل می باشد:

۱- اموال، صورت حساب تجارتی و یا پیام الکترونیکی معادل آنرا مطابق قرارداد فروش و اسناد مدارک دیگری را که با قرارداد مطابقت داشته باشد، تهیه نماید.

۲- اجازه نامه صدور یا مجوز رسمی دیگر را حسب لزوم به شمول کلیه اجراءات گمرکی مربوط به صادرات را، به مسئولیت و مصرف خود فراهم سازد.

۳- اموال را به حمل کننده یا نماینده خریدار در محل معینه و بتاریخ یا در خلال میعادى که برای تحویل دهی به آن توافق شده است، تحویل دهد.

۴- مصارف مربوط به اموال را الی

مالونو تسلیمولو ته وگماری، په هغه صورت کې د تحویلولو په برخه کې هغه شخص ته د مالونو په تحویلولو سره د پلورونکي مسئولیت، ترسره شوی گنیل کېږي.

(۲) په وړیا حمل او نقل سره په پلورنو کې، پلورونکی د لاندې مکلفیتونو لرونکی دی:

۱- د پلورنې د قرارداد مطابق مالونه، سوداگریز صورت حساب یا د هغه معادل الکترونیکی پیغام او نور سندونه او مدارک چې له قرارداد سره مطابقت ولري، برابر کړي.

۲- د صادرولو جوازلیک یاد لزوم له مخې، په صادراتو پورې د نورو ټولو اړوندو گمرکي اجراءاتو په شمول بل رسمي مجوز په خپل مسئولیت او لگښت برابر کړي.

۳- مالونه حمل کونکي یا د پېرودونکي استازي ته په ټاکلي ځای او په هغه نېټه یا دهغې مودې په ترڅ کې چې د تحویلولو لپاره پرې موافقه شوې ده، تحویل کړي.

۴- د تحویلولو تر وخته په مالونو پورې

- اړوند لگښتونه ورکړي. زمان تحويلدهی آن بپردازد.
- ۵- د گمرکي لگښتونو د ايجاب په صورت کې ماليات، تعرفې او په صادراتو پورې اړوند د ورکړې وړ نور لگښتونه ورکړي.
- ۶- پېرودونکي ته خبر ورکړي چې مالونه حمل کوونکي يا بل شخص ته تحويل شوي دي. که چېرې حمل کوونکي په ټاکلي وخت په تحويل اخيستنې بريالی نشي، پلورونکي بايد له هغې څخه پېرودونکي ته خبر ورکړي.
- ۷- د تحويلولو تر وخته د مالونو د ضايعاتو او اوښتو زيانونو مسئوليت، ددې مادې د حکمونو مطابق ومني.
- (۳) په وړ يا حمل او نقل سره په پلورنو کې، پېرودونکي د لاندې مکلفيتونو لرونکي دي:
- ۱- بيه هغسې چې دپلورنې په قرارداد کې ياده شوېده، ورکړي.
- ۲- د واردولو اجازه ليک يا د مالونو په واردولو او گمرکي اجراتو پورې بل اړوند رسمي مجوز په خپل مسئوليت او لگښت سره ترلاسه او سرته ورسوي.
- ۵- درصورت ايجاب مصارف گمرکي، ماليات، تعرفه ها وساير مصارف قابل پرداخت مربوط به صادرات را بپردازد.
- ۶- به خريدار اطلاع دهد که اموال به حمل کننده يا شخص ديگري تحويل داده شده است. هرگاه حمل کننده در وقت معين به تحويل گيري موفق شده نتواند، فروشنده بايد خريدار را از آن اطلاع دهد.
- ۷- مسئوليت ضايعات يا خسارات وارده به اموال را الی زمان تحويلدهی مطابق احکام اين ماده متقبل شود.
- (۳) در فروشات با حمل ونقل رایگان خريدار دارای مکلفيت های ذيل می باشد:
- ۱- قيمت را طوريکه در قرارداد فروش ذکر گرديده است، بپردازد.
- ۲- اجازه نامه توريد يا ساير مجوز رسمي واجرات گمرکي مربوط به توريد اموال را به مسئوليت و مصرف خود حاصل وانجام دهد.

- ۳ - له ټاکلي ځای څخه د مالونو لېږدول په خپل لگښت ومنې، خو دا چې پلورونکي هغه په غاړه اخیستي وي.
- ۴ - د لېږدوونکي شخص یا مرجع نوم پلورونکي ته خبر ورکړي او د لزوم په صورت کې له احوالو سره سم د مالونو د لېږدولو ډول، نېټه یا موده او هغه ځای چې مالونه باید لېږدوونکي ته ورتسليم شي، پلورونکي ته ور په گوته کړي.
- ۵ - مالونه له لېږدېدو وروسته تسليم شي.
- ۶ - د ضایعاتو او مالونو ته د اووښتو زیانونو مسئولیت، د هغې د تحویل اخیستلو له وخته ومنې.
- ۷ - مالونو ته د ضایعاتو او اووښتو زیانونو خطرونه له هغې نېټې څخه چې پر هغې موافقه شوې یا د هغې مودې د تېرېدو له نېټې څخه چې د تحویلولو لپاره د توافق وړ ګرځېدلې او د لاندې عواملو له یوه څخه راپیدا شوې وي، ومنې:
- پیروونکي ونکړي شي حمل او نقل کوونکي یا بل شخص وروپېژني او وګماري.
- ۳ - انتقال اموال را از محل معینه به مصرف خود متقبل گردد، مگر اینکه فروشنده آنرا به عهده گرفته باشد.
- ۴ - اسم شخص یا مرجع انتقال دهنده را به فروشنده اطلاع دهد و در صورت لزوم حسب احوال، طرز انتقال، تاریخ یا میعاد تحویلهی اموال و محلی را که اموال باید به انتقال دهنده تسلیم داده شود، به فروشنده مشخص سازد.
- ۵ - اموال را بعد از انتقال تسلیم شود.
- ۶ - مسئولیت ضایعات یا خسارات وارده به اموال را از زمان تحویل گیری آن، متقبل شود.
- ۷ - خطرات ضایعات یا خسارات وارده به اموال را از تاریخی که به آن موافقت شده یا تاریخ انقضای میعادى که برای تحویلهی مورد توافق قرار گرفته و ناشی از یکی از عوامل ذیل باشد، قبولدار گردد:
- خریدار نتواند حمل و نقل دهنده یا شخص دیگر را معرفی و توظیف نماید.

- لېږدوونکي يا هغه شخص چې د پېرودونکي په واسطه گمارل شوی، ونکړی شي د مالونو مسئولیت په موافقه شوې موده کې په غاړه واخلي.
- پېرودونکي ونکړی شي ددې مادې د حکمونو مطابق پلورونکي ته خبر ورکړي.
- پورته موارد پدې پورې مشروط دي چې مالونه قانوناً په قرارداد کې شامل وي يا په بل ډول په قرارداد کې د شاملو مالونو په توگه مشخص شوي وي.
- ۸- په مالونو پورې اړوند لگښتونه له هغې نېټې څخه چې ددې مادې د حکمونو مطابق تحویل شوي دي، ورکړي.
- ۹- د ايجاب په صورت کې ماليات، گمرکي ديون او د مالونو د واردولو نور لگښتونه ورکړي.
- ۱۰- د مالونو له حمل او استولو څخه د مخه د کتنې لگښتونه (د هغه هېواد چې مالونه ورڅخه صادرېږي د دولت د واکمنو مقاماتو د پلټنې په استثنی) ورکړي.
- ۱۱- د مالونو د لېږد په کار کې، د اړتيا پرمهال د پلورونکي په مرسته معلومات او
- انتقال دهنده يا شخصي که توسط خريدار توظيف گردیده، نتواند مسئولیت اموال را در زمان توافق شده به عهده گیرد.
- خريدار نتواند مطابق احکام این ماده به فروشنده اطلاع دهد.
- موارد فوق مشروط بر آنست که اموال قانوناً شامل قرارداد بوده يا طور دیگری به حیث اموال شامل قرارداد مشخص گردیده باشد.
- ۸- مصارف مربوط به اموال را از تاریخی که مطابق احکام این ماده تحویل داده شده است، بپردازد.
- ۹- در صورت ايجاب، مالیات، ديون گمرکی وسایر مصارف توريد اموال را بپردازد.
- ۱۰- مصارف معاینه قبل از حمل و ارسال اموال، (به استثنای تفتیش مقامات ذیصلاح دولت کشوری که اموال از آن صادر می شود) را پرداخت نماید.
- ۱۱- معلومات و دستورالعمل لازم را هنگام ضرورت، به همکاری فروشنده

- لازم دستورالعمل د هغه په واک کې ورکړي.
- (۴) تحویل د دې مادې په مقصد، په لاندې احوالو کې ترسره شوي گڼل کېږي:
- ۱ - په هغه صورت کې چې د تحویلولو ځای د پلورونکي د تصرفاتو ځای وي، د مالونو د حامل په واسطه پر برابر شوي حمل او نقل باندې د مالونو بارگيري، چې د پیروونکي یا یې د استازي لخوا ټاکل شوې وي، بشپړېږي.
- ۲ - د پلورونکي د حمل او نقل په وسایلو کې نه تخلیه شوي مالونه د مالونو د حامل یا بل هغه شخص په واک کې چې د پیروونکي لخوا وټاکل شي یا د پلورونکي په واسطه غوره شي، ورکول کېږي.
- ۳ - په هغه صورت کې چې د تحویلولو لپاره په ټاکلي ځای کې مشخصه نقطه ټاکلې شوې نه وي او څو متعددې نقطې شتون ولري، پلورونکي کولی شي د تحویلولو په ځای کې هغه نقطه وټاکي چې د دې مقصد لپاره مناسبه وي.
- دramer انتقال اموال، بدسترس وی قرار دهد.
- (۴) تحویل دهی به مقصد این ماده، در احوال ذیل انجام شده تلقی می گردد:
- ۱ - در صورتی که مکان تحویلهی محل تصرفات فروشنده باشد، بارگیری اموال بالای حمل و نقل تهیه شده توسط حامل اموال که از طرف خریدار یا نماینده وی تعیین شده باشد، تکمیل می گردد.
- ۲ - اموال تخلیه نشده در وسایل حمل و نقل فروشنده در اختیار حامل اموال یا شخص دیگری که از طرف خریدار تعیین یا توسط فروشنده انتخاب شود، قرار می گیرد.
- ۳ - در صورتی که نقطه مشخصی در محل معینه برای تحویلهی تعیین نشده باشد و نقاط متعددی وجود داشته باشد، فروشنده می تواند نقطه ای را در محل تحویلهی انتخاب نماید که برای این مقصد مناسب باشد.

۴ - در صورتی که دستورات مشخصی از جانب خریدار وجود نداشته باشد، فروشنده می تواند اموال را طوری به مرجع حمل و نقل تحویل دهد که نوع انتقال، کمیت و کیفیت اموال مستلزم آن باشد.

فروشات با حمل و نقل بیمه شده

(CIP)

ماده یکصد و سی و سوم:

(۱) در فروشات با حمل و نقل بیمه شده، خریدار مسئول خطرات و مصارف اضافی بعد از تحویلدهی اموال می باشد. فروشنده باید حداقل بیمه اموال را هنگام انتقال آن فراهم سازد. هرگاه خریدار خواستار تأمین بیمه بیشتر بوده، در آن صورت پرداخت بیمه اضافی به عهده خود وی می باشد، مگر اینکه فروشنده به پرداخت آن موافقت کند. در فروشات با حمل و نقل بیمه شده، فروشنده دارای مکلفیت های ذیل می باشد:

۱ - اموال و صورت حسابات تجارتي یا

۴ - به هغه صورت کي چي د پرودونکي لخوا مشخص دستورونه شتون ونلري، پلورونکي کولي شي مالونه پداسي توکي د حمل او نقل مرجع ته تحویل کړي چي د مالونو د لېږدېدو ډول، کمیت او کیفیت د هغو مستلزم وي.

په بیمه شوي حمل او نقل سره پلورني

(CIP)

یوسلو دري دېرشمه ماده:

(۱) په بیمه شوي حمل او نقل سره په پلورونکي، پرودونکي د مالونو له تحویلېدو څخه وروسته د خطرونو او اضافي لگښتونو مسئول دی، پلورونکي باید لېږت لېږه د مالونو بیمه د هغو د لېږدولو پر وخت برابره کړي. که چیرې پرودونکي د زیاتي بیمې د تأمین غوښتونکي وي، په هغه صورت کې د اضافي بیمې ورکړه پخپله د هغه پر غاړه ده، خو دا چې پلورونکي د هغې په ورکړه موافقه وکړي. په بیمه شوي حمل او نقل سره، پلورونکي د لاندې مکلفیتونو لرونکي دی:

۱ - د پلورني له قرارداد سره په مطابقت

پیام الکترونیکی معادل آن را در مطابقت با قرارداد فروش و سایر اسناد و مدارک را که قرارداد مستلزم آن می باشد، تهیه نماید.

۲- هر نوع جواز صدور، تشریفات گمرکی و سایر اسناد رسمی را که برای صدور اموال ضروری باشد، به مسئولیت و مصرف خود حاصل و به انجام رساند.

۳- حمل و نقل را مطابق مندرجات قرارداد طبق شرایط معمول به مصرف خود جهت انتقال اموال به نقطه معین، در محل مطلوب، از مسیر عادی و به شیوه معمول انجام دهد.

هر گاه به تعیین محل موافقت نشده باشد یا از روی تعامل، تعیین شده نتواند، فروشنده می تواند مناسب ترین محلی را برای این مقصد تعیین نماید.

۴- بیمه محموله (CARGO) را طوری که در قرارداد موافقه شده به گونه ای، به مصرف خود تهیه نماید که خریدار یا هر شخص دیگری که در مفاد

کپی مالونه یا سوداگری صورت حسابونه یا د هغو معادل الکترونیکی پیغام، نور سندونه او مدارک چپ قرارداد د هغو مستلزم دی، برابر کړي.

۲- د صادرېدو هر ډول جوازلیک، گمرکي تشریفات او نور رسمي سندونه چې د مالونو د صادرولو لپاره اړین وي په خپل مسئولیت او لگښت ترلاسه او سرته ورسوي.

۳- حمل او نقل له معمولو شرایطو سره سم د قرارداد د مندرجاتو مطابق، له عادی مسیر او په معمول ډول په مطلوب ځای کې ټاکلې نقطې ته د مالونو د لېږدولو لپاره په خپل لگښت، سرته ورسوي.

که چېرې د ځای په ټاکلو موافقه شوې نه وي یا د تعامل له مخې، ونه ټاکل شي، پلورونکی کولی شي ددې مقصد لپاره تر ټولو مناسب ځای وټاکي.

۴- د محمولې (CARGO) بیمه هغسې چې په قرارداد کې موافقه شوېده پداسې توگه، په خپل لگښت برابره کړي چې پېرودونکی یا هر بل شخص د مالونو

بیمه اموال شریک باشد مگر اینکه طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد، حق ادعای مستقیم از بیمه کننده را داشته و به خریدار، بیمه نامه و یا سایر اسناد و مدارک مربوطه به بیمه را فراهم سازد.

۵- اموال را به مرجع انتقال دهنده تسلیم دهد.

۶- خطرات زیان یا خساره به اموال را الی زمان تحویل دهی بپذیرد، مگر اینکه طور دیگری موافقه شده باشد.

۷- مصارف مربوط به اموال را الی زمان تحویل دهی، کرایه و سایر مصارف حمل و نقل، بیمه، بارگیری و تخلیه اموال را در محل تحویل دهی که بموجب قرارداد حمل و نقل به دوش فروشنده می باشد، پردازد. مگر اینکه طور دیگری موافقه شده باشد.

۸- در صورتی که مصارف مربوط به مراحل گمرکی، مالیات، دیون گمرکی و سایر مصارف قابل پرداخت را که برای صادرات و عبور اموال از طریق یک کشور ضروری می باشد. مشروط بر

د بیمی به گتته کپی شریک وي. خو دا چي په بل ډول موافقې صورت موندلی وي، له بیمه کوونکي څخه د مستقیمې ادعا حق ولري او پېرودونکي ته، بیمه لیک او په بیمې پورې نور اړوند سندونه او مدارک برابر کړي.

۵- مالونه لېرودونکې مرجع ته تسلیم کړي.

۶- د تحویلولو تر وخته پورې مالونو ته دتاوان یا زیان د رسېدو خطرونه ومني، خو داچې په بل ډول موافقه شوې وي.

۷- د تحویلولو تر وخته پورې په مالونو پورې اړوند لگښتونه، کرایه او د حمل او نقل بیمه دبارگیری او د تحویلولو په ځای کې د تخلیې نور لگښتونه چې د پلورونکي په غاړه دي، ورکړي. خو دا چې په بل ډول موافقه شوې وي.

۸- په هغه صورت کې چې په گمرکي پړاوونو، مالیاتو، گمرکي دیونو پورې اړوند لگښتونه او د ورکړې وړ نور لگښتونه چې د صادراتو او دیوه هېواد له لارې د

اينکه پرداخت آن مطابق قرارداد به عهده فروشنده باشد، پردازد. مگر اينکه طور ديگري موافقه شده باشد.

۹ - از تحويل دهی اموال به خريدار اطلاع دهد، تا تدابيري را که جهت دريافت اموال ضروري است، اتخاذ نمايد.

۱۰ - در صورتی که معمول باشد، سند يا اسناد مربوط به انتقال (بارنامه قابل انتقال کشتی، بارنامه غير قابل انتقال دريائی، سند مسير دريائی داخلی، بارنامه هوايي، بارنامه قطار آهن، بارنامه عبور شاهراه، يا اسناد حمل و نقل مختلف) را جهت حمل و نقل اموالی که قرارداد آن صورت گرفته است، به مصرف خود تهيه نمايد. هرگاه فروشنده و خريدار به بر قراری ارتباط و مکاتبه از طريق وسايل الکترونيکی توافق نموده باشند، سند يا اسناد فوق الذکر با پیام معادل مبادله معلومات الکترونيکی تعويض شده می تواند.

مالونو د تېرېدو لپاره اړين دي. پدې شرط چې ورکړه يې د قرارداد مطابق د پلورونکي په غاړه وي، ورکړي. خو دا چې په بل ډول موافقه شوې وي.

۹ - د مالونو له تحويلولو څخه پېرودونکي ته خبر ورکړي، ترڅو هغه تدبيرونه ونيسي چې د مالونو د ترلاسه کولو لپاره اړين دي.

۱۰ - په هغه صورت کې چې معمول وي، په لېرېدو پورې اړوند سند يا سندونه (د بېرې د لېرېدو وړ بارليک، په سيند کې د لېرېدو نه وړ بارليک، د سيند د کورني مسير سند، هوايي بارليک، د اوسپنې د پټلۍ بارليک، له لويو لارو څخه د تېرېدو بارليک، يا د حمل او نقل مختلف سندونه) د هغو مالونو د حمل او نقل لپاره چې قرارداد يې صورت موندلی په خپل لگښت برابر کړي. که چېرې پلورونکي او پېرودونکي د الکترونيکي وسايلو له لارې د اړيکيو او مکاتبې په برقرارولو موافقه کړې وي، پورته ياد شوی سند يا سندونه د الکترونيکي معلوماتو د مبادلې په معادل پيغام بدلېدی شي.

- ۱۱ - د کتنې د عملياتو لگښتونه (د کیفیت کتنه، اندازه، وزن او شمېرنه) چې د مالونو د تحویلولو لپاره لازم دي، ورکړي.
- ۱۲ - په خپل لگښت د مالونو د باربندي- لگښتونه، د لېږدېدو د شرایطو مطابق ورکړي، د مالونو باربندي په سمه توګه په نښه کړي، خو دا چې په بحث وړ معامله کې د مالونو استول په نه باربندي شوې توګه، معمول وي.
- ۱۳ - د پېرودونکي د غوښتنې پر بنسټ هر ډول همکاري او د هغه په خپل مسئولیت او لگښت د سندونو یا معادلو الکترونيکي پیغامونو چې په استوونکي هېواد او اصلي هېواد کې صادر یا لېږدول کېږي او پېرودونکي د هر هېواد له لارې د مالونو د واردولو او د هغو د لېږدولو په منظور هغو ته اړتیا لري، برابر کړي.
- ۱۴ - د اضافي بیمې د تأمین لپاره د پېرودونکي د غوښتنې پر وخت، لازم معلومات برابر کړي.
- (۳) په بیمه شوي حمل او نقل سره پلورنو کې، پېرودونکي د لاندې مکلفیتونو
- ۱۱ - مصارف عمليات معاینه (معاینه کیفیت، اندازه، وزن و شمارش) را که برای تحویلدهی اموال لازم می باشد، بپردازد.
- ۱۲ - مصارف بار بندی اموال را مطابق شرایط انتقال، به مصرف خود پرداخته بار بندی اموال را بصورت درست نشانی نماید، مگر اینکه در معامله مورد بحث فرستادن اموال بطور بار بندی نشده، معمول باشد.
- ۱۳ - هر نوع همکاری را بر اساس تقاضای خریدار و به مسئولیت و مصرف خود وی، در تهیه اسناد یا پیام های الکترونيکی معادل که در کشور ارسال کننده و کشور اصلی، صادر یا انتقال می گردد و خریدار به منظور توريد اموال و انتقال آن از طریق هر کشوری به آن نیاز دارد، فراهم نماید.
- ۱۴ - معلومات لازم را حين مطالبه خریدار برای تأمین بیمه اضافی فراهم سازد.
- (۳) در فروشات با حمل و نقل بیمه شده، خریدار دارای مکلفیت های

لرونکي دی:

ذیل می باشد:

- ۱ - بیه د پلورني د قرارداد مطابق، ورکړي.
- ۱ - قیمت را مطابق قرارداد فروش بپردازد.
- ۲ - د واردولو جواز او نور اړوند سندونه له گمرکي پانوسره یو ځای چې له یوه هېواد څخه د مالونو په واردولو او لېږدولو کې لازم گڼل کېږي، په خپل مسئولیت او لگښت برابر کړي.
- ۲ - جواز توريد و ساير اسناد رسمي مربوط را توأم با اوراق گمرکي که در توريد و انتقال اموال از یک کشور لازم پنداشته می شود، به مسئولیت و مصرف خود تهیه نماید.
- ۳ - له لېږدوونکي څخه د تسليم ورکولو په وخت کې مالونه، په ټاکل شوي ځای کې تحويل کړي.
- ۳ - اموال را در وقت تسليم دهی از نزد انتقال دهنده در محل تعیین شده تحويل گيرد.
- ۴ - د تحويلولو له وخت څخه وروسته د مالونو د ضایعاتو او اوونستو زیانونو خطر ونه، په غاړه واخلي.
- ۴ - خطرات، ضایعات و خسارات وارده به اموال را از زمان تحويلدهی به بعد، به عهده گيرد.
- ۵ - په هغه صورت کې چې ددې مادې د حکم مطابق، د خبرتیا په وړاندې کولو بریالی نشي، د مالونو خطر ونه له موافقه شوې نېټې یا د هغې مودې د تېرېدو له نېټې څخه چې د تحويلولو لپاره ټاکل شوېده، په غاړه اخلي. پدې شرط چې مالونه په قرارداد پورې اړه ولري یا په بل ډول سره د مالونو په توگه په قرارداد کې شامل تشخیص شوي وي.
- ۵ - در صورتی که طبق حکم این ماده، به ارائه اطلاعیه موفق نگردد، خطرات اموال را از تاریخ توافق شده یا تاریخ انقضای مدتی که برای تحويلدهی تعیین شده است به عهده می گيرد، مشروط بر اینکه اموال، مربوط به قرارداد بوده و یا طور دیگری به حیث اموال شامل قرار داد تشخیص شده باشد.

- ۶- په مالونو پورې اړوند لگښتونه د هغو د تحويلولو له وخت څخه ورکړي. خو دا چې په بل ډول تصريح شوي وي.
- ۷- په مالونو پورې اړوند لگښتونه د هغې مودې په ترڅ کې چې په ترازيت کې قرار لري مطلوب ځای ته تر رسېدو پورې، ورکړي. خو دا چې لگښتونه د حمل او نقل د قرارداد پر موجب د پلورونکي په غاړه وي يا يې صورت موندلی وي يا په بل ډول تصريح شوي وي.
- ۸- د مالونو د تشېدو لگښتونه ورکړي، خو دا چې نوموړي لگښتونه د لېږدېدو د قرارداد مطابق د پلورونکي په غاړه وي او يا په بل ډول تصريح شوي وي.
- ۹- د نه خبر ورکونې په صورت کې ددې مادې د حکمونو مطابق، نور هغه اضافي لگښتونه چې د مالونو په اړه يې صورت موندلی، له موافقه شوې نېټې يا د هغې مودې د تېرېدو له نېټې څخه چې د مالونو د استولو لپاره ټاکل شوېده ورکړي. پدې شرط چې نوموړي مالونه قانوناً په همدې قرارداد پورې اړه ولري يا
- ۶- مصارف مربوط به اموال را از زمان تحويلدهی آن پردازد، مگر آنکه طور ديگری تصريح شده باشد.
- ۷- مصارف مربوط به اموال را در خلال مدتی که در ترازيت قرارداد الی مواصلت به محل مطلوب پردازد. مگر اینکه اين مصارف بموجب قرارداد حمل و نقل به عهده فروشنده باشد يا صورت گرفته باشد ويا طور ديگری تصريح شده باشد.
- ۸- مصارف تخليه اموال را پردازد، مگر آنکه مصارف مذکور طبق قرارداد انتقال، بدوش فروشنده بوده و يا طور ديگری تصريح شده باشد.
- ۹- در صورت عدم اطلاع دهی بر طبق احکام این ماده، مصارف اضافی ديگری را که در ارتباط به اموال صورت گرفته، از تاريخ توافق شده يا تاريخ انقضای مدتی که برای ارسال اموال تعيين گردیده پردازد. مشروط براینکه اموال مذکور قانوناً به همین قرارداد مربوط بوده يا صریحاً به حيث اموال

- صريحاً په قرارداد کې شامل مالونه پېژندل شوي وي. خو دا چې په بل ډول موافقې صورت موندلی وي.
- ۱۰ - د ايجاب په صورت کې، د مالونو د واردولو لپاره گمرکي ديون او نور د ورکړې وړ لگښتونه او د نورو هېوادونو له لارې د ترانزيت لگښتونه ورکړي. خو دا چې نوموړي لگښتونه د قرارداد په لگښتونو کې شامل شوي وي يا په بل ډول تصريح شوي وي.
- ۱۱ - د مالونو د استولو يا د مطلوب ځای د ټاکلو لپاره د وخت د ټاکلو د واک د لرلو په صورت کې، پلورونکي ته پدې هکله خبر ورکړي.
- ۱۲ - د حمل او نقل د اجراء وړ سندونه، له قرارداد سره د هغو د مطابقت په صورت کې، ومني.
- ۱۳ - د مالونو له حمل او نقل څخه د مخه د هر ډول کتنې لگښتونه (د هغه هېواد د دولت د واکمنو مقاماتو د پلټنې د لگښتونو په استثنې چې مالونه له هغه څخه صادرېږي)، ورکړي.
- ۱۴ - هغه لگښتونه چې د سندونو يا د شامل قرارداد شناخته شده باشد. مگر اينکه طور ديگري موافقه صورت گرفته باشد.
- ۱۰ - در صورت ايجاب، ديون گمرکي ومالياتي وساير مصارف قابل پرداخت برای توريد اموال و مصارف ترانزيت از طريق ساير کشورها را بپردازد. مگر اينکه مصارف مذکور شامل مصارف قرارداد گرديده باشد، يا طور ديگري تصريح شده باشد.
- ۱۱ - در صورت داشتن صلاحيت تعيين زمان برای ارسال اموال يا تعيين محل مطلوب، به فروشنده در زمينه اطلاع بدهد.
- ۱۲ - اسناد قابل اجرای حمل و نقل را در صورت مطابقت آنها با قرارداد، بپذيرد.
- ۱۳ - مصارف هر نوع معاینه قبل از حمل و نقل اموال را (به استثنای پرداخت مصارف تفتيش مقامات ذیصلاح دولت کشوری که اموال از آن صادر می شود) بپردازد.
- ۱۴ - مصارف را که در فراهم

آوري اسناد يا پيام هاي الكترونيكي معادل آن صورت گرفته، پرداخته و مصارفي را كه از جانب فروشنده براي انجام كمك به عمل آمده، جبران نمايد.

۱۵ - معلومات لازم را عندالمطالبه، غرض فراهم آوري هرنوع بيمه اضافي در اختيار فروشنده قراردادهد.

فصل هفدهم

قرارداد هاي

تذخير و نگهداري اموال در گدام

مرعي الاجراء بودن قرارداد

ماده يكصد و سي و چهارم:

قرارداد تذخير در گدام از تاريخ عقد آن مرعي الاجراء مي باشد.

تذخير مواد خطرناك در

گدام

ماده يكصد و سي و پنجم:

(۱) هرگاه امانت گذار بنخواهد مواد خطرناك را كه قابليت احتراق، انفجار، خفه کننده، سمی بودن و يا راديو اکتيف و غيره را دارا باشد و يا مواد

هغو معادل الكترونيكي پيغامونو په برابرېدوكې يې صورت موندلې، وركړې او هغه لگښتونه چې د پلورونكي لخوا د مرستې د سرته رسولو لپاره شويدي، جبران كړي.

۱۵ - عندالمطالبه د هر ډول اضافي بيمې د برابرولو په غرض لازم معلومات د پلورونكي په واک کې وركړي.

اوولسم فصل

په گدام کې د مالونو د زېرمه

كولو (تذخير) اوساتني قراردادونه

د قرارداد مرعي الاجراء والي

يوسلوڅلور دېرشمه ماده:

په گدام کې د زېرمه كولو قرارداد د هغه د عقد له نېټې څخه مرعي الاجراء دی.

په گدام کې د خطرناكو موادو زېرمه

كول

يوسلوپنځه دېرشمه ماده:

(۱) كه چېرې امانت اېښودونكي وغواړي، هغه خطرناك مواد چې د اور اخیستنې، چاودنې، خفه كولو، زهروالي يا راديو اکتيف او داسې نورو د وړتيا

تخريب پذير را در گدام تذخير نمايد، مكلف است، خاصيت اين نوع اموال را بيان و معلومات لازم درمورد آنها را فراهم سازد.

(۲) گدام دار می تواند در صورت تخطی امانت گذار از حکم مندرج فقره (۱) اين ماده، اموال را رد و برای جلوگیری از ضایعات اقدامات لازم را به مصرف امانت گذار اتخاذ نماید.

(۳) هرگاه گدامدار به تذخير مواد خطر ناک که از آنها خطر احتراق، انفجار، خفه کردن، سمی بودن و یا راديو اکتيف موجود باشد موافقه کند، درینصورت گدام باید با وسایل حفاظت لازم مجهز باشد.

وجایب ومكلفیت های گدام دار

ماده یکصد و سی و ششم:

(۱) گدامدار مکلف است مطابق قرارداد، معاینه وبازرسی از اموال درگدام را انجام دهد. هرگاه درجریان معاینه مواردی را

لرونکی وي یا ويجاروونکی مواد په گدام کې زېرمه کړي، مکلف دی، ددغه ډول موادو خاصیت بیان او دهغو په هکله لازم معلومات برابر کړي.

(۲) گدامدار کولی شي، ددې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حکم څخه د امانت اېښودونکي د سرغړونې په صورت کې، مالونه رد او له ضایعاتو څخه د مخنيوي لپاره، د امانت اېښودونکي په لگښت لازم اقدامات وکړي.

(۳) که چېرې گدامدار د خطرناکو موادو په زېرمه کولو چې له هغو څخه د اور اخیستنې، چاودنې، خفه کولو، زهر جنوالی یا راديو اکتيف خطر موجود وي موافقه وکړي، پدې صورت کې گدام باید د ساتنې (خونديتوب) په لازم وسایلو سمبال وي.

د گدامدار وجیبي او مکلفیتونه

یوسلو شپږ دېرشمه ماده:

(۱) گدامدار مکلف دی د قرارداد مطابق، په گدامونو کې له مالونو څخه کتنه او پلټنه تر سره کړي. که چېرې دکتني په بهير کې داسې موارد ومومي

دريابد که سبب عدم قبول مال گردد، در اين صورت مکلف است امانت گذار را به موقع از آن اطلاع دهد. بعد از انجام معاینه و قبول اموال، هر نوع مسئولیت عایده در خصوص نوعیت، کمیت، یا کیفیت اموال و خسارات ناشی از آن به عهده گدامدار می باشد.

(۲) هرگاه گدامدار دریابد که اموال گدام، در حال از بین رفتن یا خساره مند شدن می باشد، مکلف است بموقع معین، امانت گذار یا دارنده رسید گدام را از موضوع اطلاع دهد.

(۳) هرگاه گدام دار در یابد که اموال گدام رو به خرابی یا در حال خساره مند شدن، و به اثر آن امکان متضرر شدن سایر اموال یا خطر حفاظت عادی آنها متصور می باشد، مکلف است. انتقال اموال را حسب احوال، از امانت گذار یا دارنده رسید گدام تقاضا کند. در حالات فوق العاده، گدامدار می تواند طوری که لازم باشد، اموال را از گدام انتقال دهد،

چې دمال د نه منلو سبب شي، پدې صورت کې مکلف دی امانت اېښودونکي پر وخت له هغو څخه خبر کړي. دکتني له سرته رسولو او دمالونو له منلو څخه وروسته، د مالونو د ډول يا کیفیت او له هغو څخه دزيانونو د راپيدا کېدو په برخه کې هر ډول رامنځته شوی مسئولیت د گدامدار په غاړه دی.

(۲) که چېرې گدامدار ومومي چې د گدام مالونه د له منځه تلو يا زيانمنېدو په حال کې دي، مکلف دی پر ټاکلي وخت، امانت اېښودونکي يا د گدام د رسید لرونکي ته خبر ورکړي.

(۳) که چېرې گدامدار ومومي چې د گدام مالونه مخ په خرابېدو يا زيانمنېدو دي او د هغو له امله د نورو مالونو دزيانمنېدو يا د هغو د عادي ساتني دخطر امکان ليدل کېږي، مکلف دی. له احوالو سره سم د مالونو لېږدول له امانت اېښودونکي يا د گدام درسيده لرونکي څخه وغواړي. په فوق العاده حالاتو کې، گدامدار کولی شي هغسې چې لازمه ده، مالونه له گدام څخه ولېږدوي، پدې شرط

مشروط براینکه بعداً تحویل دهنده اموال یا دارنده رسید گدام را به اسرع وقت از چگونگی موضوع اطلاع دهد.

رسید گدام

ماده یکصد و سی و هفتم:

(۱) گدامدار بعد از تحویلدهی اموال توسط امانت گذار، رسید گدام را صادر می کند.

(۲) رسید گدام سندی است که برای بازیافت اموال به کار برده شده و با تصدیق و تأیید رسید گدام از جانب امانت گذار و امضا یا مهر آن توسط گدامدار، حق بازیافت اموال را حایز می گردد.

(۳) گدامدار مکلف است به تقاضای دارنده رسید گدام، اجازه معاینه اموال یا اخذ نمونه از آنرا به او بدهد.

چی وروسته دمالونو تحویلونکی یا د گدام درسید لرونکی ته په لنه وخت کې دموضوع له څرنگوالي څخه خبر ورکړي.

د گدام رسید

یوسلو اووه دېرشمه ماده:

(۱) گدامدار د امانت اېښودونکي په واسطه د مالونو له تحویلولو وروسته، د گدام رسید صادر وي.

(۲) د گدام رسید هغه سنددی چې د مالونو د بېرته ترلاسه کولو لپاره کارول کېږي او د امانت اېښودونکي لخوا د گدام د رسید په تأیید او تصدیق او د گدامدار په واسطه د هغه په لاسلیک یا مهر سره، د مالونو د بېرته ترلاسه کولو حق لاسته راوړي.

(۳) گدامدار مکلف دی د گدام د رسید د لرونکي په غوښتنه، د مالونو د کتنې یا له هغو څخه د نمونې د اخیستلو اجازه هغه ته ورکړي.

په گډام کې د مالونو د زېرمه کولو

موده

یوسلو اته دېرشمه ماده:

(۱) که چېرې د مالونو د زېرمه کولو موده په قرارداد کې تصریح نشي یا نامعلومه وي، امانت اېښودونکی یا د گډام د رسید لرونکی کولی شي هر وخت یې چې غوښتي وي، مالونه بېرته ترلاسه او واخلي او هم گډامدار کولی شي هر وخت له امانت اېښودونکي یا د گډام د رسید له لرونکي څخه وغواړي ترڅو مالونه له گډام څخه ولېږدوي، پدې شرط چې مقابل اړخ ته د چمتو کېدو لازم وخت ورکړي.

(۲) امانت اېښودونکی یا د گډام د رسید لرونکی کولی شي په گډام کې د مالونو د زېرمه کولو د مودې په پای کې، گډامدار ته د گډام د رسید په ښودلو سره مالونه له گډام څخه ولېږدوي.

(۳) که چېرې امانت اېښودونکی یا د گډام د رسید لرونکی له گډام څخه د مالونو په لېږدولو کې ځنډ وکړي، د ځنډ له درکه زیاته کرایه غوښتل کېدی شي.

مدت تذخیر اموال در

گډام

ماده یکصد وسی و هشتم:

(۱) هرگاه مدت تذخیر اموال در قرارداد تصریح نه گردد یا نامعلوم باشد، امانت گذار یا دارنده رسید گډام می تواند هر وقتی که خواسته باشد، اموال را بازیافت و اخذ نماید و هم گډامدار می تواند هر زمانی از امانت گذار یا دارنده رسید گډام تقاضا نماید تا اموال را از گډام انتقال دهد، مشروط بر اینکه به طرف مقابل وقت لازم آمادگی داده شود.

(۲) امانت گذار یا دارنده رسید گډام می تواند در ختم مدت تذخیر اموال در گډام، با ارائه رسید گډام به گډامدار، اموال را از گډام انتقال دهد.

(۳) هرگاه امانت گذار یا دارنده رسید گډام در انتقال اموال از گډام تأخیر ورزد، کرایه بیشتر از مدرک تأخیر مطالبه شده می تواند. اما در صورتی که

اموال مذکور قبل از ختم مدت تذخیراز گدام، انتقال گردد، اجرت تذخیر کاهش نمی یابد.

(۴) هرگاه امانت گذار یا دارنده رسید گدام نتواند در ختم مدت تذخیر به انتقال اموال موفق گردد، گدام دار می تواند مدت مناسبی را برای اخذ اموال تعیین کند و در صورتی که در ختم این مدت نیز انتقال اموال صورت نگیرد، گدامدار می تواند در امانت گذاری آن به شخص ثالث اقدام کند.

مسئولیت های گدامدار

ماده یکصد و سی و نهم:

(۱) هرگاه در خلال مدت تذخیر، بنا بر عدم توجه گدامدار در امر حفاظت، به اموال خسارت وارد گردد، گدامدار مسئول جبران آن شناخته می شود. مگر اینکه طور دیگری موافقت صورت گرفته باشد.

(۲) هرگاه اموال نظر به ماهیت

خو به هغه صورت کې چې نوموړي مالونه د زېرمه کولو له مودې د مخه، له گدام څخه ولېږدول شي، د زېرمه کولو اجرت نه راټیټیږي.

(۴) که چېرې امانت اېښودونکی یا د گدام د رسید لرونکی ونکړی شي د زېرمه کولو د مودې په پای کې د مالونو په لېږدولو بریالی شي، گدامدار کولی شي د مالونو د اخیستلو لپاره مناسبه موده وټاکي او په هغه صورت کې چې ددې مودې په پای کې هم د مالونو لېږدېدل صورت ونه مومي، گدامدار کولی شي له ثالث شخص سره د هغو په امانت اېښودلو ته اقدام وکړي.

د گدامدار مسئولیتونه

یوسلو نهمه دېرشمه ماده:

(۱) که چېرې د زېرمه کولو د مودې په ترڅ کې، د ساتنې په کار کې د گدامدار د نه پاملرنې له امله مالونو ته زیان ورسېږي، گدامدار د هغه د جبران مسئول پېژندل کېږي. خو دا چې په بل ډول موافقې صورت موندلی وي.

(۲) که چېرې مالونه د هغو د خپل ماهیت

له نظره يا په باربندي- يا زېرمه كولو كې د عيب له امله نابود يا زيانمن شي، گدامدار د هغو مسئول نه دي.

خود آنها و يا بنا بر عيب در بار بندي يا تذخير، نابود و يا خساره مند شوند، گدامدار مسئول آن نمی باشد.

اتلسم فصل

فصل هجدهم

وروستني حكمونه

احكام نهائي

د اعمال وړتيا

قابليت اعمال

يوسلو څلوېښتمه ماده:

ماده يكصد و چهلم:

هغه قانوني قراردادونه چې ددې قانون د انفاذ تر نېټې پورې، په افغانستان كې عقد شوي وي، د قانوني اعتبار لرونكي دي او ددې قانون د انفاذ له نېټې څخه ددې قانون د حكمونو تابع دي.

قرارداد های قانونی ایكه الی تاریخ انفاذ این قانون، در افغانستان انعقاد یافته باشند، دارای اعتبار قانونی بوده و از تاریخ انفاذ این قانون تابع احكام این قانون می باشند.

په نورو قراردادونو پورې اړوندې

امور مربوط به سایر

چارې

قراردادها

يوسلو يو څلوېښتمه ماده:

ماده يكصد و چهل و يكم:

دمسافر دحمل او نقل په قرارداد، د محمولې او مالونو په قرارداد او د كار او كارگر په قرارداد پورې اړوندې چارې، د مربوطو تقنيني سندونو په واسطه تنظيمېږي.

امور مربوط به قرار داد حمل و نقل مسافر، قرار داد محموله و اموال و قرارداد كار و كارگر توسط اسناد تقينی مربوط تنظيم می گردد.

د مقرراتو وضع كول

يوسلو دوه څلوبښتمه ماده:

د سوداگرۍ او صنايعو وزارت كولى شي، د دې قانون د حكمونو د بڼه تطبيق په منظور، مقررې وړانديز، لازمي لايحې او كړنلارې وضع كړي.

د انفاذ نېټه

يوسلو دري څلوبښتمه ماده:

دغه قانون په رسمي جريده كې د خپرېدو له نېټې څخه نافذ او په نافذېدو سره يې مغاير حكمونه لغو كېږي.

وضع مقررات

ماده يكصد وچهل و دووم:

وزارت تجارت و صنايع مى تواند به منظور تطبيق بهتر احكام اين قانون مقررې ها را پيشنهاده، لوايح و طرز العمل هاى لازم را وضع نمايد.

تاريخ انفاذ

ماده يكصد وچهل و سوم:

اين قانون از تاريخ نشر در جريده رسمى نافذ و با انفاذ آن، احكام مغاير آن ملغى مى گردد.

اشتراک سالانه:

در مرکز و ولایات : (۹۰۰) افغانی
برای مامورین دولت: با ۲۵ فیصد تخفیف
برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق، نصف قیمت
برای کتاب فروشی ها با ۱۰ فیصد تخفیف از قیمت روی جلد
خارج از کشور: (۲۰۰) دالر امریکائی



**ISLAMIC REPUBLIC
OF
AFGHANISTAN
MINISTRY OF JUSTICE**

**OFFICIAL
GAZETTE**

**Law on Commercial
Contracts & Selling Property**

**Date: 20th *OCTOBER*. 2014
ISSUE NO :(1150)**